



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	شورای اسلامی شهر کرمان	۱۳۹۹/۱۱/۱۸	رای شماره ۱۷۴۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تعرفه شماره ۲-۱۶ عوارض ابقای ساختمانی و عوارض ساختمان‌های موجود سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر کرمان از تاریخ تصویب
۴	شورای اسلامی شهر اردکان	۱۳۹۹/۱۱/۱۸	رای شماره ۱۷۴۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تبصره ۲ بند ۱۱ از تعرفه سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر اردکان در ذیل آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ اصلاحی ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها سرانه فضای خدمات عمومی و معابر مسکونی
۵	شورای اسلامی شهر تبریز	۱۳۹۹/۱۱/۱۸	رای شماره ۱۷۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۱-۱۳ ماده ۱ مبنی بر هزینه تأمین پارکینگ برای سال ۱۳۹۸، ماده ۸ مبنی بر تأمین سرانه‌های فضای سبز شهری و اطلاق بند ۲-۲۴-۱ ماده ۲۴ سال ۱۳۹۸ مصوب شورای اسلامی شهر تبریز و آن قسمت از بند ۱۰-۱-۸ از ماده ۱۰ مبنی بر کسری فضای باز برای سال ۱۳۹۸ از تاریخ تصویب
۷	شورای عالی اداری	۱۳۹۹/۱۱/۱۸	رای شماره ۱۷۵۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۳ ماده ۱۳ تصویب‌نامه شماره ۱۱۲۷۱۲۸۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ شورای عالی اداری
۸	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۳۹۹/۱۱/۱۸	رای شماره ۱۷۵۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۵-۴ از فراخوان پذیرش دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی
۹	شورای اسلامی شهر ورامین	۱۳۹۹/۱۱/۱۸	رای شماره ۱۷۶۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تبصره‌های ۱، ۳ و ۴ از تعرفه سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تحت عنوان تفکیک اعیانات، عوارض خریداری و تأمین خدمات عمومی برای سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، وضع عوارض تحت عنوان تأمین هزینه کسری سرانه خدمات عمومی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تعرفه عوارض عدم تأمین فضای سبز برای سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تعرفه هزینه آماده‌سازی به استثنای تبصره‌های ۱ و ۲ سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تبصره ۳ تحت عنوان عوارض تغییر کاربری سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و تبصره ۳ عوارض بهبود حق بهره‌برداری سال ۱۳۹۷ از مصوبات شورای اسلامی شهر ورامین از تاریخ تصویب
۱۱	سازمان تأمین اجتماعی	۱۳۹۹/۱۱/۱۸	رای شماره ۱۷۶۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بخشنامه شماره ۴۰۱۰/۹۴/۸۸۴۲ - ۱۳۹۴/۱۰/۱۶ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی
۱۳	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۹/۱۱/۲۱	رای شماره ۱۷۶۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تعارض در آراء شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواست اشخاص به خواسته الزام به پذیرش رأی اداره کار و احتساب سوابق اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور
۱۴	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۳۹۹/۱۱/۲۱	رای شماره ۱۷۶۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۱۱ آیین‌نامه تأسیس و فعالیت شرکت‌های پخش فرآورده‌های سلامت محور به شماره ۶۶۵/۸۸۱۳۷ - ۱۳۹۴/۶/۲۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۵	سازمان سنجش و آموزش کشور	۱۳۹۹/۱۱/۲۱	رای شماره ۱۷۶۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۵-۲ مصوبه دانشگاه تبریز در آزمون دکتری سال ۱۳۹۸
۱۶	هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار	۱۳۹۹/۱۱/۲۱	رای شماره‌های ۱۷۶۸ و ۱۷۶۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای ۱ و ۲ مصوبه جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱۷	سازمان تأمین اجتماعی	۱۳۹۹/۱۱/۲۱	رای شماره ۱۷۷۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال قسمت اول جزء ۵ ردیف ۱۱ بخش یازدهم بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۹/۵ - ۱۰۰۰/۹۶/۹۶۱۵ سازمان تأمین اجتماعی
۱۹	وزارت کشور	۱۳۹۹/۱۱/۲۸	رای شماره ۱۷۷۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال نامه شماره ۱۳۹۰/۳/۲۲ - ۲۲۲/۹۰/۶۵۱۰ سازمان اداری و استخدامی کشور و بخشنامه شماره ۱۷۹۰۸۹ - ۱۳۹۸/۹/۷ معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت کشور
۲۰	سازمان تأمین اجتماعی	۱۳۹۹/۱۱/۲۸	رای شماره ۱۷۷۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۶۵۴۰-هـ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت وزیران و ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ حوزه معاونت بیمه سازمان تأمین اجتماعی
۲۲	شورای اسلامی شهر کرج	۱۳۹۹/۱۲/۲	رای شماره ۱۸۰۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ردیف ۴ الی ۹ از جدول بند یک، مصوبه شماره ۱۳۹۸/۵/۶ - ۵/۳/۵/۹۸/۱۰۱۸ شورای اسلامی شهر کرج از تاریخ تصویب
۲۵	دانشگاه شهید بهشتی	۱۳۹۹/۱۲/۲	رای شماره ۱۸۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۴ ردیف ۳ شیوهنامه دسترسی به پایان نامه‌های دانشگاه شهید بهشتی مصوب هجدهمین جلسه هیأت رئیسه دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۶
۲۵	شورای اسلامی شهر امیدیه	۱۳۹۹/۱۲/۲	رای شماره ۱۸۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال مصوبه مورد شکایت تحت عنوان عوارض عرصه غیرمسکونی تک واحدی در سال ۱۳۹۸ تحت عنوان وصول عوارض ساختمان‌های نیمه کاره، گواهی اتمام عملیات ساختمانی و تبصره تعرفه دستورات عمل تمدید پروانه ساختمانی مصوب شورای اسلامی شهر امیدیه از تاریخ تصویب
۲۸	شورای اسلامی شهر تبریز	۱۳۹۹/۱۲/۲	رای شماره ۱۸۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر تبریز و تبصره یک بند ۱۰-۳-۱۰ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر تبریز مربوط به سال ۱۳۹۸
۲۹	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۹/۱۲/۲	رای شماره ۱۸۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: در رسیدگی به دعاوی، به طرفیت شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و با لحاظ ماهیت شرکت مذکور قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی صحیح است
۳۰	شورای اسلامی شهر کهریزک	۱۳۹۹/۱۲/۲	رای شماره ۱۸۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال فصل ۱۵، ۱۷، ۱۹ و ۲۳ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸ از تاریخ تصویب

قوانین و مقررات عمومی

بسمه تعالی

شماره ۹۸۰۳۰۷۹

۱۳۹۹/۱۲/۱۷

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۴۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با موضوع: «ابطال تعرفه شماره ۲ - ۱۶ عوارض ابقای ساختمانی و عوارض ساختمان‌های موجود سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر کرمان از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ شماره دادنامه: ۱۷۴۸ شماره پرونده: ۹۸۰۳۰۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای محسن نیکخواه راوری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعرفه شماره ۲ - ۱۶ عوارض ابقای ساختمانی و عوارض ساختمان‌های موجود سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر کرمان

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تعرفه شماره ۲ - ۱۶ عوارض ابقای ساختمانی و عوارض ساختمان‌های موجود سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر کرمان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«شورای اسلامی شهر کرمان طی مصوبه‌ای مبادرت به تصویب مقرره‌ای نموده که طی آن علاوه بر جریمه‌های موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مبالغی تحت عنوان‌هایی مانند عوارض ابقاء و اضافه بنا و پذیره از شهروندان اخذ می‌گردد. متن مصوبه شورای اسلامی شهر کرمان مندرج در دفترچه تعرفه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۸ شهرداری کرمان به شرح ذیل است: «۱- عوارض ابقاء زیربنای مسکونی چنانچه زیربنا مطابق ضوابط و مطابق کاربری باشد به ضریب ۱/۵ برابر تعرفه زیربنای مسکونی محاسبه می‌گردد. در غیر این صورت با ضریب (۲ برابر) محاسبه می‌گردد. ۲- عوارض ابقاء پیش‌آمدگی ساختمان مسکونی چنانچه زیربنا مطابق ضوابط و مطابق کاربری باشد با ضریب ۳ برابر محاسبه می‌گردد در غیر این صورت با ضریب ۴ برابر محاسبه می‌گردد. ۳- عوارض ابقاء زیربنای تجاری و سایر کاربری‌ها

(زیربنا - پذیره) چنانچه زیربنا مطابق ضوابط و مطابق کاربری باشد با ضریب ۲ برابر محاسبه می‌گردد در غیر این صورت با ضریب ۲/۵ برابر محاسبه می‌گردد. ۴- عوارض ابقاء پیش‌آمدگی ساختمان تجاری و سایر کاربری‌ها چنانچه زیربنا مطابق ضوابط و مطابق کاربری باشد با ضریب ۴ برابر محاسبه می‌گردد در غیر این صورت با ضریب ۵ برابر محاسبه می‌گردد.» با عنایت به دلایل و مستندات ذیل مصوبه مذکور مغایر با ضوابط و قوانین و مقررات است:

بخش دوم: مغایرت مصوبه با قوانین و خروج از اختیارات قانونی (مواد قانونی که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده و دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با قوانین و خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده): قانونگذار به شرح ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن انواع تخلفات ساختمانی از جمله عدم رعایت اصول شهرسازی یا فنی یا بهداشتی یا اضافه بنا زائد بر مساحت زیربنای مندرج در پروانه ساختمانی اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی و اداری را تبیین و مشخص نموده و تعیین تکلیف تخلفات ساختمانی اعم از تخریب، تعطیل و اعاده به وضع مجاز و یا تعیین جریمه را در صلاحیت کمیسیون‌های مقرر در ماده مزبور قرار داده است. توضیح اینکه با عنایت به این که قانونگذار در زمینه مرجع تعیین عوارض و کیفیت احتساب جرایم تخلفات ساختمانی و وصول آنها در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها تعیین تکلیف نموده، بنابراین مفاد مصوبه شورای اسلامی شهر کرمان که متضمن وضع قاعده آمره در خصوص وصول عوارض ابقاء و پذیره و اضافه تراکم و تخلفاتی مانند پیش‌آمدگی ساختمان، علاوه بر جرایم تخلفات ساختمانی می‌باشد، خارج از حدود اختیارات قانونی شورای شهر می‌باشد. توضیح اینکه ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن (تبصره‌های ۲ و ۳) حکم بناهای مازاد بر تراکم و سایر موارد را از لحاظ نحوه رسیدگی، تعیین جریمه، میزان و نحوه وصول آن معین کرده است. به صراحت تبصره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ ماده مزبور بعد از اتخاذ تصمیم توسط کمیسیون موضوع تبصره ۱ آن ماده، شهرداری مکلف به وصول جریمه بر اساس نظر کمیسیون می‌باشد. لیکن شورای شهر کرمان بدون وجود اختیار قانونی اقدام به صدور مصوبه فوق‌الذکر نموده و در آن علاوه بر جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰، دریافت عوارض متعلقه (ابقاء و پذیره و اضافه تراکم و پیش‌آمدگی ساختمان) نسبت به بنای خلاف را نیز مقرر کرده است. این در حالی است که در مانحن فیه، قانون شهرداری، صریحاً شهرداری را مکلف به وصول جریمه بر اساس نظر کمیسیون ماده صد کرده است. بر این اساس مصوبه فوق‌الذکر فاقد وجهه قانونی و خارج از حیطه اختیارات بوده و عدول شورای شهر کرمان از موازین قانونی می‌باشد. با عنایت به مطالب فوق اخذ وجوه مذکور برخلاف ماده ۴ قانون بخشی از مقررات مالی دولت نیز می‌باشد. در این قانون دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط نهادهای

۵ - ساختمان‌های مسکونی قدیمی قبل از تصویب طرح تفصیلی (سال ۱۳۶۸) که از مخلوط خشت و گل و کاه گل و آجر و سقف تیر چوبی باشند از پرداخت عوارض ساختمانی و کسری پارکینگ و تراکم معاف می‌باشند.

۶ - ساختمان‌های بدون مجوز که قبلاً خارج از محدوده قانونی قرار گرفته و در حال حاضر بر اثر اصلاح و توسعه طرح جامع در داخل محدوده شهر واقع می‌شود پس از طرح موضوع در کمیسیون ماده ۱۰۰ نسبت به وصول عوارض آنها اقدام می‌گردد.

۷ - مسقف نمودن حیاط ساختمان‌های موجود دارای ارزش تاریخی با استفاده گردشگری به صورت سبک و با تأمین متناسب نور و بدون استفاده از مصالح بنایی (با جزئیات اجرایی طبق نظر میراث فرهنگی) در جهت حفظ بنای تاریخی مشمول تخلف نمی‌گردد.» در پاسخ به شکایت مذکور رئیس شورای اسلامی شهر کرمان به موجب لایحه شماره ۶۷۳۳ - ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ توضیح داده است که:

«به استحضار می‌رساند مصوبه ۴۳۳۳ - ۱۳۹۸/۱۱/۲ در اجرای ماده ۳۰ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها و بند ۱۶ ماده ۸۰ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ موارد زیر حضورتان ارسال می‌گردد. همچنین طبق ماده ۹۰ قانون فوق‌الذکر شهرداری نسبت به سیر مراحل قانونی تعرفه مصوب ۴۳۳۳ - ۱۳۹۷/۱۱/۲ اقدام نموده است:

۱- عمده استدلال و استناد شاکی به مقررات کلی ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است که اخذ هرگونه وجه را خارج از چارچوب قانونی توسط ارگان‌ها از جمله شهرداری ممنوع اعلام کرده است. در حالی که ممنوعیت اخذ وجه توسط شهرداری مشروط به خروج از چارچوب قانونی است و با توجه به اینکه عوارض موضوع شکایت مستنداً به مصوبه شورا اخذ و دریافت می‌گردد لذا شرط خروج از قانون استنادی شاکی محقق نگردیده و وضع مصوبه مشمول ممنوعیت قانونی نمی‌باشد.

۲- نظر به اینکه برابر آرای دیوان عدالت اداری جریمه و عوارض دو مقوله جداگانه بوده و اخذ جریمه به منظور تخلفی است که توسط اشخاص صورت می‌گیرد و میزان آن توسط کمیسیون ماده صد تعیین می‌شود و عوارض حقوق قانونی شهرداری بوده که در صورت ابقاء بنا قابل وصول می‌باشد، لذا عوارض بعد از کمیسیون به شرح تعرفه مورد نظر پس از سیر مراحل قانونی تصویب و ملاک عمل جهت اجرا گردید. مطابق بندهای ۲ و ۱ ماده ۲۹ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها، عوارض از منابع درآمد شهرداری‌هاست. بدون آن که مطالبه و وصول آنها مرتبط با وقوع یا عدم وقوع تخلفی در ساختمان موضوع عوارض مربوط می‌باشد. اما جریمه، مطابق تبصره‌های ۲ تا ۵ ماده صد قانون شهرداری، ضمانت اجرای وقوع تخلفات ساختمانی بوده که در چارچوب حداقل و حداکثر مقرر در تبصره‌های مزبور و بر اساس معیارهای مقرر در آنها توسط کمیسیون ماده صد پیش‌بینی می‌شود. تمایزات ماهوی دیگری نیز میان جریمه و عوارض وجود دارد. از جمله دوگانگی مراجع تعیین عوارض و جریمه، عدم وحدت مراجع حل اختلاف، لذا اخذ جریمه موجب انتفای عوارض مربوط نخواهد شد.

۳- برابر ماده ۷۷ قانون شهرداری، در خصوص عوارض مورد مطالبه شهرداری، هرگونه اعتراض اشخاص مودی نسبت به عوارض شهرداری، بدو در کمیسیون موضوع این ماده قانونی بررسی می‌گردد. با عنایت به اینکه در خصوص عوارض موضوع شکایت تاکنون اعتراضی از ناحیه شاکیان به این کمیسیون واصل نشده و با عنایت به عطف بماسبق نشدن قانون دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۹۲، برابر قانون زمان مطالبه عوارض به صورت عام حاکم بوده و برابر این قانون شاکی بایستی بدو در کمیسیون ماده ۷۷ طرح دعوا کند.

۴- تصویب تعرفه ۲ - ۱۶ از مصوبه ۴۳۳۳ - ۱۳۹۷/۱۱/۲ در راستای انطباق با آرای اخیر دیوان عدالت اداری صورت گرفته است که با اتخاذ وحدت ملاک از آرای مد نظر شورای شهر کرمان به شرح ذیل و تعمیم حکم مندرج در آن به موضوع شکایت شاکی، طرح شکایت فاقد وجهت قانونی است ضمناً آرای وحدت رویه ملاک عمل این شورا نسبت به آرای مد نظر نامبرده موخر بوده و آرای که نامبرده استناد نموده است مربوط به سنوات قبل و به صورت موردی بوده و همگی حاکی از صدور آراء متعدد و متناقض در خصوص اخذ عوارض علاوه بر جرایم نقدی ماده ۱۰۰ قانون شهرداری می‌باشد. عوارض منصوبه که از سوی مقام صلاحیتدار محلی و شورای شهر که به عنوان نهاد قانونگذاری در محل می‌باشد تصویب و به تأیید مراجع قانونی رسیده است و در حکم قانون می‌باشد و تا زمانی که مخالف صریح و آشکار قوانین جاری نباشد به قوت خود باقی می‌باشد. آراء صادره از سوی شعب متعدد دیوان عدالت اداری که به صورت موردی بوده صرفاً نسبت به همان پرونده جاری و ساری بوده و قابلیت اعمال در پرونده حاضر را نخواهد داشت پس از طرح مقدمه آنچه که در بادی امر عارض حضور می‌باشد همان طوری که واقف می‌باشند اثر قهقرایی آراء صادره از سوی دیوان عدالت اداری و هیأت عمومی دیوان نسبت به گذشته بوده که با آرای اخیر هیأت عمومی مغایرت دارد و استناد شورای شهر کرمان آرای اخیر می‌باشد که آرای مد نظر شورای شهر کرمان در تصویب تعرفه مذکور به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

بند ج رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۸۳۵ - ۱۳۹۸/۴/۲۵ شهرداری باسمنج اعلام می‌دارد: ج - با عنایت به اینکه در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت

عمومی غیر دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود ممنوع شده است و از آنجا که اخذ وجوهی به عنوان «عوارض ابقا» و «عوارض پذیره» و «عوارض اضافه بنا» و «عوارض پیش‌آمدگی ساختمان» خلاف قانون شهرداری‌ها دانسته شده لذا هیچ توجیهی برای اخذ این وجوه پذیرفته نیست.

مغایرت مصوبه با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: اخذ عوارض ابقا و اضافه بنا و تراکم و پذیره علاوه بر جریمه‌های مندرج در تبصره‌های ماده ۱۰۰ به غیر از اینکه خلاف مقررات می‌باشد مغایر رویه قضایی نیز هست به عنوان نمونه آراء ذیل قابل ذکر است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعددی به صراحت، اصل موضوع مورد استفاده توسط شورای اسلامی شهر کرمان جهت وضع و تعیین عوارض سالانه را غیرقانونی و مورد ابطال قرار داده است. لیکن علی‌رغم اعلان آرای مذکور در روزنامه رسمی یا حتی اعلام مستقیم آن توسط اشخاص به آن شورا تأثیری در روند نادرست آن شورا نداشته و مرجع مذکور یا نسبت به موضوع بی‌اعتنا بوده و یا با ایجاد تبصره‌ها و به اصطلاح ایجاد شاخ و برگ اضافی به اصل موضوع ابطال توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، موجبات دور زدن قوانین و آرای آن دیوان را فراهم می‌نماید. دادنامه‌های شماره ۲۴۲ - ۱۳۹۵/۴/۱، ۱۰۳۰ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۲، ۷۳۹ - ۱۳۹۶/۸/۲، ۱۸۱۸ - ۱۳۹۳/۱۱/۶، ۱۵۲۹ - ۱۳۹۳/۹/۲۴، ۷۷۰ - ۱۳۹۱/۱۱/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، این در حالی است که مصوبه شورای شهر کرمان چنین امری را مجاز دانسته است. با توجه به اینکه دیوان عدالت اداری در آرای مشابه اخذ چنین وجوهی از اضافه بنا در شهرهای دیگر را خلاف قانون قلمداد کرده و به استناد ماده ۳۰۱ که مقرر می‌دارد: «کسی که عمداً یا اشتبهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند.» و ماده ۳۰۲ قانون مذکور که اشعار می‌دارد: «اگر کسی که اشتبهاً خود را مدیون می‌دانست آن دین را تأدیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق، اخذ کرده است استرداد نماید.» همچنین ماده ۳۰۳ در این رابطه تصریح دارد که: «هر کسی که مالی را من غیر حق دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است اعم از اینکه به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل» شهرداری کرمان با مصوبه مذکور نسبت به اخذ چنین مبالغی خلاف قانون و من غیر حق، مبادرت می‌ورزد. لذا جلوگیری از اخذ این وجوه غیرقانونی مستلزم اقدام اعضای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بر اساس ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ مبنی بر ابطال مصوبه از زمان تصویب می‌باشد. ضمن اینکه اعمال ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری می‌تواند مانع از تجری شورای شهر و شهرداری کرمان گردد. بنا به مراتب و نظر به اینکه مصوبه شورای اسلامی شهر کرمان در خصوص عوارض تخلفات ساختمانی در قالب عوارض ابقا و پذیره و اضافه تراکم با ماده صد قانون شهرداری‌ها مغایرت دارد وضع عوارض توسط شورای اسلامی مذکور در تجویز اخذ عوارض ابقا و پذیره و اضافه تراکم خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات آن شورا می‌باشد، لذا مستنداً به مواد ۱۳، بند ۱ ماده ۱۲، ۸۸ و ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر کرمان و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری کرمان را از زمان تصویب و خارج از نوبت دارم.»

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«تعرفه شماره (۱۶ - ۲) - عوارض ابقای ساختمان و عوارض ساختمانی‌های موجود

(مقید لزوم استیفا حقوق قانونی شهرداری)

عوارض ابقا و زیربنای مسکونی چنانچه زیربنا مطابق ضوابط و مضامین کاربری باشد با ضریب ۱/۵ برابر تعرفه زیربنای مسکونی محاسبه می‌گردد. در غیر این صورت با ضریب (۲ برابر) محاسبه می‌گردد.

عوارض ابقا و پیش‌آمدگی ساختمان مسکونی چنانچه زیربنا مطابق ضوابط و مطابق کاربری باشد با ضریب ۲ برابر محاسبه می‌گردد در غیر این صورت با ضریب چهار برابر محاسبه می‌گردد. عوارض ابقا و زیربنای تجاری و سایر کاربری‌ها (زیربنا - پذیره) چنانچه زیربنا مطابق ضوابط و مطابق کاربری باشد با ضریب ۲ برابر محاسبه می‌گردد در غیر این صورت با ضریب ۲/۵ برابر محاسبه می‌گردد.

عوارض ابقا و پیش‌آمدگی ساختمان تجاری و سایر کاربری‌ها چنانچه زیربنا مطابق ضوابط و مطابق کاربری باشد با ضریب چهار برابر محاسبه می‌گردد در غیر این صورت با ضریب ۵ برابر محاسبه می‌گردد.

۲- به استناد به دادنامه شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و همچنین دادنامه شماره ۲۸ - ۱۳۸۵/۲/۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پس از وصول جرائم ساختمانی و عوارض متعلقه به نرخ زمان مراجعه محاسبه خواهد شد. کلیه بناهایی که بدون پروانه و یا مازاد بر پروانه در محدوده یا حریم شهر احداث و از سوی کمیسیون ماده ۱۰۰ ابقا شوند مطابق تعرفه عوارض محلی به شرح زیر اقدام خواهد شد.

۳- با دریافت عوارض ابقا و عوارضی تحت عنوان صدور پروانه ساخت وصول نخواهد شد.

۴- به خاطر تشویق نامسازی در صورت نامسازی و نورپردازی ساختمان‌های فاقد پروانه و رعایت ضوابط ۷۰ درصد عوارض ابقا در ردیف‌های مربوطه جدول فوق محاسبه و اخذ خواهد شد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض بیش از یک برابر مثل یک و نیم برابر جهت ساختمان‌های ابقا شده در کمیسیون‌های ماده صد در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین تعرفه شماره ۲ - ۱۶ تحت عنوان عوارض ابقای ساختمان و عوارض ساختمان‌های موجود مصوب شورای اسلامی شهر کرمان برای سال ۱۳۹۸ در موارد بیش از یک برابر مثل ۱/۵، ۲، ۴ و ۵ برابر به دلایل مندرج در رأی شماره ۱۰۳۰ - ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۲۸۴۳ ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۴۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با موضوع: «ابطال تبصره ۲ بند ۱۱ از تعرفه سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر اردکان در ذیل آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ اصلاحی ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها سرانه فضای خدمات عمومی و معابر مسکونی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ شماره دادنامه: ۱۷۴۹ شماره پرونده: ۹۸۰۲۸۴۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای نصرت اله خان وزیر یزدي

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۲ بند ۱۱ از تعرفه سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر اردکان در ذیل آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ اصلاحی ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها سرانه فضای خدمات عمومی و معابر مسکونی

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۲ بند ۱۱ از تعرفه سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر اردکان در ذیل آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ اصلاحی ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها سرانه فضای خدمات عمومی و معابر مسکونی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً بنده مالک یک قطعه زمین به مساحت ۴۱۳ مترمربع به شماره ثبتی ۵۰۲۱/۲ بخش ۲۰ یزد بودم که هنگام مراجعه به شهرداری اردکان مبلغ ۴۰/۴۶۰/۰۰۰ ریال طی فیش بانکی از بنده تحت عنوان ارزش افزوده تفکیک و با توجه به یک سری توجیحات از بنده دریافت نموده‌اند که ملک مذکور در سال ۱۳۷۵ تفکیک و سند صادر گردیده و طی سوالات از مراجع بالاتر و اشخاص مختلف متوجه شدم که مبلغ پرداخت شده خلاف قانون و مغایر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. لذا از شما وفق قوانین آمره درخواست صدور حکم مقتضی بر اساس خواسته فوق را دارم.»

در پی اخطار رفع نقضی که از طرف دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکي ارسال شده بود، وی به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۸-۲۸۴۳ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۳ ثبت دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده توضیح داده است که:

«موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۲ ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ اصلاحی ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها و شورای اسلامی شهر اردکان در خصوص عوارض ارزش افزوده ناشی از تفکیک اراضی و اعیان و تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ (تبصره فوق با ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مغایرت دارد و اینجانب با اعتراض نسبت به مقرر یاد شده اعمال ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را درخواست می‌نمایم. مطابق ماده ۱۰۱ قانون شهرداری و ماده ۱۵۴ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک کشور وظیفه تفکیک و افراز اراضی واقع در محدوده شهرها و حریم آنها با رعایت طرح‌های جامع تفصیلی یا هادی و سایر ضوابط مربوط به شهرسازی و نقشه مورد تایید و تصویب شهرداری محل به عهده ادارات ثبت اسناد و املاک کشور و مراجع ذیصلاح دادگستری محل وقوع ملک محول شده است و در صورت عدم اظهار نظر کتبی شهرداری نسبت به نقشه تفکیک و افراز در مهلت قانونی مراجع

اداری عوارض بعد از ابقاء اعیانها از حقوق دیوانی شمرده شده و در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شورای اسلامی بوده و برای جلوگیری از تخلف متخلفان ساختمانی لازم است عوارض متناسب وضع شود و حتماً نباید آن عوارض با عوارض تعیین شده برای شهروندان قانون مدار یکسان باشد. لذا وضع عوارض بیش از یک برابر (یک و نیم، دو و سه برابر) در جدول بند (الف) ماده ۱۴ عوارض ابقای ساختمان‌ها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات نیست و ابطال نشد. به موجب رأی شماره ۱۹۹ - ۱۳۹۰/۴/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال ماده ۱۸ تعرفه عوارض سال ۱۳۸۸ شورای اسلامی شهر تبریز در خصوص عوارض ابقای اعیانی‌ها، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع واضح تشخیص داده نشده است. رأی هیأت تخصصی به شماره دادنامه ۱۰۳۳۷-۹۷۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۳۳۷ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۹ که با استناد به بند (ب) رأی شماره ۷۹ - ۱۳۹۵/۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و طبق آراء شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ هیأت عمومی، عوارض از جمله حقوق دیوانی بوده و غیر از جرایم مربوط به کمیسیون‌های ماده صد قانون شهرداری‌ها می‌باشد.

۵ - اقدام شورای اسلامی شهر کرمان بر اساس آراء اخیرالذکر دیوان عدالت اداری که آراء فوق متاخر از آراء مد نظر شاکي می‌باشد بوده که طبق آراء مد نظر شورای اسلامی شهر کرمان عوارض بعد از ابقای اعیانی از حقوق دیوانی شمرده شده و در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۱/۳ و اصلاحات بعدی آن تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شوراهای اسلامی بوده و برای جلوگیری از تخلف متخلفان ساختمانی لازم است عوارض متناسب وضع شود و حتماً نباید آن عوارض با عوارض شهروندان قانونمدار یکسان باشد.

۶ - همان گونه که مستحضرد حسب مندرجات بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۱/۳ و اصلاحات بعدی آن «تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن در صلاحیت شورای اسلامی شهر است.»

۷ - ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۱/۳ و اصلاحات بعدی آن مقرر می‌دارد: «شورای اسلامی شهر می‌تواند نسبت به وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر طبق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران اقدام نماید.»

۸ - طبق ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی نحوه وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران، مرجع تعیین نحوه وضع و وصول عوارض درمورد شهرها، شوراهای اسلامی شهرها هستند. در مصوبه مورد اعتراض نیز به همین نحو عمل شده است.

۹ - طبق ماده ۱۴ آیین‌نامه اخیرالذکر یکی از سیاست‌های دولت که باید در مصوبات شوراها رعایت شود، نیل به سمت خودکفایی شهرداری و نهایتاً تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی عمرانی مورد نیاز شهر است. در مصوبه مورد اعتراض نیز به همین نحو عمل شده است.

۱۰ - بر مبنای تبصره ۱ ذیل ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، وضع عوارض محلی که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده بر عهده شورای اسلامی شهر و بخش است.

۱۱ - بر مبنای ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، کلیه قوانین و مقررات خاص و عام مغایر این قانون لغو شده است.

۱۲ - با توجه به مراتب معروضه فوق، ملاحظه می‌فرمایید وضع، لغو و تغییر نوع و میزان عوارض محلی که تکلیف آن در قانون مالیات بر ارزش افزوده تعیین نشده، در صلاحیت شورای اسلامی شهر است.

۱۳ - از سوی دیگر با عنایت به ماده ۸ آیین‌نامه نحوه وضع و وصول عوارض مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ هیأت وزیران، در صورتی که مودیان در مورد میزان و نحوه محاسبه و وصول و سایر موضوعات عوارضی که توسط شوراها وضع می‌گردد اعتراض و یا شکایتی دارند مرجع آن کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری می‌باشد. به استناد تبصره ذیل ماده ۸ آیین‌نامه اخیرالذکر دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به آراء کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها است. شاکي بدون طی مراحل مذکور به دیوان عدالت اداری مراجعه و درخواست ابطال مصوبه را نموده است. لذا با عنایت به مراتب فوق تعرفه شماره ۲-۱۶ از مصوبه ۴۳۳۳-۱۳۹۷/۱۱/۲۲ شورای اسلامی شهر کرمان کاملاً در راستای وظایف و اختیارات قانونی بوده و مراحل خود را به استناد قانون طی و در مهلت مقرر مورد اعتراض وزیر کشور و استانداری کرمان به جهت عدم مغایرت با سیاست های دولت قرار نگرفته است. لذا با عنایت به مراتب فوق از آنجا که اقدام شهرداری در راستای قانون و مقررات بوده و اعتراض خواهان فاقد وجهات قانونی و منطقی می‌باشد بدین وسیله تقاضای رد دادخواست تقدیمی مورد استدعاست.»

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت (الف) بند ۱-۱۳ ماده ۱ و قسمتی از بند ۱-۱۰ از ماده ۱۰ و ماده ۸ و بند ۲۴-۱-۲۴ ماده ۲۴ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال قسمت (الف) بند ۱-۱۳ ماده ۱ و بند ۱-۱۰ از ماده ۱۰ و ماده ۸ و بند ۲۴-۱-۲۴ و ۱-۵-۲۴ ماده ۲۴ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«از آنجا که شهرداری‌ها استحقاق دریافت عوارض مذکور را به دلیل ابطال آنها در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ندارند و نیز به خاطر اینکه وضع قاعده آمره در خصوص وصول عوارض علاوه بر جرایم تخلفات ساختمانی خلاف قانون بوده و الزام مالک به پرداخت عوارضی بیش از عوارض صدور پروانه (موضوع دادنامه ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ دیوان) با عناوین یاد شده مغایر احکام مقنن در باب تفویض اختیار وضع عوارض به شوراهای اسلامی شهرها است. ابطال (قسمت الف بند ۱-۱۳ ماده ۱ و بند ۱-۱۰ از ماده ۱۰، ماده ۸ و بند ۲۴-۱-۲۴ و ۱-۵-۲۴ از ماده ۲۴) تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شهرداری تبریز در اجرای ماده ۱۳ و ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری مورد استدعاست. نظر به اینکه در صورت عدم تأمین توقفگاه با کسری پارکینگ در اعیانی‌های احداثی توسط شهروندان جرایمی در تبصره ۵ ماده صد قانون شهرداری‌ها پیش‌بینی شده است و شهروندان صرفاً موظف به پرداخت جریمه تعیینی توسط کمیسیون ماده صد می‌باشند و اخذ عوارض مزاد بر جریمه در آراء متعدد از جمله ۱۸۹ - ۱۳۹۸/۲/۱۷ و ۲۱۵۵ - ۱۳۹۷/۱۰/۲۵ و... ابطال شده و با عنایت به اینکه شوراهای اسلامی جواز در تغییر طرح تفصیلی از جمله تغییر کاربری املاک ندارند. علی‌القاعده نسبت به آن نیز نمی‌توانند وضع قاعده نمایند.

بند (الف) ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب سال ۱۳۹۰ به عنوان یک سیاست کلی، کاهش نرخ عوارض صدور پروانه ساختمانی را در کاربری‌های مختلف مورد تاکید قرار داده و شوراهای اسلامی شهرها در هنگام صدور پروانه ساختمانی، عوارضی تحت عنوان عوارض فضای سبز شهری به آن افزوده‌اند و چون در قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه‌های بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش‌بینی نشده است، بنابراین در جایی که عوارض فضای سبز شهری در صدور پروانه ساختمانی ممنوع شده تصویب و اخذ آن در اعیانی‌های احداثی بدون پروانه قطعاً مغایر قانون یاد شده بوده و قابل نقض است کما اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه ۷۴۶ - ۱۳۹۶/۹/۹ و ۱۸۸ - ۱۳۹۸/۲/۱۷ اخذ آن را غیر قانونی دانسته و مصوبات شوراهای را در این زمینه ابطال کرده است. لذا موضوع ماده ۸ تعرفه عوارض محلی شورا و شهرداری تبریز مغایر دادنامه فوق‌الشاره بوده و قابل وصول نیست و قابل ابطال است. هر چند طبق آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ وضع عوارض برای بناهای احداثی ابقاء شده در کمیسیون ماده صد قانون شهرداری، معادل عوارض صدور پروانه ساخت علاوه بر جرایم ماده صد تجویز شده است، اما اخذ عوارض مزاد بر آن مثل یک و نیم برابر، دو برابر یا بیشتر، از جمله عوارض مضاعف محسوب و فاقد وجهت قانونی و برخلاف آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله آراء شماره ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ و ۱۵۶ - ۱۳۹۸/۲/۱۰ و ۵۹۳ - ۱۳۹۸/۴/۱۱ بوده و بر این اساس تصویب عوارض ارزش روز نوع استفاده (تغییر کاربری) در بند ۲۴-۱-۲۴ از ماده ۲۴ مفهوم مخالف بند مذکور از ماده یاد شده این است که اگر تغییر کاربری صورت گیرد عوارض پیش‌بینی شده در ماده ۲۴ اخذ خواهد شد.

نهایتاً با توجه به اینکه دیوان عدالت اداری در آرای مشابه، اخذ چنین وجوهی را در شهرهای کشور خلاف قانون قلمداد کرده، حفظ حقوق شهروندی و اصل برابری افراد در برابر قانون و اصل عدالت مالیاتی (بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی) و قاعده «همانگی و اصل وحدت رویه و ایجاد یکنواختی در نظام عوارض» مستنداً به «ماده ۱۴ آیین‌نامه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای شهرها مصوب سال ۱۳۷۸» اقتضاء می‌کند وقتی در قسمتی از این سرزمین اخذ برخی عوارض از شهروندان مغایر قانون شناخته شده و نمی‌توان آن را اخذ کرد، اخذ همان وجه از سایر شهروندان شهرهای کشور نیز جایز و قانونی نبوده و نیست، به همین دلیل از آنجا که تصویب عوارضی بیش از عوارض صدور پروانه در تعرفه عوارض محلی از جمله عوارض هزینه تأمین پارکینگ، فضای سبز و تغییر کاربری با ارزش روز نوع استفاده، برخلاف مواد ۵ و ۷ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و خارج از وظایف شورا مندرج در ماده ۷۱ قانون (ماده ۸۰ اصلاحی ۱۳۹۶/۴/۲۰) و آراء هیأت عمومی دیوان می‌باشد. تقاضای ابطال آنها به دلایل فوق مورد استدعاست.»

متن مقررهای مورد شکایت به شرح زیر است:

«۱-۱۳: موارد و آیتم‌های عوارض پروانه ساختمانی و عوارض زیر بناهای تثبیت شده

به شرح ذیل خواهد بود:

الف: عوارض پروانه ساختمانی شامل: زیربنا، پذیره، زیربنای اضافی، ۲۰ درصد ارزش تقویم روز غیرمسکونی غیر تجاری و غیر خدماتی و ۲۵ درصد ارزش تقویم روز تجاری و

مذکور نسبت به افراز و تفکیک ملک رأساً اقدام نمایند در ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ که وظایف شوراهای اسلامی شهرها احصاء شده است، چنین اجازه و اختیاری به شوراهای اسلامی شهرها اعطا نشده است تا به صلاحیت تجویز اخذ و دریافت قسمتی از املاک اشخاص در قبالتفکیک و افراز اراضی را داشته باشند. با توجه به مراتب کد ۱۲۰۴ از تعرفه عوارض سال ۱۳۸۴ مصوب شورای اسلامی شهر اردکان در قسمت تعیین سرانه خدماتی در خصوص تفکیک اراضی خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب تشخیص داده می‌شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.»

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«۱-۱ آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ اصلاحی ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها سرانه فضای خدمات عمومی و معابر مسکونی:

تبصره ۲- اسناد مالکیت صادره قبل از ۱۳۹۰/۳/۱۴ بر اساس ۱۰ درصد مساحت سند ارائه شده محاسبه می‌گردد.»

علی‌رغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضمائم آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ پاسخی واصل نشده است.

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هر چند قانونگذار طبق ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری و تبصره ۳ ماده مذکور مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۲۸ مقرر کرده است که در اراضی با مساحت بیشتر از ۵۰۰ مترمربع که دارای سند شش دانگ است شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف بیست و پنج درصد (۲۵٪) و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افراز این اراضی مطابق با طرح جامع و تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجاد شده از عمل تفکیک برای مالک، تا بیست و پنج درصد (۲۵٪) از باقی مانده اراضی را دریافت می‌نماید. شهرداری مجاز است با توافق مالک قدرالسهم مذکور را بر اساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید و همچنین در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک و اراضی واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها، مالکین اراضی خارج از محدوده خدماتی شهر برای استفاده از مزایای محدوده خدماتی شهر موظف شده‌اند تعهدات مربوط به عمران و آماده‌سازی زمین و گذاری سطوح لازم برای تأسیسات، تجهیزات و خدمات عمومی را انجام دهند، لکن برای تأمین سرانه‌ها در ماده ۱۰۱ قبل از اصلاح حق‌السهم یا عوارضی پیش‌بینی نکرده است. بنابراین تبصره ۲ بند ۱۱ از تعرفه سال ۱۳۹۸ شهرداری اردکان موضوع وضع عوارض برای تأمین هزینه سرانه خدمات عمومی ذیل عنوان آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ اصلاحی ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها سرانه فضای خدمات عمومی و معابر مسکونی بر خلاف قوانین مذکور است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۲۸۰۸

۱۳۹۹/۱۲/۱۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۲۸۰۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با موضوع: «ابطال بند ۱-۱۳ ماده ۱ مبنی بر هزینه تأمین پارکینگ برای سال ۱۳۹۸، ماده ۸ مبنی بر تأمین سرانه‌های فضای سبز شهری و اطلاق بند ۲۴-۱-۲۴ از ماده ۲۴ مصوب شورای اسلامی شهر تبریز و آن قسمت از بند ۱-۱۰ از ماده ۱۰ مبنی بر کسری فضای باز برای سال ۱۳۹۸ از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ شماره دادنامه: ۱۷۵۰ شماره پرونده: ۹۸۰۲۸۰۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای عبدالحسین مسافر خسروشاهی

شماره ۷۰۷-۱۳۹۹/۴/۲۸ بند ۲۴-۱۵۲۴ ماده ۲۴ تحت عنوان سهم استفاده از ارزش اقتصادی و مزایای کاربری‌های جدید بر اساس طرح‌های شهری مصوب شورای اسلامی شهر تبریز برای سال ۱۳۹۸ را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به قسمت (الف) بند ۱-۱۳ ماده ۱ و بند ۱۰-۸۱ از ماده ۱۰ و ماده ۸ و بند ۲۴-۱ ماده ۲۴ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

۱- با توجه به اینکه به موجب رأی شماره ۱۳۸۱ - ۱۳۹۹/۱۰/۲ هیأت عمومی، بند ۱۰-۸۱ ماده ۱۰ دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز در خصوص عوارض کسری حذف یا عدم تأمین پارکینگ از تاریخ تصویب ابطال شده است. موجبی برای رسیدگی دوباره به درخواست ابطال آن وجود ندارد.

۲- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۱-۱۳ ماده ۱ مبنی بر هزینه تأمین پارکینگ مصوب شورای اسلامی شهر تبریز برای سال ۱۳۹۸ به دلایل مندرج در رأی شماره ۹۷ الی ۱۰۰ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ و رأی شماره ۵۷۳ - ۱۳۹۶/۶/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۳- هرچند در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شوراهای اسلامی ذکر شده است، لکن طبق بند (الف) ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۰ به عنوان یک سیاست کلی، کاهش نرخ عوارض صدور پروانه ساختمانی را در کاربری‌های مختلف مورد تأکید قرار داده و از سوی دیگر در قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه‌های بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش‌بینی نشده است. بنابراین ماده ۸ مبنی بر بهای خدمات تأمین سرانه‌های فضای سبز شهری مصوب شورای اسلامی شهر تبریز برای سال ۱۳۹۸ مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۴- هر چند طبق آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عوارض ارزش افزوده ناشی از طرح‌های توسعه شهری و تغییر کاربری در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی تشخیص نشده است لکن طبق ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان توسط کمیسیون مندرج در آن انجام می‌شود و تعیین عوارض ارزش افزوده برای املاک یا اراضی قبل از طرح در کمیسیون ماده ۵ یا بدون اخذ مجوز از مراجع ذیربط قانونی مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است، بنابراین اطلاق بند ۲۴-۱ ماده ۲۴ مصوب شورای اسلامی شهر تبریز برای سال ۱۳۹۸ مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۵- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای کسری فضای باز در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۱-۱۳ ماده ۱ و آن قسمت از بند ۱۰-۸۱ ماده ۱۰ مبنی بر کسری فضای باز مصوب شورای اسلامی شهر تبریز برای سال ۱۳۹۸ به دلایل مندرج در رأی شماره ۱۵۲۹ - ۱۳۹۳/۹/۲۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

خدماتی، بالکن، اضافه پیش‌آمدگی پارکینگ، فضای سبز و قطار شهری و هزینه تأمین پارکینگ و کسری فضای باز. لازم به توضیح است هزینه تأمین پارکینگ و عوارض اضافه پیش‌آمدگی پارکینگ و کسری فضای باز در صورت تصویب در مراجع ذیربط قابل اخذ خواهد بود.

ماده ۸: بهای خدمات تأمین سرانه‌های فضای سبز شهری:

بهای خدمات تأمین سرانه‌های فضای سبز شهر معادل ۵ درصد عوارض پروانه ساختمانی (۵ درصد عوارض پروانه ساختمانی غیر مسکونی‌ها بر اساس عوارض پذیره مندرج در بند ۱-۲۰ و ۳-۱۰ ماده ۱۰ محاسبه خواهد شد) و ۲ درصد از عوارض پرونده‌های تخلف ساختمانی تعیین می‌شود و این عوارض به حساب ویژه سازمان پارک‌ها جهت توسعه فضای سبز واریز خواهد شد و سازمان‌های مذکور نیز می‌بایست مبلغ فوق را جهت توسعه و نگهداری فضای سبز به صورت بهینه و مناسب در سطح شهر هزینه نماید، بدیهی است تخطی از این موضوع تخلف محسوب می‌شود.

ماده ۱۰- عوارض زیربنای کاربری‌های مختلف:

۱-۱۰-۱: شهرداری مجاز به صدور پروانه ساختمانی بدون تأمین فضای باز و پارکینگ نیست ولی در صورت تصویب در مراجع ذیربط هزینه تأمین پارکینگ در کاربری مسکونی در بافت فرسوده و حاشیه‌نشینی $pd \times 25 \times 60$ و در کاربری مسکونی در سایر محل‌ها $pd \times 25 \times 90$ و در کاربری غیر مسکونی $pd \times 25 \times 120$ به ازای هر مترمربع و همچنین هزینه تأمین سرانه فضای باز شهری آن به ازای هر مترمربع فضای از بین رفته معادل $pd \times 300$ محاسبه و وصول خواهد شد. بدیهی است مبالغ هزینه تأمین پارکینگ و هزینه تأمین سرانه فضای باز در حساب‌های جداگانه‌ای واریز و نگهداری و برای احداث پارکینگ‌های عمومی و احداث پارک‌های محله‌ای بر سطح شهر هزینه خواهد شد.

ماده ۲۴- سهم استفاده از ارزش اقتصادی و مزایای کاربری‌های جدید بر اساس طرح‌های شهری:

۱-۲۴: آن دسته از املاکی که بدون مراجعه به شهرداری برای آن‌ها از طریق اداره ثبت اسناد و املاک سند صادر و تغییر کاربری در آن املاک صورت گرفته باشد مشمول عوارض این ماده خواهد بود.

در پاسخ به شکایت مذکور رئیس شورای اسلامی شهر تبریز به موجب لایحه شماره ۱۷/۴۰۵/ش/ت - ۱۳۹۸/۹/۶ توضیح داده است که:

«ولاً: مصوبات مورد شکایت شاکی که درخواست ابطال آنها را کرده است مطابق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران از طرف شورای اسلامی شهر تبریز به تصویب رسیده که به موجب آن تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود از جمله وظایف و مسئولیت‌های شورای اسلامی شهرها محسوب شده و در ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده وضع عوارض محلی جدید تجویز شده است.

ثانیاً: آرای متعددی از سوی هیأت عمومی و هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری در موارد مشابه مورد شکایت شاکی در پرونده حاضر صادر یافته و طی آن مصوبات شوراهای اسلامی شهرها در آن موارد مغایر قانون تشخیص نشده است از جمله آرای شماره ۳۵۰ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۷، ۳۱۱ و ۳۱۰ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۷، ۲۲۴ - ۱۳۹۶/۱۰/۹، ۲۳۱ - ۱۳۹۷/۱۲/۲۹، ۷۸۶ - ۱۳۹۰/۵/۱۰، ۱۹۹ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵، ۵۸۷ - ۱۳۹۸/۲/۲۴، ۲۸۴ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت عمومی که در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صادر یافته و طی آن آرای ۱۳۵۶ الی ۱۳۵۹ - ۱۳۹۷/۱۲/۱۷ نقض شده و در نهایت طی آرای مزبور مصوبات شوراهای اسلامی شهرها که ناظر بر تجویز عوارض احداث بنای همراه با تخلفات ساختمانی بعد از جریمه کمیسیون ماده صد قانون شهرداری می‌باشد منطبق با قانون تشخیص شده است.

ثالثاً: در مورد ماده ۲۴ از تعرفه عوارض محلی شهرداری تبریز مصوب این شورا برای اجرا در سال ۱۳۹۸ که قسمت‌هایی از آن مورد ایراد و شکایت شاکی از حیث تعیین عوارض تغییر کاربری قرار گرفته است، به عرض می‌رساند: مطابق بند ۲۴-۴ ماده‌های مذکور اگر مالک از پرداخت عوارض این ماده خودداری نموده و درخواست تبدیل کاربری جدید به کاربری قبلی را داشته باشد مراتب از سوی شهرداری به کمیسیون ماده ۵ برای اعاده به کاربری‌های قبلی ارجاع خواهد شد نتیجتاً مالک ملزم به پرداخت عوارض نخواهد شد. با توجه به مراتب معروضه تقاضای رد شکایت شاکی را دارد.»

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه

شماره ۹۸۰۴۲۹۴

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۴۲۹۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با موضوع: «ابطال بند ۳ ماده ۱۳ تصویب نامه شماره ۱۱۲۷۱۲۸۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ شورای عالی اداری» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ شماره دادنامه: ۱۷۵۷ شماره پرونده: ۹۸۰۴۲۹۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکتی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۳ ماده ۱۳ تصویب نامه شماره ۱۱۲۷۱۲۸۰

مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۸ شورای عالی اداری

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور

به موجب شکایت نامه شماره ۳۰۰/۳۰۷۹۵۸ - ۱۳۹۸/۱۲/۶ اعلام کرده است که:

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً تصویب نامه حقوق شهروندی در نظام اداری مصوب شورای عالی اداری (مصوب

۱۳۹۵/۱۲/۲۸) از جهت انطباق با قانون در این سازمان مورد بررسی قرار گرفته که نتیجه آن

به شرح ذی جهت استحضار و اقدام شایسته قانونی اعلام می شود. بند (۳) ماده (۱۳)

تصویب نامه حقوق شهروندی در نظام اداری مصوب شورای عالی اداری اشعار می دارد: «مطابق

فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «تقصیرات مقامات و مأموران

دولتی»، دستگاه های اجرایی مسئول جبران آن دسته از خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند

که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی احتیاطی، بی مبالائی یا عدم رعایت قوانین، مقررات

یا نظامات مربوط در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به دیگران وارد یا در نتیجه نقص یا

کمبود غیر متعارف امکانات و وسایل به اشخاص وارد می شود.» این در حالی است که؛ طبق

ماده (۱۱) قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹)، اولاً؛ دولت در خصوص خسارات ناشی از

اعمال حاکمیت، مسئولیت ندارد و ثانیاً؛ چنانچه مستخدم دولت مقصر باشد، خود مسئول

خسارت ناشی از تقصیر است. به عبارت دیگر، بند (۳) ماده (۱۳) تصویب نامه مذکور به طور

مطلق دستگاه های اجرایی را مسئول جبران آن دسته از خسارات مادی، معنوی و بدنی که

مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی احتیاطی، بی مبالائی یا عدم رعایت قوانین، مقررات یا

نظامات مربوط در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به دیگران وارد نموده، محسوب داشته و

مسئولیت ناشی از تقصیر مستخدم را بر عهده دستگاه گذاشته و تعهد برای دستگاه های دولتی

ایجاد کرده است، از سوی دیگر مطابق قانون، خسارات ناشی از اعمال حاکمیت متوجه دولت

نیست و تنها در صورتی دولت مسئول خسارات وارده است که این خسارت ناشی از نقص

وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در نتیجه بند (۳) ماده (۱۳) تصویب نامه مغایر با ماده

قانونی مذکور و خروج از حدود صلاحیت ها و دخالت در صلاحیت قوه مقننه می باشد. بنا به

مراتب بند (۳) ماده (۱۳) تصویب نامه مغایر با قانون اشاره شده و خارج از حدود اختیارات

شورای عالی اداری بوده و دخالت در صلاحیت قوه مقننه می باشد که ابطال آن در هیأت

عمومی دیوان عدالت اداری (به صورت فوق العاده و خارج از نوبت) مورد درخواست می باشد.

مزید امتنان است دستور فرمایید از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«ماده ۱۳: حق جبران خسارت وارده در اثر قصور یا تقصیر دستگاه های اجرایی و کارکنان آنها

۳- مطابق فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «تقصیرات

مقامات و مأمورین دولتی»، دستگاه های اجرایی مسئول جبران آن دسته از خسارات مادی،

معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی احتیاطی، بی مبالائی یا عدم

رعایت قوانین، مقررات یا نظامات مربوط، در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن به دیگران وارد

یا در نتیجه نقص یا کمبود غیر متعارف امکانات و وسایل، به اشخاص وارد می شود.»

در پاسخ به شکایت مذکور، معاون امور حقوقی دولت (حوزه معاونت حقوقی رئیس جمهور)

به موجب لایحه شماره ۴۳۰۴۰/۶۸۱۲۷ - ۱۳۹۹/۶/۱۹ توضیح داده است که:

«۱- سازمان بازرسی کل کشور طی درخواست ارائه شده مدعی مغایرت مفاد بند (۳)

ماده (۱۳) این مصوبه با حکم مقرر در ماده (۱۱) قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ شده

است. این در حالی است که مغایرت مورد ادعا اصولاً قابل تصور نیست؛ زیرا اولاً؛ ماده ۱۳ مصوبه در مقام بیان حقوق اشخاص نسبت به دستگاه های اجرایی کشور است و به عنوان قاعده کلی، «حق جبران خسارت وارده در اثر قصور یا تقصیر دستگاه های اجرایی و کارکنان آنها» را مورد اشاره قرار داده است. بنابراین بند یاد شده در مقام تعیین مسئول و نحوه تقسیم مسئولیت ناشی از ورود ضرر از سوی دستگاه های دولتی به اشخاص نیست تا مغایرت آن با ماده (۱۱) قانون مسئولیت مدنی متصور باشد. ثانیاً؛ مسئول شناختن دستگاه های اجرایی در قبال مردم، مانع از پیگیری و مطالبه خسارت توسط دستگاه اجرایی مربوط از مأمور مقصر و مسئولیت نهایی وی در جبران خسارت طبق اصول کلی ناظر بر مسئولیت مدنی نیست؛ به بیان دیگر بند (۳) ماده (۱۳) مصوبه یاد شده به هیچ وجه در بردارنده حکمی مبنی بر عدم مسئولیت مأمورین دولتی در قبال تقصیرات منجر به ضرر وارده از ناحیه ایشان نیست و در نتیجه مغایرتی با ماده (۱۱) قانون مسئولیت مدنی نیز ندارد. ۲- با توجه به مفاد بند مورد شکایت که چنین مقرر می نماید: «۳- مطابق فصل دهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی»، دستگاه های اجرایی مسئول جبران آن دسته از خسارات مادی، معنوی و بدنی هستند که مستخدمان و کارکنان آنها در نتیجه بی احتیاطی... وارد یا در نتیجه نقص... وارد می شود.» روشن است حکم یاد شده با ابتدائی بر فصل یاد شده از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ تنظیم شده است و مغایرتی متصور نیست. آنچه موضوع بند (۳) ماده (۱۳) مصوبه مورد شکایت را تشکیل می دهد، تقصیراتی است که مقامات و مأمورین دولتی در نتیجه بی احتیاطی و بی مبالائی و عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط آن هم در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن، به دیگران وارد یا در نتیجه نقص یا کمبود امکانات اداری دستگاه اجرایی به دیگران (اشخاص ثالث) وارد می آورند. بخش پایانی مستند مورد شکایت نیز با عبارت یاد شده در بالا حکایت از ارتباط و انتساب فعل خسارت بار به دستگاه اجرایی دارد و متن مزبور نیز خواسته، همان قاعده ای را بیان کند که در ماده (۱۱) قانون مسئولیت مدنی سال ۱۳۳۹ مقرر شده است. بنابراین مغایرتی با قانون مزبور ندارد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً؛ فصل دهم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ حکمی راجع به جبران خسارات ناشی از هرگونه اقدامات مستخدمان و مقامات دستگاه های اجرایی به اشخاص ندارد.

ثانیاً؛ تدوین و تصویب مقرر در مورد شکایت از جمله اختیارات و وظایف شورای عالی اداری مصرح در ماده ۱۱۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ محسوب نمی شود.

ثالثاً؛ به موجب ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ مقرر شده است:

«کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً

یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات

وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص

وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه

مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت

برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت

مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.»

رابعاً؛ هرچند به موجب بند ۲۳ سیاست های کلی نظام اداری ابلاغی از سوی مقام معظم

رهبری مدظله العالی بر جبران خسارت های وارده بر اشخاص حقیقی و حقوقی در اثر قصور یا

تقصیر در تصمیمات و اقدامات خلاف قانون و مقررات در نظام اداری تأکید شده است، لیکن

این سیاست به معنای نفی جبران خسارت های ناشی از فعل مأموران و کارکنان دستگاه

اجرایی به اشخاص حقیقی و حقوقی نیست، بنابراین حکم مقرر در بند ۳ ماده ۱۳ مقرر در مورد

شکایت که بدون تفکیک دلیل ورود خسارت عمدی یا غیر عمدی کارکنان دولت و یا بدون

تفکیک اعمال حاکمیتی و غیر آن، پرداخت خسارت وارده بر اشخاص حقیقی یا حقوقی را به

طور مطلق متوجه دستگاه اجرایی کرده است و اطلاق آن حاکی از جبران هرگونه خسارت

ناشی از سهل انگاری، بی مبالائی و بی احتیاطی کارمندان است و در غیر موارد نقص یا کمبود

غیر متعارف امکانات و وسایل دستگاه های اجرایی، جبران تقصیر و قصور کارمندان را بر عهده

دستگاه اجرایی قرار داده، اطلاق بند ۳ ماده ۱۳ تصویب نامه مورد اعتراض به جهت با مغایرت با

قانون و همچنین خروج از اختیارات مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و

آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۱۰۷۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۵۸ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با موضوع: «ابطال بند ۵ - ۴ از فراخوان پذیرش دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ شماره دادنامه: ۱۷۵۸ شماره پرونده: ۹۸۰۱۰۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای داود ثناجو

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- بند ۵ - ۴ از فراخوان پذیرش دوره تکمیلی

تخصصی علوم آزمایشگاهی (لزوم ارائه گواهی حداقل ۴ سال سابقه کار در رشته تخصصی برای ثبت نام در آزمون کتبی)

۲- دو شق آخر از بند ۲ اطلاعیه شماره ۳ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

در خصوص ضوابط برگزاری مصاحبه آزمون ورودی دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی

گردش کار: ۱- شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۵ - ۴ از فراخوان پذیرش

دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی و دو شق آخر از بند ۲ اطلاعیه شماره ۳ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص ضوابط برگزاری مصاحبه آزمون ورودی دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است:

«وزارت بهداشت و درمان در مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با انتشار اطلاعیه‌ای با عنوان «فراخوان

پذیرش دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی، به مفاد آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۴

قانون اصلاح امور پزشکی استناد و در بند ۵ - ۴ از اطلاعیه در بخش مدارک لازم جهت

ثبت نام، متقاضیان را به ارائه «اصل) گواهی حداقل چهار سال سابقه کار در رشته

تخصصی» ملزم کرده است. مفهوم مخالف این بند از اطلاعیه آن است که اگر

دانش آموخته دارای درجه پی. اچ. دی (دکترای تخصصی)، چهار سال سابقه کار در

رشته تخصصی نداشته باشد نمی‌تواند در آزمون نظری دوره تکمیلی تخصصی علوم

آزمایشگاهی شرکت نماید. این بند با متن تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح امور پزشکی

مغایرت دارد؛ زیرا مطابق با مفاد تبصره، هر فردی که صرفاً دارای پی. اچ. دی در یکی از

رشته‌های مورد اشاره قانونگذار در تبصره ۱ (بیوشیمی، پاتوبیولوژی، ایمونولوژی، خون

شناسی) باشد می‌تواند «رشته‌های کمبود را در کلاس‌هایی که در دانشگاه علوم پزشکی

تهران و سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی که امکان دارند بگذارند و پس از انجام

کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصصی مجاز به تصدی فنی آزمایشگاه

تشخیص طبی شود». بنابراین درج شرط دارا بودن چهار سال سابقه کار در رشته

تخصصی در اطلاعیه و یا آیین‌نامه به عنوان یکی از شرایط اساسی ورود به این دوره،

حوزه شمول تبصره ۲ ماده ۴ قانون را گسترش داده و از این حیث قابل ابطال است.

ثانیاً، وزارت بهداشت و درمان در مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۵ با انتشار اطلاعیه‌ای با عنوان

«... ضوابط برگزاری مصاحبه آزمون ورودی دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی»

بدون استناد به آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۴ قانون، در دو شق آخر از چهار شق مندرج

در ذیل بند ۲ اطلاعیه، ارائه گواهی «فعالیت به عنوان هیأت علمی دانشگاه‌ها» و همچنین

«فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، و اجرایی بر اساس آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی

دانشگاه‌ها» را دارای امتیاز و نمره ویژه برای قبولی در آزمون دوره تکمیلی تخصصی علوم

آزمایشگاهی محسوب کرده است. این دو بند بالاتفاق مصداق تبعیض ناروا و مغایر با بند نهم

از اصل سوم قانون اساسی هستند. همچنین، با روح حاکم بر تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح

امور پزشکی نیز مغایرت دارند. زیرا هدف از وضع این تبصره آن بوده که همه افرادی که

صرفاً درجه پی. اچ. دی در یکی از رشته‌های مذکور را دارند، در شرایطی برابر، امکان شرکت

در آزمون و ورود به یک دوره آموزشی تکمیلی را داشته باشند و پس از کسب آموزش‌ها و

مهارت‌های لازم در آن دوره، بتوانند جواز «تصدی فنی یک آزمایشگاه تشخیص طبی» را

کسب نمایند و اگر بنا می‌بود اعضای هیأت علمی دارای رجحان و برتری نسبت به سایر

دانش آموختگان پی. اچ. دی باشند خود قانونگذار به این مهم اشاره و تأکید می‌نمود.

درست است که ماده ۷ قانون تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۴،

صلاحیت «سیاستگذاری، تعیین خط مشی و برنامه‌ریزی آموزش پزشکی» را به این وزارتخانه واگذار کرده است اما این وزارتخانه نمی‌تواند با سوء استفاده از صلاحیت خود، امتیازاتی نامتعارف و مغایر با روح قانون برای اعضای هیأت علمی خود قائل شود و فقط می‌تواند در خصوص طول دوره آموزشی و مواد درسی لازم برای آن و مواردی از این قبیل به وضع مقررات بپردازد.

بنا به مراتب فوق، تقاضا دارم موارد مورد شکایت یعنی لزوم ارائه گواهی «حداقل چهار سال سابقه کار در رشته تخصصی» برای ثبت نام در مرحله نظری آزمون و همچنین قائل شدن امتیاز برای «اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها» در مرحله مصاحبه آزمون راه هم از اطلاعیه‌های فراخوان و هم از آیین‌نامه دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی، به علت مغایر بودن با قانون، ابطال فرمایید.»

۲- متن مقررهای مورد اعتراض به شرح زیر است:

«الف: بند ۵ - ۴ از فراخوان پذیرش دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی

«مدارک لازم جهت ثبت نام:

۵ - ۴- اصل گواهی حداقل ۴ سال سابقه کار در رشته تخصصی»

ب: دو شق آخر بند ۲ اطلاعیه شماره ۳ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

در خصوص ضوابط برگزاری مصاحبه آزمون ورودی دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی

«۲- در این مصاحبه موارد زیر در نظر گرفته می‌شود:

- سابقه فعالیت به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها

- فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی بر اساس آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی

دانشگاه‌ها (سوابق پژوهشی ۱۰ سال اخیر مورد محاسبه قرار خواهد گرفت).»

۳- در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست اداره کل حقوقی و تنظیم مقررات وزارت بهداشت،

درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۸۴ مورخ ۱۳۹۹/۲/۶ اعلام کرده است:

«۱- در ارتباط با شکایت مطروحه لازم به ذکر است اطلاعیه‌های مربوط به پذیرش

دوره تکمیلی تخصصی علوم آزمایشگاهی هر ساله برای آزمون و پذیرش همان سال تنظیم

و در سایت سنجش آموزش پزشکی منتشر می‌گردد. لذا شاکي مشخصاً اعلام ننموده متقاضی

ابطال بندهای مورد اشاره از اطلاعیه‌های شماره ۱ و ۳ کدام یک از سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و

۱۳۹۸ سنجش آموزش پزشکی کشور می‌باشد. ضمن اینکه آزمون هر سه دوره نیز برگزار و

اسامی افراد پذیرفته شده جهت شرکت در دوره‌ها اعلام و این افراد شروع به دوره نموده‌اند.

۲- صرف نظر از مراتب مذکور در ارتباط با شکایت مطروحه لازم به ذکر است در سال ۱۳۳۴

قانونی با عنوان «قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی»

به تصویب مجلس وقت شورای ملی رسیده و در سال ۱۳۶۷ با تصویب «قانون اصلاح

بعضی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی»

بعضاً مورد اصلاح مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است.

۳- به موجب ماده ۴ قانون اصلاح فوق‌الاشعار، تبصره یک و دو ماده ۶ سابق اصلاح

و تبصره‌هایی به ذیل آن افزوده گردید. وفق تبصره دوم از ماده ۴ مقرر گردیده است:

«افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی

بوده و مدرک آنها مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند و دارای

تخصص در یک رشته آزمایشگاهی یا افرادی که دارای پی. اچ. دی در یکی از رشته‌های

علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند

رشته‌های کمبود را در کلاس‌هایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران و سایر دانشگاه‌های

علوم پزشکی که امکان دارند می‌گذارند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن

در آزمون تخصصی مجاز به تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی خواهند بود. آیین‌نامه

کلاس‌ها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه آن را وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

معین می‌کنند.»

۴- پس از تصویب قانون مذکور در سال ۱۳۶۷ آیین‌نامه‌ای برای اجرای آن تهیه که

پس از دو دوره اجرا به دلیل تعارضات بین رشته‌های متوقف گردید. در سال ۱۳۹۳ رییس کمیسیون

انجمن‌های علمی وزارت بهداشت از سوی مقام عالی وزارت مسئول بررسی ابعاد مختلف

موضوع و جمع‌بندی نظرات گروه‌های تخصصی مختلف می‌گردد و پس از ارائه گزارش

از سوی ایشان کمیته‌ای از گروه‌های موافق و مخالف تشکیل تا آیین‌نامه جدید با در نظر گرفتن

نظارت این گروه‌ها تنظیم گردد که در نهایت آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون

اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و

آشامیدنی با موافقت و تأیید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وقت طی نامه شماره

۵۰/۱۳۶۳/۵۸۰ - ۱۳۹۶/۲/۳ ابلاغ می‌گردد. بر اساس تصمیمات مشترک دبیرخانه شورای

آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی و دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- تبصره‌های ۱، ۳ و ۴ از تعرفه عوارض تفکیک اعیانات ۲- عوارض خریداری و تأمین خدمات عمومی ۳- عوارض سرانه خدمات عمومی ۴- عوارض فضای سبز ۵- عوارض مربوط به آماده‌سازی (قسمت الف) بند ۱ هزینه آماده‌سازی) ۶- تبصره ۳ عوارض تغییر کاربری همگی مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین

گردش کار: ۱- شاکی به موجب دادخواستی ابطال عوارض تفکیک، عوارض خریداری و تأمین خدمات عمومی، هزینه سرانه خدمات عمومی، عوارض فضای سبز، عوارض آماده‌سازی و عوارض تغییر کاربری مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است:

«با سلام

احتراماً اینجانب علیرضا فارسی در خصوص مصوبه شورای شهر ورامین راجع به عوارض چند برابری تخلفات ساختمانی، عوارض کسری یا حذف پارکینگ، عوارض کسری حد نصاب تفکیک عرصه و اعیان، عوارض هزینه آماده‌سازی، عوارض کسری فضای سبز، عوارض تغییر کاربری، عوارض تأمین خدمات عمومی شهری، عوارض هزینه خدمات مطابق بخش پیوستی دفترچه عوارض شهرداری به علت خروج شورا از حدود و اختیارات خود و تصویب مقرر بر خلاف مفاد قانونی درخواست ابطال مصوبات مذکور را به شرح ذیل دارم. شورای اسلامی شهر ورامین طی مصوبه‌ای به تصویب مقررهای نموده که طی آن علاوه بر جرائم موضوع ماده صد قانون شهرداری، مبالغی تحت عنوان‌هایی مانند عوارض کسری پارکینگ، عوارض کسری و حد نصاب تفکیک عرصه و اعیان، عوارض کسری فضای سبز، عوارض تغییر کاربری، عوارض تأمین خدمات عمومی شهری و عوارض هزینه خدمات وضع چند برابری عوارض تخلفات ساختمانی مازاد بر جرائم کمیسیون ماده صد از شهروندان اخذ گردد. لذا در راستای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال مصوبات مربوط به عوارض فوق مورد استدعاست.»

۲- وکیل شاکی به موجب لایحه تکمیلی که به دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ارسال کرده اینگونه اعلام کرده است:

«۱- در خصوص عوارض کسری فضای سبز (سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷): با توجه به اینکه در ماده ۱۷۴ قانون پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به کاهش عوارض صدور پروانه اشاره شده است و با عنایت به اینکه در قوانین مربوط به گسترش فضای سبز در شهرها عوارض پیش‌بینی نشده است وضع عوارض فضای سبز در هنگام صدور پروانه موجب افزایش عوارض صدور پروانه می‌گردد و مصوبات شورای شهر ورامین در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مندرج در ۳۹ دفترچه عوارض، در خصوص فضای سبز مغایر مقررات و آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی شماره ۳۰ - ۱۳۹۷/۱/۲۱ می‌باشد.»

۲- در خصوص عوارض تفکیک سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷: مصوبه مذکور با آراء شماره ۳۱۰ - ۱۳۹۷/۲/۱۸ و ۶۳۱ - ۱۳۹۱/۹/۱۲ و ۶۹۷ و ۶۹۸ - ۱۳۹۵/۹/۱۶ - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایرت دارد و مصوبات مذکور در خصوص عوارض شهرهای دیگر بر اساس آراء هیأت عمومی دیوان عدالت ابطال گردیده است.

۳- در خصوص عوارض کسری پارکینگ: با توجه به اینکه قانونگذار در خصوص عدم رعایت تأمین پارکینگ یا کسری پارکینگ به شرح تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری (اصلاحی سال ۱۳۵۸) تعیین تکلیف کرده است و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعدد از جمله رأی شماره ۹۳۶ - ۱۳۹۷/۴/۱۲ و رأی شماره ۳۸۱ - ۱۳۹۰/۹/۷ مصوبه اخذ عوارض کسری پارکینگ را در خصوص برخی شهرها ابطال نموده است و لیکن شورای شهر ورامین برابر موارد مندرج در صفحه ۳۲ و ۳۳ دفترچه عوارض سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ برابر تبصره‌های ۱ و ۲ و ۳ اقدام به تصویب اخذ عوارض در این خصوص نموده است.

۴- در خصوص عوارض آماده‌سازی: برابر بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، ایجاد خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها و باغ‌های عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود مقررات موضوع از وظایف شهرداری‌هاست و در قوانین موضوعه فقط در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت اراضی و املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها در هنگام تقاضای ورود به محدوده و استفاده از امکانات شهری، هزینه آماده‌سازی به عهده مالکین گذاشته شده است. بنابراین اخذ وجه تحت عنوان هزینه آماده‌سازی معابر مغایر قانون و خارج از حدود و اختیارات بوده و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برابر با رأی وحدت رویه شماره ۳۱ - ۱۳۹۷/۱/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است. لکن شورای شهر ورامین برابر مندرجات صفحه ۴۱ و ۴۲ دفترچه عوارض سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ اقدام به اخذ هزینه آماده‌سازی می‌نماید.

۵- عوارض مازاد بر جرائم کمیسیون ماده ۱۰۰ (عوارض چند برابری تخلفات ساختمانی): کسری سرانه عمومی: هر چند برابر دادنامه شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ هیأت عمومی

تخصصی مقرر می‌گردد اقدامات اجرایی لازم جهت برگزاری آزمون بر عهده دبیرخانه علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی بوده و دبیرخانه مزبور هر ساله نسبت به تهیه و اعلام عمومی فراخوان اقدام نموده است.

۵- با توجه به تعداد بسیار زیاد داوطلبین اولیه در سراسر کشور، این وزارتخانه با در نظر گرفتن شرایط دانشگاه‌ها پذیرنده و بررسی اعتبارات، ظرفیت پذیرش را در آیین‌نامه ۱۵ نفر در سال اعلام نموده است.

۶- طبق روال مرسوم از ابتدای تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معیار پذیرش در تمامی مقاطع تحصیلی برگزاری آزمون ورودی ویژه هر دوره می‌باشد و برگزاری آزمون تنها روش عادلانه مرسوم و قابل اجرا با هدف پذیرش تعداد مشخصی از واجدین شرایط از بین تعداد بسیار زیاد داوطلبین اولیه در سراسر کشور می‌باشد. لذا با توجه به تعداد زیاد متقاضی و محدود بودن ظرفیت پذیرش سالانه، برگزاری آزمون جهت امکان ورود افراد با توجه به نمره مکتسبه اجتناب ناپذیر بوده است.

۷- لذا با توجه به رقابتی بودن آزمون ورودی و جهت انتخاب مناسب‌ترین افراد برای ورود به دوره شرط دارا بودن حداقل ۴ سال سابقه کار در رشته تخصصی (معادل حداقل سنوات مربوط به تعهدات خدمات آموزش رایگان) برای شرکت در آزمون در نظر گرفته شده است. ضمن اینکه سنجش متقاضیان در مرحله مصاحبه نیز مستلزم پیش‌بینی معیارهایی بوده است که یکی از این معیارها فعالیت به عنوان عضو هیأت علمی و فعالیت پژوهشی و اجرایی در کنار سایر معیارهای تنظیمی برای انتخاب واجدین شرایط پذیرش در نظر گرفته می‌شود. با توجه به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه تمام اقدامات صورت گرفته وفق ضوابط و مقررات قانونی بوده است، رد شکایت مطروحه مورد تقاضا می‌باشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه بند ۵ - ۴ ذیل مدارک لازم جهت ثبت‌نام از اطلاعیه شماره یک فراخوان پذیرش دایر بر لزوم ارائه اصل گواهی حداقل ۴ سال سابقه کار در رشته تخصصی و بند ۲ اطلاعیه شماره ۳ در خصوص ضوابط برگزاری مصاحبه مبنی بر سابقه فعالیت به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها، فعالیت آموزشی، پژوهشی و اجرایی بر اساس آیین‌نامه ارتقای اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و سوابق پژوهشی ۱۰ سال اخیر مورد محاسبه قرار خواهد گرفت، توسعه حکم قانونگذار به شرح تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانونی مربوط به مقررات پزشکی مصوب سال ۱۳۶۷ می‌باشد و در قانون مذکور برای متقاضیان شرکت در دوره‌های تکمیلی موضوع تبصره قانونی مذکور چنین شرایطی پیش‌بینی نشده است، بنابراین بندهای مذکور خارج از حدود اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۰۴۱۴

۱۳۹۹/۱۲/۱۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ مورخ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۶۱ با موضوع: «تبصره‌های ۱، ۳ و ۴ از تعرفه سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تحت عنوان تفکیک اعیانات، عوارض خریداری و تأمین خدمات عمومی برای سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، وضع عوارض تحت عنوان تأمین هزینه کسری سرانه خدمات عمومی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تعرفه عوارض عدم تأمین فضای سبز برای سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تعرفه هزینه آماده‌سازی به استثنای تبصره‌های ۱ و ۲ سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، تبصره ۳ تحت عنوان عوارض تغییر کاربری سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و تبصره ۳ عوارض بهبود حق بهره‌برداری سال ۱۳۹۷ از مصوبات شورای اسلامی شهر ورامین از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ شماره دادنامه: ۱۷۶۱ شماره پرونده: ۹۸۰۰۴۱۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای علیرضا فارسی با وکالت خانم نسرين عینی

دیوان عدالت اداری و دادنامه شماره ۴۸-۱۳۸۵/۲/۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، دریافت عوارض مزاد بر جرائم کمیسیون ماده ۱۰۰ مجاز تلقی شده اما برابر رأی شماره ۷۸۶-۱۳۹۶/۸/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، در خصوص عوارض بناهای احداثی ابقاء شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها فقط دریافت عوارض به میزان عوارض صدور پروانه ساخت علاوه بر جرائم کمیسیون ماده ۱۰۰ مجاز تشخیص داده شده لکن علاوه بر آن مثل ۱/۵ برابر و یا ۲ برابر و یا چند برابر، از جمله عوارض مضاعف محسوب شده و فاقد وجهت قانونی و بر خلاف آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری علی‌الخصوص رأی شماره ۷۸۶-۱۳۹۶/۸/۹ می‌باشد که شورای شهر ورامین در دفترچه عوارض سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مصوب نموده است.

۶- عوارض تغییر کاربری: شورای شهر ورامین در مصوبه عوارض سال ۱۳۹۶ در صفحه ۳۷ دفترچه پیوست، در تبصره ۳ مصوب نموده در صورتی که مالکین بدون پروانه و یا خلاف پروانه اقدام به احداث بنا و یا تبدیل در کاربری غیر نمایند علاوه بر جریمه و عوارض زیربنا و تراکم، مشمول عوارض تغییر کاربری نیز می‌باشند. این در حالی است که آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی شماره ۲۴۷-۱۳۹۱/۵/۲ و رأی شماره ۴۲۸-۱۳۸۶/۶/۲۵ مصوبات شورای برخی شهرهای کشور، در خصوص تعیین عوارض برای تغییر کاربری اراضی و املاک به لحاظ مغایرت با قانون و خروج از اختیارات آنها ابطال گردیده است.»

۳- متن تعرفه‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

الف: عوارض تفکیک سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین

۱- برای تفکیک اعیانی واحدها با کاربریهای مختلف به شرح ذیل عمل گردد:

$$S \times P \times K$$

S = مساحت اعیانی هر متر مربع مسکونی با مترآژ بنا مفید هر واحد

P = قیمت منطقه‌بندی

K = ضریب املاک

در فرمول فوق ضریب K برای واحدهای مسکونی حداکثر ۴ برابر و تجاری ۸ برابر و سایر کاربری‌ها ۶ برابر می‌باشد مشروط به اینکه حداقل مبلغ هر واحد تجاری ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و سایر کاربری‌های غیر مسکونی ۸/۰۰۰/۰۰۰ کمتر نباشد.

تبصره ۱: برای تفکیک اعیان یک واحد مسکونی حداکثر مبلغ آن ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین می‌گردد.

تبصره ۳: در واحدهای مسکونی با حداقل ۵ واحد مبلغ حق تفکیک اعیان نباید کمتر از مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰ ریال باشد.

تبصره ۴: مالکینی که بعد از صدور پروانه اقدام به تغییر نقشه و یا تخلف ساختمانی می‌نمایند مابه‌التفاوت حق تفکیک اعیان را پرداخت نمایند.

ب: عوارض خریداری و تأمین خدمات عمومی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین

برای محاسبه عوارض خرید خدمات عمومی در صورتیکه هنگام صدور پروانه احداث بنا، امکان تأمین پارکینگ مطابق دستورالعمل‌های شماره ۲۲۳۱/۳/۳۴ - ۱۳۷۱/۲/۷ و ۱۰۷۴۰/۳/۲۴ - ۱۳۷۱/۶/۴ برای مالکین فراهم نباشد، شهرداری می‌بایست نسبت به وصول عوارض فروش پارکینگ به شرح ذیل عمل نماید.

در فرمول مذکور: $(k \times p \times 25) =$ (مترآژ یک واحد پارکینگ)

K = ضریب مربوط به نیازهای کاربری مختلف می‌باشد.

P = همان قیمت منطقه‌بندی زمین می‌باشد.

ضریب K برای کاربری‌هایی که امکان تأمین پارکینگ نباشد (خریداری) برابر تبصره ۱ و برای کسری‌های پارکینگ مطرح شده در کمیسیون ماده ۱۰۰ برابر تبصره ۲ و برای حذف پارکینگ (تبدیل) که در کمیسیون ماده ۱۰۰ مطرح گردیده برابر تبصره ۳ به شرح ذیل تعیین و برابر فرمول فوق محاسبه و اخذ گردد.

تبصره ۱:

۱- برای املاک مسکونی و سایر کاربری‌ها در حد تراکم که امکان تأمین پارکینگ نباشد

$$K = 10 \text{ و حداقل مبلغ } 10/000/000 \text{ ریال و حداکثر } 100/000/000 \text{ ریال}$$

۲- برای املاک مسکونی و سایر کاربری‌ها مزاد بر تراکم که امکان تأمین پارکینگ نباشد

$$K = 20 \text{ و حداقل مبلغ } 20/000/000 \text{ ریال و حداکثر } 200/000/000 \text{ ریال}$$

۳- برای املاک تجاری، صنعتی و اداری در حد تراکم که امکان تأمین پارکینگ نباشد

$$K = 30 \text{ و حداقل مبلغ } 30/000/000 \text{ ریال و حداکثر } 300/000/000 \text{ ریال}$$

۴- برای املاک تجاری صنعتی و اداری مزاد تراکم که امکان تأمین پارکینگ نباشد

$$K = 40 \text{ و حداقل مبلغ } 40/000/000 \text{ ریال و حداکثر } 500/000/000 \text{ ریال}$$

تبصره ۲:

املاکی که به جهت کسری پارکینگ در کمیسیون ماده ۱۰۰ مشمول جریمه گردد عوارض تأمین پارکینگ با اعمال ضریب K به شرح ذیل در فرمول فوق‌الاشاره به محاسبه و علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ اخذ خواهد گردید.

۱- با توجه به کسری جهت تأمین خدمات عمومی برای املاک مسکونی و سایر

کاربری‌ها در حد تراکم $K=30$ و حداقل مبلغ $30/000/000$ ریال و حداکثر $200/000/000$ ریال

۲- با توجه به کسری جهت تأمین خدمات عمومی برای املاک مسکونی و سایر

کاربری‌ها مزاد بر تراکم $K=50$ و حداقل مبلغ $40/000/000$ ریال و حداکثر $500/000/000$ ریال

۳- با توجه به کسری جهت تأمین خدمات عمومی برای املاک تجاری، صنعتی و اداری

در حد تراکم $K=60$ و حداقل مبلغ $60/000/000$ ریال و حداکثر $600/000/000$ ریال

۴- با توجه به کسری جهت تأمین خدمات عمومی برای املاک تجاری، صنعتی و اداری

مازاد بر تراکم $K=100$ و حداقل مبلغ $80/000/000$ ریال و حداکثر $800/000/000$ ریال

تبصره ۳:

در مواردی که پارکینگ حذف شده (تبدیل) در کمیسیون ماده ۱۰۰ مشمول جریمه گردد عوارض حذف پارکینگ با اعمال ضریب K به شرح ذیل در فرمول فوق‌الاشاره محاسبه و علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ اخذ خواهد گردید.

۱- با توجه به حذف جهت تأمین خدمات عمومی برای املاک مسکونی و سایر کاربری‌ها

در حد تراکم $K=40$ و حداقل مبلغ $60/000/000$ ریال و حداکثر $700/000/000$ ریال

۲- با توجه به حذف جهت تأمین خدمات عمومی برای املاک مسکونی و سایر کاربری‌ها

مازاد بر تراکم $K=60$ و حداقل مبلغ $80/000/000$ ریال و حداکثر $800/000/000$ ریال

۳- با توجه به حذف جهت تأمین خدمات عمومی برای املاک تجاری، صنعتی و اداری

در حد تراکم $K=80$ و حداقل مبلغ $120/000/000$ ریال و حداکثر $900/000/000$ ریال

۴- با توجه به حذف جهت تأمین خدمات عمومی برای املاک تجاری، صنعتی و اداری

مازاد بر تراکم $K=120$ و حداقل مبلغ $160/000/000$ ریال و حداکثر $1000/000/000$ ریال

ج: عوارض سرانه خدمات عمومی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین

تبصره ۱: در صورتیکه مالکین بدون پروانه و یا خلاف پروانه اقدام به احداث بنا مازاد

بر تراکم در سطح یا ارتفاع

نمایند علاوه بر جریمه و عوارض زیربنا به منظور تأمین سرانه‌های عمومی، عوارض

مازاد بر تراکم ردیف‌های ۱ الی ۵ یک و نیم برابر محاسبه و اخذ می‌گردد.

$$K = P \times S \times M \times 1/5$$

د: عوارض فضای سبز سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین

۱- عوارض عدم تأمین فضای سبز

$$M + N + 2P \times S \text{ محاسبه } 10\% \text{ عرصه‌های مسکونی}$$

$$M + N + 4P \times S \text{ محاسبه } 25\% \text{ کارخانجات}$$

M: هزینه اجرای فضای سبز یک مترمربع برای کلیه شهرهای استان تهران ۱۰۰/۰۰۰

می‌باشد.

N: هزینه نگهداری فضای سبز یک مترمربع برای کلیه شهرهای استان تهران ۱۰۰/۰۰۰

می‌باشد.

S: مساحت فضای سبز مورد نیاز

P: ارزش منطقه‌ای هر شهر بر اساس کتابچه ارزش معاملاتی املاک شهرستان

تبصره: تعیین مترآژ کسری فضای سبز عرصه‌های فوق در کلیه مناطق و کاربری‌ها

به عهده حوزه معاونت فنی و شهرسازی می‌باشد.

ه: قسمت (الف) بند ۱ هزینه آماده‌سازی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی

شهر ورامین

۱- هزینه آماده‌سازی زمینهای متقاضیان صدور پروانه در صورتیکه برابر ضوابط تفکیک

شده باشند مبلغ آماده‌سازی بر اساس فهرست بهای تنظیمی از سوی سازمان برنامه و بودجه

سال صدور پروانه خواهد بود که اول هر سال توسط معاونت فنی مشخص و برای وصول

به واحد امور مالی یا درآمد یا اداره حسابداری ارسال خواهد شد. (برابر بخشنامه...)

الف) عملیات زیربنایی از قبیل تعیین بر و کف، تسطیح (زیرسازی و جدولگذاری) و

آسفالت معابر، تأمین شبکه‌های تأسیساتی آب و برق، جمع‌آوری و دفع آبهای سطحی و

فاضلاب و غیر

و: عوارض تغییر کاربری سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین

تبصره ۳: در صورتیکه مالکین بدون پروانه و یا خلاف پروانه اقدام به احداث بنا یا تبدیل

در کاربری غیر نمایند، علاوه بر جریمه و عوارض زیربنا و تراکم، مشمول عوارض تغییر کاربری

نیز می‌باشند.»

و خارج از حدود اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۵ - طبق بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری، ایجاد خیابانها، کوچهها، میدانها، باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود مقررات موضوع از وظایف شهرداریها است و در قوانین موضوعه فقط در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت اراضی و املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها در هنگام تقاضای ورود به محدوده و استفاده از امکانات شهری، هزینه آماده‌سازی به عهده مالکین گذاشته شده است، بنابراین تعرفه تحت عنوان هزینه آماده‌سازی به استثناء تبصره‌های ۱ و ۲ سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مصوب شورای اسلامی شهر ورامین مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۶ - هرچند طبق آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری عوارض ارزش افزوده ناشی از طرحهای توسعه شهری و تغییر کاربری در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی تشخیص نگردیده است لکن طبق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان توسط کمیسیون مندرج در آن انجام می‌شود و تعیین عوارض ارزش افزوده برای املاک یا اراضی قبل از طرح در کمیسیون ماده ۵ یا بدون اخذ مجوز از مراجع ذیربط قانونی مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات بوده بنابراین تبصره ۳ تحت عنوان عوارض تغییر کاربری سال ۱۳۹۶ و تبصره ۳ عوارض بهبود حق بهره‌برداری سال ۱۳۹۷ از مصوبه شورای اسلامی شهر ورامین مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود. رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۰۵۵۶

۱۳۹۹/۱۲/۱۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ مورخ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۶۲ با موضوع: «ابطال بخشنامه شماره ۴۰۱۰/۹۴/۸۸۴۲ - ۴۰۱۰/۹۴/۸۸۴۲ - ۱۳۹۴/۱۰/۱۶ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ شماره دادنامه: ۱۷۶۲ شماره پرونده: ۹۸۰۰۵۵۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای حسن امینی مصطفی آبادی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۴۰۱۰/۹۴/۸۸۴۲ - ۴۰۱۰/۹۴/۸۸۴۲ - ۱۳۹۴/۱۰/۱۶ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی

گردش کار: ۱- شاکي به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۴۰۱۰/۹۴/۸۸۴۲ - ۴۰۱۰/۹۴/۸۸۴۲ صادره از حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

«سازمان طرف شکایت طبق بخشنامه موضوع شکایت برخلاف ماده ۷۰ قانون تأمین اجتماعی، تنها نظر پزشکان معتمد را درخصوص معرفی بیمار به کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون مذکور ملاک قرار می‌دهد و پزشک معتمد صلاحیت قانونی اظهار نظر در این خصوص بدون معاینه بیمار را ندارد. لذا تقاضای ابطال بخشنامه مورد اعتراض را دارم.»

۲- متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«موضوع: پزشک معتمد ماده ۷۰ قانون تأمین اجتماعی

مدیریت درمان تأمین اجتماعی استانهای اصفهان، همدان، کهگیلویه و بویر احمد

۶ - بعد از اثبات غیر قابل علاج بودن بیماری و خاتمه معالجات و قبل از معرفی به کمیسیون پزشکی ضروری است وضعیت بیماری و شرایط مندرج در ماده ۷۰ قانون مورد بررسی قرار گیرد. پزشکان معتمد مجاز هستند طبق معیارهای علمی و قانونی این موضوع را مورد بررسی قرار داده و چنانچه بنابر دلائل و مستندات علمی و قانونی شرایط مقرر در ماده ۷۰ قانون محرز گردد نسبت به اعلام نظر در خصوص معرفی بیمه شده به کمیسیون پزشکی اقدام نمایند.

۴- موضوع از جمله موارد مشمول ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ شناخته نشد و در راستای اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و این هیأت به موجب دادنامه شماره ۷۵۵ - ۱۳۹۹/۵/۶ تبصره‌های ۱ و ۲ بند (ب) از عوارض هزینه آماده‌سازی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعی یافت.

«رسیدگی به تبصره‌های ۱، ۳ و ۴ از تعرفه عوارض تفکیک اعیانات، عوارض خریداری و تأمین خدمات عمومی، عوارض سرانه خدمات عمومی، عوارض فضای سبز، قسمت (الف) بند ۱ هزینه آماده‌سازی و تبصره ۳ عوارض تغییر کاربری همگی مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر ورامین در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

۱- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای تفکیک در تمام اشکال آن در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی تشخیص و ابطال شده‌اند، بنابراین تبصره‌های ۱، ۳ و ۴ از تعرفه سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تحت عنوان تفکیک اعیانات به دلائل مندرج در رأی شماره ۳۱۵ - ۱۳۹۶/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۲- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین عوارض خریداری و تأمین خدمات عمومی برای سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مصوب شورای اسلامی شهر ورامین به دلائل مندرج در رأی شماره ۹۷ الی ۱۰۰ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ و رأی شماره ۵۷۳ - ۱۳۹۶/۶/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۳- هرچند قانونگذار طبق ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری و تبصره ۳ ماده مذکور مصوب ۱۳۹۰/۱/۲۸ مقرر کرده است که در اراضی با مساحت بیشتر از ۵۰۰ مترمربع که دارای سند ششدانگ است شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف بیست و پنج درصد (۲۵٪) و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افراز این اراضی مطابق با طرح جامع و تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجاد شده از عمل تفکیک برای مالک، تا بیست و پنج درصد (۲۵٪) از باقیمانده اراضی را دریافت می‌نماید. شهرداری مجاز است با توافق مالک قدرالسهم مذکور را بر اساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید و همچنین در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک و اراضی واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها، مالکین اراضی خارج از محدوده خدماتی شهر برای استفاده از مزایای محدوده خدماتی شهر موظف شده‌اند تعهدات مربوط به عمران و آماده‌سازی زمین واگذاری سطوح لازم برای تأسیسات، تجهیزات و خدمات عمومی را انجام دهند، لکن برای تأمین سرانه‌ها عوارضی پیش‌بینی نکرده است. بنابراین وضع عوارض تحت عنوان تأمین هزینه کسری سرانه خدمات عمومی در دفترچه تعرفه عوارض سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ برخلاف قوانین مذکور است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۴- هرچند در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شوراهای اسلامی ذکر شده است، لکن طبق بند (الف) ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب سال ۱۳۹۰ به عنوان یک سیاست کلی، کاهش نرخ عوارض صدور پروانه ساختمانی را در کاربریهای مختلف مورد تأکید قرار داده و از سوی دیگر در قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه‌های بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش‌بینی نشده است، بنابراین تعرفه عوارض عدم تأمین فضای سبز برای سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ مصوبه شورای اسلامی شهر ورامین مغایر قانون

۷- چنانچه بر اساس مدارک درمانی، شواهد علمی و برگ معاینه اولیه، بیماری فرد بدون هیچگونه تغییر و تشدیددی مربوط به قبل از بیمه پردازی باشد اظهار نظر پزشک معتمد مبنی بر عدم احراز شرایط ماده ۷۰ قانون به واحد اجرائی اعلام گردد (به استثنای اعضای قرینه چشم، گوش، کلیه موضوع بند ۳۵ بخشنامه ۱۹ فنی).

۸ - چنانچه بیمه شده قبلاً بر اساس نظریه کمیسیون پزشکی از کار افتاده کلی نگردیده باشد صرفاً در صورت ارائه و وجود مدارک دال بر شدت بیماری، به پزشک معتمد معرفی خواهد گردید.

۹- مشمولین این بخشنامه صرفاً بیمه شدگان اصلی و متقاضیان تبعی ذکوری که در خارج از سن قانونی ادعای کفالت خانواده را دارند، می‌باشند.

تبصره: متقاضیان بهره‌مندی از تسهیلات پیش‌بینی شده در بخشنامه شماره ۱۹/۱ فنی نیازی به اخذ مجوز از پزشکان معتمد موضوع این بخشنامه جهت معرفی به کمیسیون پزشکی ندارند.

بخش دوم: اهداف بکارگیری و اهم وظایف پزشکان موضوع ماده ۷۰ قانون

۱۰- کنترل شرایط مقرر در ماده ۷۰ قانون.

۱۱- ارزیابی مدارک درمانی از حیث کفایت، صحت، معتبر بودن و مخدوش نبودن.

۱۲- کنترل سوابق بیماری، اوراق بستری، شرح حال بیماری به منظور اطمینان از عدم کتمان سوابق بیماری و...

۱۳- بررسی کنترلی و تطبیقی بیماری مورد درخواست متقاضی جهت از کار افتادگی با بیماری مربوط به قبل از بیمه شدن با هدف بررسی مستندات مربوط به تشدید بیماری.

۱۴- بررسی مدارک درمانی مربوط به بیماری فرد از این جهت که غیر قابل علاج بودن آن در دوره بیمه‌پردازی محقق شده باشد.

۱۵- اطمینان از خاتمه کلیه درمانهای مؤثر بر بهبودی متقاضی.

۱۶- معاینه متقاضیان در موارد لزوم جهت راستی آزمائی مدارک و اینکه تجویزهای درمانی پزشک معالج به صورت کامل و صحیح از طرف متقاضی انجام شده باشد.

۱۷- اطمینان از وجود پزشک معالج حائز شرایط مندرج در این بخشنامه.

۱۸- بررسی و کنترل انجام خدمات توانبخشی بعد از تثبیت بیماری برای بازتوانی متقاضی، اطمینان از کفایت دوره درمانی برابر ضوابط مربوطه به طور مثال در بیماری‌های مربوط به اعصاب و روان - بر اساس توضیحات مندرج در جدول تعیین میزان نقص عضو و از کار افتادگی - باید اثبات شود که بیمار حداقل به مدت یک سال به طور مداوم تحت درمان مناسب قرار گرفته است.

بخش سوم: نکات مهم و قابل توجه در فرآیند بررسی پرونده توسط پزشکان معتمد ماده ۷۰

۱۹- در صورت وجود ابهام، هماهنگی با پزشک معالج و اخذ اطلاعات در مواقع ضروری بلامانع است.

۲۰- در صورت عدم کفایت مدارک درمانی نیاز به تجویز و تعیین مدارک درمانی توسط پزشک معتمد نبوده و پیگیری اقدامات درمانی تحت نظر پزشک معالج توصیه می‌گردد.

۲۱- در صورتیکه درمانهای کنترلی باعث توانبخشی و بازتوانی بیمار شود نظریه پزشک معتمد مبنی بر عدم احراز شرایط ماده ۷۰ قانون در خصوص بیماری یا عارضه مطروحه به شعبه تأمین اجتماعی مربوطه منعکس گردد.

۲۲- در خصوص متقاضیان مبتلاء به بیماری قابل درمان و علاج پذیر و یا بیماری که اقدامات درمانی وی خاتمه نیافته است یا پزشک معالج متقاضی فاقد تخصص مرتبط با بیماری است یا مدارک درمانی و مستندات کافی ارائه نگردیده باشد نظریه پزشک معتمد مبنی بر عدم احراز شرایط ماده ۷۰ قانون به شعبه مربوطه منعکس می‌گردد.

۲۳- ابلاغ واجد یا فاقد شرایط بودن متقاضی جهت معرفی به کمیسیون پزشکی به عهده شعب سازمان می‌باشد و ضروری است پزشکان معتمد از ابلاغ نتیجه بررسی به متقاضی امتناع ورزند.

بخش چهارم: فرآیند اجرائی بررسی تقاضای از کار افتادگی متقاضیان و معرفی به کمیسیونهای پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون و نحوه فعالیت پزشکان معتمد در این فرآیند.

۲۴- شعب سازمان مکلفند پس از بررسی و کنترل شرایط مقرر در بخشنامه ۱۹ فنی و اطمینان از احراز شرایط اولیه و قبل از ارائه فرم‌های از کار افتادگی (فرم ۶ بخشنامه ۱۹ فنی) مدارک و مستندات ذیل را به انضمام فرم ۷۰/۱ پیوست در اختیار پزشک معتمد قرار دهند:

۲۴-۱- گواهی/گواهی‌های پزشک معالج

۲۴-۲- فرم/فرم‌های استعلام از پزشک معالج (فرم ۴ بخشنامه ۱۹ فنی)

۲۴-۳- فرم/فرم‌های درخواست متقاضی

۲۴-۴- تصویر مدارک درمانی به تفکیک هر بیماری (مدارک موضوع فرم ۵ بخشنامه ۱۹ فنی)

۲۴-۵ - تصویر سوابق شرکت در کمیسیون پزشکی

۲۴-۶ - تصویر برگ معاینه اولیه/صورتحلسه معاینات بیمه‌های خاص

۲۴-۷- تصویر فرم ۵ و ۶ ساماندهی پرونده‌های فنی

تذکر: به ازای هر بیماری لازم است یک برگ فرم ۷۰/۱ در اختیار پزشک معتمد قرار گیرد.

۲۵- در راستای حسن اجرای بخشنامه ۱۹ فنی شعب سازمان حسب ضرورت می‌توانند

در خصوص بندهای ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۲۸، ۳۱، ۳۷، ۳۹، ۴۶، ۴۴، ۴۴، ۴۱ و ۴۹ نسبت به اخذ نظریه مشورتی از پزشکان معتمد در قالب فرم (۷۰/۲) به انضمام مدارک درمانی و مستندات مورد نیاز اقدام نمایند.

۲۶- چنانچه حسب درخواست پزشک معتمد ضرورت معاینه بالینی وجود داشته باشد

ضروری است شعب مربوطه هماهنگی لازم را جهت دعوت از متقاضی و معرفی به پزشک معتمد به عمل آورند.

۲۷- در صورتی که نظریه پزشک معتمد مبنی بر ارجاع متقاضی به کمیسیون پزشکی

باشد لازم است ضمن ارسال کلیه مدارک مربوطه مورد اشاره در بخشنامه ۱۹ فنی حسب مورد فرم‌های (۷۰/۱) و (۷۰/۲) پیوست نیز به کمیسیون پزشکی ارسال گردد.

تذکر ۱: شعب سازمان صرفاً مجاز به ارائه فرم‌های از کار افتادگی (نمونه ۶) در خصوص

بیماری‌هایی هستند که توسط پزشک معتمد جهت ارسال به کمیسیون پزشکی مورد تأیید قرار گرفته است.

۲۸- چنانچه نظریه پزشک معتمد مبنی بر عدم احراز شرایط ماده ۷۰ قانون باشد

لازم است مراتب طی فرم (۷۰/۳) پیوست توسط شعبه مربوطه به بیمه شده اعلام گردد. - معاون فنی و درآمد و معاون درمان»

۳- در پاسخ به شکایت مذکور، مدیر کل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین

اجتماعی به موجب لایحه شماره ۷۱۰۰/۹۸/۲۵۳۳۴ - ۱۳۹۸/۵/۶ به طور خلاصه توضیح داده است که:

«الف - ایرادات شکلی

۱- دادخواست مطروحه بدون رعایت ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی

دیوان عدالت اداری طرح شده که شاکي را ملزم ساخته مشخص نماید بخشنامه‌ای که ابطال آن را خواسته مغایر با کدام یک از قوانین است. مضاف بر اینکه حتی تصویر از بخشنامه را ضمیمه ننموده است.

۲- مفاد دادخواست شاکي به وضوح نشان می‌دهد که شکایت وی موردی و به علت

عدم معرفی وی به کمیسیون پزشکی صورت گرفته است. از این رو رسیدگی به آن در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری و نه هیأت عمومی است. البته لازم است اشاره شود که مشارالیه شکایتی نیز تحت عنوان الزام این سازمان به معرفی وی به کمیسیون پزشکی نیز ارائه نموده است که شعبه ۵۵ بدوی دیوان عدالت اداری به آن رسیدگی نموده است.

۳- عدم معرفی بیمه شده شاکي به کمیسیون پزشکی ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی،

نباید به تنهایی موجبات ابطال بخشنامه‌ای که شیوه اجرای ماده ۷۰ قانون تأمین اجتماعی را تبیین نموده را فراهم سازد.

ب - دلایل قانونی بودن بخشنامه

۱- بخشنامه موصوف بر مبنای مفاد ماده ۷۰ قانون تأمین اجتماعی صادر شده که

به صراحت معرفی بیمه شده به کمیسیون پزشکی را مستلزم این دانسته که نخست بیمه شده توسط پزشک معالج دیده شود، پس از آن، مراحل درمان و توان بخشی وی نیز سپری شده و طبق نظر پزشک معالج کاهش توانایی کار وی تشخیص شود و بعد از طی این مراحل به کمیسیون پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون معرفی شوند که در این صورت کمیسیون‌های مزبور در چارچوب مقررات و ضوابط و بر طبق مراجع علمی پزشکی مربوطه به موضوع از کارافتادگی بیمه شده رسیدگی و میزان از کارافتادگی را تعیین می‌نمایند.

۲- سوابق امر نشان می‌دهد که در بسیاری از بیماری‌ها به سبب نیاز به طی دوره درمان،

باعث ناتوانی موقت بیمار می‌شود که به همین دلیل نیز قانون‌گذار در ماده ۶۲ قانون تأمین اجتماعی از طریق پرداخت غرامت دستمزد ایام بیماری به بیمه شدگان در چارچوب قوانین جاری سازمان، آنان را تحت پوشش چتر حمایتی قانون قرار داده است، از این رو نباید به فوریت حکم به از کارافتادگی کلی آنها صادر شود و طی موارد فوق‌الذکر و بررسی مدارک توسط پزشک معتمد بر همین اساس است.

۳- مضاف بر آن، با عنایت به اینکه معرفی بیمه شده به کمیسیون پزشکی مستلزم

طی مراحل مذکور در ماده ۷۰ قانون می‌باشد، لذا به موجب بخشنامه ۸۸۴۲ بررسی و کنترل مدارک بیمه شده بیمار و اینکه ماده ۷۰ قانون به درستی طی و اجرا شده و اعلام ضرورت معرفی وی به کمیسیون پزشکی بر عهده پزشک معتمد سازمان قرار گرفته است.

موضوعی که با توجه به وظیفه این سازمان در اجرای صحیح قانون تأمین اجتماعی با استفاده از طرق و توسل به شیوه‌هایی که وی را به حقیقت امر رهنمون می‌سازد، مغایرتی با قانون نداشته و خارج از حدود اختیارات قانونی وی نمی‌باشد.

۴- شایان ذکر است که پزشک معتمد موضوع بخشنامه شماره ۸۸۴۲ - ۱۳۹۴/۱۰/۱۶، طبق دستورالعمل تخصصی که با نظرات حدود ۱۰۶۵ نفر پزشک متخصص عضو کمیسیون‌های پزشکی سراسر کشور تدوین شده است پیش‌بینی شده و حداقل مدارکی که لازم است یک بیمه شده بیمار برای یک بیماری داشته باشد که در صورت معرفی به کمیسیون پزشکی توسط پزشکان عضو کمیسیون امکان اظهارنظر تخصصی در خصوص میزان ناتوانی و از کارافتادگی ایشان وجود داشته باشد، ضمن کنترل و بررسی مدارک درمانی ارائه شده از نظر صحت مدارک و مخدوش نبودن آن کنترل نموده، کفایت مدارک پزشکی بیمه شده را ارزیابی می‌کند. همچنین؛ با توجه به ضوابط پزشکی، طی دوره درمان لازم برای یک بیماری که در فرانس‌های تخصصی بر آن تأکید شده را بررسی نموده و در صورت ارائه مدارک یا گواهی مبنی بر غیرقابل درمان بودن بیماری و اعلام پایان درمان‌های متصور و دوران توانبخشی، پرونده را به کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ ارسال می‌نمایند.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده ۷۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ میزان از کارافتادگی بیمه شدگان بعد از اخذ نظر پزشک معالج مبنی بر غیرقابل علاج بودن بیماری پس از انجام خدمات توانبخشی و اعلام نتیجه توانبخشی یا اشتغال، در کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ این قانون مورد بررسی قرار گرفته و تعیین می‌شود. در این ماده حکمی مبنی بر ضرورت اظهارنظر پزشک معتمد سازمان تأمین اجتماعی بعد از اخذ نظر پزشک معالج جهت معرفی به کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ مورد تصریح قرار نگرفته است. بنابراین تمامی مفاد بخشنامه شماره ۴۰۱۰/۹۴/۸۸۴۲ - ۱۳۹۴/۱۰/۱۶ سازمان تأمین اجتماعی که متضمن بررسی مجدد وضعیت بیماری بیمه شده بعد از اخذ نظر پزشک معالج توسط پزشک معتمد جهت معرفی وی به کمیسیون موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی و تبیین ساز و کار اجرایی این امر و تعیین شرایط و ضوابط آن بوده در حالی که چنین حکمی در قانون وجود نداشته و در واقع مخالفت پزشک معتمد حقوق شهروندان در مراجعه به کمیسیون پزشکی مذکور را سلب می‌نماید، مغایر ماده ۷۰ قانون تأمین اجتماعی و خارج از حدود اختیارات مرجع صادرکننده آن است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۷۰۰۲۹۲ - ۱۳۹۹/۱/۲۵ در شعبه ۱۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۴۶ بدوی دیوان عدالت اداری با موضوع دادخواست آقای حمید حیدری مقدم به طرفیت تأمین اجتماعی و به خواسته الزام سازمان تأمین اجتماعی به محاسبه مابه‌التفاوت حق بیمه به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۶۴۳ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه دادنامه شماره ۹۸/۱/۸/۱ - ۱۳۹۸/۱/۲۸ هیأت تشخیص اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایوان کارفرما را مکلف نموده با هماهنگی سازمان تأمین اجتماعی نسبت به اصلاح و واریز مابه‌التفاوت حق بیمه شاکی اقدام نماید و مطابق ماده ۱۶۶ قانون کار آراء قطعی صادره از مراجع حل اختلاف لازم‌الاجرا می‌باشد و بر اساس دادنامه‌های شماره ۸۵۳ - ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ و ۲۹ و ۳۰ - ۱۳۸۶/۱/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری سازمان تأمین اجتماعی مکلف به تبعیت از آراء مراجع حل اختلاف کار شده است لذا مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت مطروحه را صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۰۵۷۵ - ۱۳۹۹/۳/۲۴ در شعبه ۱۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

شماره ۹۹۰۱۳۳۰ ۱۳۹۹/۱۲/۱۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۶۳ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با موضوع: «تعارض در آراء شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواست اشخاص به خواسته الزام به پذیرش رأی اداره کار و احتساب سوابق اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شماره دادنامه: ۱۷۶۳ شماره پرونده: ۹۹۰۱۳۳۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: آقای اکبر انسانی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص دادخواست اشخاص به خواسته الزام به پذیرش رأی اداره کار و احتساب سوابق اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور شعب دیوان عدالت اداری آراء متفاوتی صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۴۶ بدوی دیوان عدالت اداری با موضوع دادخواست آقای اکبر انسانی به طرفیت تأمین اجتماعی و به خواسته الزام به پذیرش رأی قطعی اداره کار و پذیرش و

رأی مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۰۵۷۵ - ۱۳۹۹/۳/۲۴ در شعبه ۱۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - هرچند براساس آرای شماره ۳۰ - ۲۹ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶، ۸۵۳ - ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ و ۴۳۸ - ۴۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، آرای هیأت‌های حل اختلاف اداره کار در موارد احراز رابطه کارگری و کارفرمایی و مدت رابطه کارگری بین طرفین و تعیین نوع کار انجام شده برای سازمان تأمین اجتماعی لازم‌الاتباع است لیکن با عنایت به اینکه مستفاد از ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب سال ۱۳۷۱ حداکثر سابقه مجاز جهت برقراری مستمری بازنشستگی سی و پنج سال می‌باشد، بنابراین در مواردی که بیمه شده با استفاده از حداکثر سابقه از مستمری بازنشستگی برخوردار شده، تغییر جهت بازنشستگی با استفاده از احتساب سنوات اشتغال در مشاغل سخت و زیان‌آور و افزایش سابقه اشتغال مازاد بر سی و پنج سال فاقد محمل قانونی است و اثری بر آن مترتب نمی‌باشد و دادنامه‌های شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۹۰۴۱۲۴ - ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ شعبه ۴۶ بدوی دیوان عدالت اداری که به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۵۶۷۰۰۲۹۲ - ۱۳۹۹/۱/۲۵ شعبه ۱۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید گردیده مبنی بر رد شکایت، در این حد به نحو صحیح و مطابق قوانین و مقررات صادر شده است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۲۸۹۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۶۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با موضوع: «ابطال ماده ۱۱ آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور به شماره ۶۶۵/۸۸۱۳۷ - ۱۳۹۴/۶/۲۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شماره دادنامه: ۱۷۶۶ شماره پرونده: ۹۸۰۲۸۹۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مصطفی اسکندری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۱۱ آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور به شماره ۶۶۵/۸۸۱۳۷ - ۱۳۹۴/۶/۲۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

گردش کار: شاکي به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال ماده ۱۱ آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور به شماره ۶۶۵/۸۸۱۳۷ - ۱۳۹۴/۶/۲۱ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از تاریخ تصویب خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«اینجناب مصطفی اسکندری به شماره نظام پزشکی ۱۷۰۱۷-۱۷۰۱۷ با توجه به دلایل ذیل تقاضای ابطال ماده ۱۱ آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور به شماره ۱۰۱/۸۵۰/د - ۱۳۹۴/۶/۱۴ که توسط دکتر مهدی پیرصالحی مدیرکل نظارت و ارزیابی دارو و مواد مخدر وقت سازمان غذا و دارو در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۱ به شماره ۶۶۵/۸۸۱۳۷ به کلیه معاونت های غذا و داروی دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور ابلاغ شده را دارم. همان طور که مستحضرد کمیسیون ماده ۲۰ امور داروخانه ها و شرکت های توزیع دانشگاه علوم پزشکی سراسر کشور به عنوان یک مرجع تشخیصی از نظر سازمانی ذیل ساختارهای دستگاه اجرایی قرار می گیرد و تعیین و اعمال مجازات از جمله صلاحیت هایی است که بی تردید خارج از کار دستگاه اجرایی قرار می گیرد چرا که وفق اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه انقلاب و به موجب قانون باشد همچنین مطابق نص صریح تبصره ۴ الحاقی به ماده ۲۰ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ با اصلاحات اخیر، در صورت تخطی مؤسسات مذکور در قانون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است موضوع را در محاکم قضایی مطرح نماید و دادگاه پس از بررسی در صورت ثبوت تخلف پروانه تأسیس یا مسئولین فنی را موقتاً یا به طور دائم لغو می نماید. لذا با توجه به اصل ۳۶ قانون اساسی و تبصره ۴ ماده ۲۰ قانون مربوط به امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی رسیدگی به کلیه جرایم و تخلفات مسئولین فنی در صلاحیت دادگاه بوده و باید از اختیارات کمیسیون ماده ۲۰ خارج گردد. لذا از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال ماده ۱۱ آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور را از تاریخ تصویب به دلیل مغایرت با اصل ۳۶ قانون اساسی و تبصره ۴ ماده ۲۰ قانون مربوط به امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۱ رادارم.»

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور

ماده ۱۱- در صورت تخلف مسئول فنی شرکت و عدم رعایت شرح وظایف مسئول فنی توسط وی، موضوع در کمیسیون طرح و در مرحله اول، نسبت به صدور اخطار کتبی یا درج در پرونده مسئول فنی و در صورت تکرار، نسبت به اعلام عدم صلاحیت مسئول فنی تصمیم گیری خواهد شد.»

در پاسخ به شکایت مذکور سرپرست اداره کل حقوقی و تنظیم مقررات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۰۷/۱۹۳ - ۱۳۹۹/۲/۷ توضیح داده است که:

«۱- نامبرده وفق دادخواست تقدیمی مدعی می باشد این آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور در سال ۱۳۹۶ توسط مدیرکل نظارت و ارزیابی دارو و مواد مخدر وقت سازمان غذا و دارو ابلاغ شده است و در ماده ۱۱ مقرر گردیده است: «در صورت تخلف مسئول فنی شرکت و عدم رعایت شرح وظایف مسئول فنی توسط وی، موضوع در کمیسیون طرح و در مرحله اول نسبت به صدور اخطار کتبی

با درج در پرونده مسئول فنی و در صورت تکرار تخلف، نسبت به اعلام عدم صلاحیت مسئول فنی تصمیم گیری خواهد شد» نامبرده با این استناد که تعیین و اعمال مجازات باید از طریق دادگاه انقلاب و به موجب قانون باشد و لغو پروانه مسئول فنی از اختیارات کمیسیون ماده ۲۰ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی نمی باشد متقاضی ابطال ماده مزبور از آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور گردیده است.

۲- در ارتباط با شکایت مطروحه بدو لازم به توضیح است آیین نامه تأسیس و فعالیت شرکت های پخش فرآورده های سلامت محور به توشیح مقام وزارت وقت رسیده است و صرفاً ابلاغ آن از سوی اداره نظارت و ارزیابی دارو و مواد مخدر سازمان غذا و دارو معمول گردیده است.

۳- صرف نظر از مراتب مذکور لازم به توضیح است مطابق بند ۱ ماده ۱ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۱۳۶۷/۳/۳ مجلس شورای اسلامی، یکی از وظایف این وزارتخانه تدوین و ارائه سیاست ها، تعیین خط مشی ها و نیز برنامه ریزی برای فعالیت های مربوط به خدمات بهداشتی، درمانی، دارویی، بهزیستی و تأمین اجتماعی می باشد.

۴- برابر بند ۱۱ ماده ۱ قانون مذکور، تعیین و اعلام استانداردهای مربوط به خدمات بهداشتی، درمانی، بهزیستی و دارویی، مواد دارویی، خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی، آرایشی، آزمایشگاهی، تجهیزات و ملزومات و مواد مصرفی پزشکی و توانبخشی، بهداشت کلیه مؤسسات خدماتی و تولیدی مربوط به خدمات و مواد مذکور در فوق نیز از وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین شده است.

۵- همچنین برابر بند ۱۲ ماده ۱ قانون مورد اشاره صدور، تمدید و لغو موقت یا دائم پروانه های مؤسسات پزشکی، دارویی، بهزیستی و کارگاه ها و مؤسسات تولید مواد خوراکی و آشامیدنی و بهداشتی و آرایشی، ساخت فرآورده های دارویی و مواد بیولوژیک، خوراکی، آشامیدنی، بهداشتی، آرایشی و آزمایشگاهی و تجهیزات و ملزومات و مواد مصرفی پزشکی و توانبخشی از وظایف و اختیارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام شده است. ۶- در بند ۱۷ سیاست های کلی سلامت مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۸ «تولیت نظام سلامت شامل سیاست گذاری های اجرایی، برنامه ریزی های راهبردی، ارزشیابی و نظارت» بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار داده شده است.

۷- برابر بند (الف) ماده ۷۲ قانون برنامه ششم توسعه، تولید نظام سلامت از جمله بیمه سلامت شامل سیاست گذاری اجرایی، برنامه ریزی های راهبردی، ارزشیابی، اعتبارسنجی و نظارت را در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متمرکز گردیده است.

۸- وفق ماده ۲۰ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مورخ ۱۳۶۷/۱/۲۳ به منظور رسیدگی به صلاحیت کسانی که می خواهند در مؤسسات پزشکی و داروسازی عهده دار مسئولیت فنی گردند و یا تقاضای صدور یکی از پروانه های مربوط به این قانون را بنمایند و رسیدگی به صلاحیت ورود و ساخت هر نوع دارو و مواد بیولوژیک، کمیسیون هایی به نام کمیسیون های تشخیص مرکب از اعضای اعلامی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به ریاست معاون ذی ربط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر حسب رشته تشکیل می گردد و رأی اکثریت قطعی خواهد بود.

۹- ضمناً وفق تبصره ۵ ماده مورد اشاره وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می تواند اجازه تشکیل کمیسیون های قانونی مؤسسات پزشکی و داروسازی را به هر یک از دانشگاه ها یا دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی واگذار نماید.

۱۰- برابر تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مورخ ۱۳۶۷/۱/۲۳ شرکت های توزیع کننده انواع دارو و مواد بیولوژیک اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی باید از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پروانه تأسیس اخذ نموده و با معرفی مسئول فنی واجد شرایط که صلاحیت آنها به تصویب کمیسیون قانونی مربوط در ماده ۲۰ این قانون خواهد رسید. بر اساس این آیین نامه مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اقدام به توزیع دارو و مواد بیولوژیک در سطح کشور بنماید. شرایط صلاحیت مسئول فنی مذکور در این تبصره عبارتند از: داشتن دانشنامه دکترای داروسازی نداشتن سوء پیشینه کیفری موثر- عدم اشتغال به فساد در حرفه مربوطه.

۱۱- برابر تبصره ۴ ماده مورد اشاره چنانچه شرکت های توزیع کننده داروهای فاسد یا داروهای با تاریخ مصرف کوتاه و یا منقضی شده که مخالف آیین نامه مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد توزیع نمایند و یا دارویی را بیش از قیمت رسمی به فروش برسانند با رعایت شرایط و امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب شرکت مربوطه علاوه بر جبران خسارات وارده به پرداخت جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم و پروانه مسئول فنی با توجه به رأی کمیسیون قانونی مربوطه از یک تا شش ماه به حالت تعلیق در خواهد آمد.

سنجش عمومی می‌باشد. مصوبه فوق موجب نادیده گرفتن حق مکتسب داوطلبین در قانون سنجش و پذیرش می‌باشد. نتیجه نهایی بایستی معدل مکتسب در مرحله سنجش عمومی و ارزیابی تخصصی (نمره دانشگاه) باشد اما با مصوبه اخیرالذکر عدم کسب حد نصاب دانشگاه موجب نادیده گرفتن نمره ۵۰٪ سنجش عمومی است که مخالفت آن با بند (ت) ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش قطعی است. به دلیل اعمال چنین مصوبه‌ای در آزمون دکتری سال ۱۳۹۸ هیچ پذیرشی در دوره روزانه انجام نشده است. لازم به توضیح است هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ضمن پذیرش استدلال فوق در رأی شماره ۱۸۴۲ - ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ حکم به ابطال دستورالعمل دانشگاه تهران صادر نمود ضروری به نظر می‌رسد که مصوبه دانشگاه تبریز نیز به طور مستقل و صریح ابطال و ممنوعیت اجرای آن اعلام گردد.»

متن مقرر در شکایت به شرح زیر است:

«۵-۲ در خصوص حدنصاب مرحله دوم (مصاحبه علمی و سنجش عملی و بررسی سوابق آموزشی، پژوهشی و فناوری) برای پذیرش در دوره‌های روزانه امتیاز ۲۵ از ۵۰ و برای دوره‌های نوبت دوم و پردیس‌های دانشگاه امتیاز ۲۰ از ۵۰ به تصویب رسید و مقرر شد مراتب به سازمان سنجش آموزش کشور اعلام شود. امتیازدهی طبق فرم‌های شماره ۲ و ۳ و جداول مشروحه مربوطه صورت خواهد پذیرفت.»

در پاسخ به شکایت مذکور رئیس دانشگاه تبریز به موجب لایحه شماره ۴۴۲۸/ص - ۱۳۹۸/۱۰/۷ توضیح داده است که:

«۱- سازمان سنجش آموزش کشور طی نامه شماره ۳۰۲۴ - ۱۳۹۸/۱/۲۵ منضم به شیوه‌نامه اجرایی آزمون نیمه متمرکز دکتری سال ۱۳۹۸ در ماده ۱۰ شیوه‌نامه مذکور قید می‌نماید که بر اساس آراء دیوان عدالت اداری حد نصاب نمره مصاحبه در آزمون دکتری حذف گردیده و دانشگاه‌ها مجاز به اعلام حد نصاب مرحله دوم برای آزمون نیستند.»

«۲- متعاقباً سازمان سنجش آموزش کشور طی نامه شماره ۹۸۴۴ - ۱۳۹۸/۲/۲۵ اعلام می‌نماید که دانشگاه‌ها می‌توانند حد نصاب نمره مصاحبه آزمون دکتری را به سازمان سنجش اعلام نمایند.»

«۳- وفق صریح بند (ت) ماده ۱ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ابلاغی مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۸ اعلام نتایج قبولی در آزمون دکتری بر عهده سازمان سنجش آموزش کشور می‌باشد و دانشگاه‌ها با توجه به اعلام سازمان یاد شده، نسبت به انجام مصاحبه اقدام و نتایج مصاحبه کلیه داوطلبین بدون اعمال حد نصابی، به همراه نمرات آن به سازمان ارسال می‌گردد و در این میان سازمان سنجش رأساً اقدام به ارزیابی بر اساس حد نصاب و اعلام نتایج قطعی داوطلبان آزمون دکتری می‌نماید و دانشگاه‌ها صرفاً مجری شیوه‌نامه اجرایی سنجش پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها هستند و دخالتی در اعمال حد نصاب موصوف ندارند و طرف شکایت شاکی می‌بایست سازمان سنجش آموزش کشور قرار می‌گرفت.»

علیهذا با توجه به مراتب معروضه و جمیع جهات قانونی فوق‌الذکر و با عنایت به اینکه صدور شیوه‌نامه اجرایی پذیرش دانشجوی دکتری، امکان یا عدم امکان تعیین حد نصاب و اعمال آن از سوی سازمان سنجش آموزش کشور صورت می‌گیرد، لذا به دلیل عدم ارتباط موضوع و به استناد بند (پ) ماده ۵۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ رد شکایت شاکی مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه مطابق ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، پذیرش نهایی در مقطع دوره‌های دکتری تخصصی به شیوه آموزشی و پژوهشی بر اساس تأثیر ۵۰ درصد آزمون متمرکز و تأثیر ۵۰ درصد نمره مصاحبه در دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد و اختیار مقرر برای شورای سنجش و پذیرش به شرح بند (ت) ماده ۳ قانون، صرفاً ناظر به تعیین نصاب قبولی در مرحله سنجش عمومی بوده لکن طرف شکایت به تعیین نصاب در مرحله دوم اقدام کرده که هم مغایر قانون است و هم سابقاً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب آراء شماره ۱۴۸۷ - ۱۳۹۸/۷/۲۳ و ۱۸۴۲ - ۱۳۹۷/۹/۲۰ تعیین حد نصاب در مرحله مصاحبه را ابطال کرده است. بنا بر مراتب بند ۵ - ۲ مصوبه دانشگاه تبریز در دستورالعمل نحوه پذیرش دانشجوی دوره دکتری به جهت مغایرت با قانون مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تسری ابطال به زمان تصویب مقرر ابطال شده موافقت نشد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

۱۲- لذا همان گونه که مشاهده می‌فرمایید برخلاف ادعای شاکی قانونگذار در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی اختیار تعلیق پروانه مسئول فنی را به کمیسیون ماده ۲۰ اعطاء نموده است و ماده ۱۱ آیین‌نامه تاسیس و فعالیت شرکت‌های پخش فرآورده‌های سلامت محور بر مبنای قانون تنظیم شده است، ضمن اینکه در ماده ۱۱ آیین‌نامه اشاره‌ای به لغو پروانه مسئول فنی نگردیده و صرفاً اعلام شده است که کمیسیون در خصوص عدم صلاحیت مسئول فنی تصمیم‌گیری خواهد نمود که به معنای تصمیم‌گیری وفق تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون می‌باشد. با توجه به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه آیین‌نامه مزبور وفق قانون تنظیم گردیده است رد شکایت مطروحه از آن مقام مورد تقاضا می‌باشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: بر اساس اصل ۳۶ قانون اساسی تعیین اعمال مجازات از صلاحیت‌های قانونگذار است. تبصره ماده ۱۴ قانون اصلاح بعضی مواد قانونی مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ صرفاً تعلیق پروانه مسئول فنی را به مدت شش ماه در اختیار کمیسیون ماده ۲۰ قانون مذکور قرار داده است و آنچه در ماده ۱۱ مقرر در مورد شکایت پیش‌بینی شده از حیث قرار دادن «مرحله اخطار کتبی» در واقع تضییع حکم قانونگذار و از حیث تعیین مجازات به لحاظ عدم صلاحیت، توسعه حکم قانونگذار است. ثانیاً: تعیین و اعمال مجازات در چارچوب آیین‌نامه از اختیارات مرجع صدور نمی‌باشد، زیرا قانونگذار چنین اختیاری برای این مرجع وضع نکرده است. در نتیجه به جهت مغایرت حکم ماده ۱۱ مقرر در مورد شکایت با قانون فوق‌الذکر و خروج از اختیارات مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۳۱۰۱

۱۳۹۹/۱۲/۱۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۳۱۰۱/۱۷۶۷/۱۱/۲۱ خ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۶۷ با موضوع: «ابطال بند ۵ - ۲ مصوبه دانشگاه تبریز در آزمون دکتری سال ۱۳۹۸» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شماره دادنامه: ۱۷۶۷ شماره پرونده: ۹۸۰۳۱۰۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمدرضا متین‌فر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۵-۲ مصوبه دانشگاه تبریز در آزمون دکتری

سال ۱۳۹۸

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ۵-۲ مصوبه دانشگاه تبریز در آزمون دکتری سال ۱۳۹۸ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «در راستای ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تصدیقاً معروض می‌دارد: بر اساس ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴ پذیرش دانشجو در مقطع دکتری تخصصی به شیوه آموزشی - پژوهشی، باید بر اساس تأثیر ۵۰ درصدی آزمون تستی سازمان سنجش و تأثیر ۵۰ درصدی نمره مصاحبه در دانشگاه‌ها صورت پذیرد. دانشگاه تبریز در مصوبه خود چنین مقرر داشته: کسب حداقل نمره ۲۵ از ۵۰ برای دوره‌های روزانه و ۲۰ از ۵۰ در دوره‌های شبانه برای قبولی نهایی ضروری است. این مصوبه صریحاً برخلاف ماده ۵ قانون سنجش و پذیرش دانشجو می‌باشد که تأثیر نمره سنجش عمومی را ۵۰٪ اعلام می‌نماید. نتیجه این مصوبه آن است که در صورت عدم کسب حد نصاب مؤسسه، داوطلب بدون توجه به نمره سنجش عمومی مردودی قطعی می‌شود و نمره سنجش عمومی داوطلب لحاظ نمی‌گردد. حال آن که شورای سنجش و پذیرش دانشجو و سازمان سنجش و دانشگاه‌ها نمی‌توانند داوطلبین را به بهانه عدم کسب حد نصاب (نمره دانشگاه) از گزینش نهایی حذف نمایند. بلکه دانشگاه‌ها و سازمان سنجش در مرحله دوم مصاحبه حق دخل و تصرف در ۵۰٪ امتیاز خود رادارند و این اقدام به نوعی تجاوز به حقوق داوطلب و نتیجه مکتسب در آزمون

شماره ۹۸۰۳۷۹۵

۱۳۹۹/۱۲/۱۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۳۹۸/۱۱/۲۱ الی ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۶۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با موضوع: «ابطال بندهای ۱ و ۲ مصوبه جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شماره دادنامه: ۱۷۶۸ - ۱۷۶۹

شماره پرونده: ۹۸۰۳۷۹۵ - ۹۸۰۴۴۴۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: ۱- آقای رضا ساکت ۲- کانون سردفتران و دفتریاران با وکالت آقایان علی نصیری

درون کلا و محمود واحدی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای ۱ و ۲ مصوبه جلسه سی و سوم مورخ

۱۳۹۸/۱۰/۲ هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست‌هایی جداگانه ابطال بندهای ۱، ۲ و ۳

مصوبه جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای

کسب و کار را خواستار شده‌اند و در راستای تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده‌اند:

«نظر به اینکه بندهای ۱ الی ۳ مصوبه جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ هیأت

مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در خصوص بررسی و پیشنهاد اصلاح

رویه‌های مرتبط با مجوز سردفتری به دلیل مغایرت با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴

قانون اساسی و خارج از حدود اختیارات مقام وضع‌کننده می‌باشد. تقاضای طرح در هیأت

عمومی دیوان عدالت اداری و ابطال آن را به شرح زیر داریم: قانونگذار قلمرو صلاحیت ذاتی

هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار را به حوزه فعالیت‌های اقتصادی

رقابت‌پذیر، امور تجاری، تولیدی، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های بورسی توسط دستگاه اجرایی

محدود و منوط نموده است به همین منظور صرف نظر از آنکه کانون سردفتران و فعالیت

سردفتری اسناد رسمی در زمره دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات

کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و ماده ۵ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ محسوب

نمی‌گردد. بلکه مشتکی عنه تحت هیچ عنوان صلاحیت ذاتی و جواز قانونی وضع قاعده آمره

متضمن دخالت در حرفه سردفتری و مآلاً ایجاد الزام و التزام برای شاغلین این حرفه را نداشته

و ندارد چرا که شغل مذکور به موجب قانون تحت نظارت قوه قضاییه و وزارت دادگستری است

و شکی در حاکمیتی بودن شغل مذکور نیست و کاملاً این شغل منصرف از امور اقتصادی،

تولیدی و رقابت‌پذیری موضوع و مصادیق تحت نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴

قانون اساسی است. ضمناً هیأت مقررات‌زدایی با تفسیر ناصواب از قانون، ماده ۵ قانون دفاتر

اسناد رسمی را مغایر با حکم تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی قلمداد کرده در حالی که به موجب اصل ۷۳

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع تفسیر قوانین عادی مجلس شورای اسلامی است.

بنابراین تاکنون به تنها قانونی دایر بر نسخ ضمنی یا صریح ماده ۵ قانون مارالذکر نیامده

بلکه هیأت مشتکی عنه مرجع تفسیر قانون تلقی نمی‌گردد تا با رفتار و اقدامی غیرمتعارف و بر

خلاف قانون باعث این توهم گردد که هر فارغ‌التحصیل حقوق با بارگزاری کد بتواند به

شغل سردفتری منصوب گردد که با فرض محال اگر چنین اقدامی توجیه داشته باشد که

قطعاً ندارد موجبات تزلزل در امور ثبتی و سر درگمی خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان

حقوق می‌گردد که انتظار دارند با اقدامات ناصواب مشتکی عنه در این عرصه پر خطر و

حساس گام بردارند.

علاوه بر این کانون سردفتران همانند متقاضیان شغل وکالت و قضاوت پس از کسب

مجوزهای قانونی اقدام به برگزاری آزمون می‌نماید که در این راستا با سنجش نیازهای

جامعه و وضعیت موجود و تحت نظارت مستقیم قوه قضاییه ظرفیت‌ها تعیین و افراد

پذیرفته شده به شغل سردفتری منصوب می‌گردند. علاوه بر این در مواردی که قانون‌گذار

شرایط تصدی منصبی را تعیین و احصا می‌نماید هیأت مقررات‌زدایی صلاحیت ذاتی ورود

به آن را ندارد. فلسفه وجودی ماده ۶۹ قانون دفاتر اسناد رسمی جلوگیری از آسیب

به اسناد تنظیمی در دفاتر است که سردفتر آن در حال بازنشستگی است. لذا اسناد مذکور

متعلق به اشخاص و حاکمیت است که پیشنهاد جایگزین سردفتر کمترین بهره است که

نسیب حاکمیت خواهد بود. معرفی حداکثر هر سال ۷۵ نفر از طریق ماده ۶۹ مذکور،

ضمن اینکه افراد معرفی شده، فارغ‌التحصیلان حقوق و افراد واجد شرایط می‌باشند به لحاظ قلت در مقابل ۷۵ هزار فارغ‌التحصیل متقاضی سردفتری قطعاً نمی‌تواند از مصادیق ایجاد انحصار تلقی گردد چرا که در این فرضیه در صورت حذف ماده ۶۹ قانون، جذب این تعداد سردفتر از طریق آزمون حداقل هزار سال به طول خواهد انجامید تا فارغ‌التحصیلان فعلی و جویای کار به سردفتری اشتغال یابند. هیأت مقررات‌زدایی بدون توجه به فلسفه وضع ماده ۶۹ قانون دفاتر اسناد رسمی و همچنین تأثیر آن در انحصار علیرغم فقدان صلاحیت درخواست اصلاح آن را به مجلس داده است. هیأت مذکور در موارد مشابه کانون وکلا را نیز ملزم به بارگذاری در سامانه نموده است که با درایت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه‌های شماره ۲۷۵۰ الی ۲۷۵۴ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۹ اقدامات مشتکی عنه ابطال گردید.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار

مصوبه جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ در خصوص بررسی و پیشنهاد اصلاح

رویه‌های مرتبط با مجوز سردفتری موضوع تصمیمات هشتاد و سومین نشست کمیته تخصصی

هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار

با عنایت به بررسی‌های انجام شده در خصوص موضوع مذکور، هیأت مقررات‌زدایی و

تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار به شرح ذیل اتخاذ تصمیم نمود:

۱- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با همکاری کانون سردفتران و دفتریاران شرایط

احراز صلاحیت برای دریافت مجوز سردفتری را تعیین نموده و نسبت به بارگذاری اطلاعات

صدور این مجوز در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار اقدام نماید.

۲- با توجه به حکم ماده ۹۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

مبنی بر نسخ کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن، از آنجا که ماده ۵ قانون دفاتر اسناد رسمی

در مغایرت با حکم تبصره ۲ ماده ۳ قانون اصلاح مواد ۱، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی

اصل ۴۴ قانون اساسی است لذا ماده ۵ مذکور نافذ نیست.

۳- پیشنهاد اصلاح و یا حذف ماده ۶۹ قانون دفاتر اسناد رسمی به دلیل ایجاد انحصار

در محیط کسب و کار از سوی هیأت مقررات‌زدایی به مجلس شورای اسلامی ارسال شود.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت امور اقتصادی و دارایی

به موجب لایحه شماره ۹۱/۲۰۷۴۳ مورخ ۱۳۹۹/۲/۲۲ اعلام کرده است که:

«الف) ایراد شکلی: هشتاد و سومین نشست کمیته تخصصی هیأت مقررات‌زدایی و

تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار به منظور بررسی کارشناسی موضوعات قابل طرح در

آن هیأت از سوی دبیرخانه هیأت مقررات‌زدایی تشکیل شده است. تا زمانی که موضوع در

هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل مجوزهای کسب و کار تصویب نشود، قابلیت استناد و اجراء

در هیچ مرجعی ندارد. به همین ترتیب، موضوع اصلاح رویه‌های مرتبط با مجوزهای کسب

و کار در جلسه مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ کمیته تخصصی هیأت مقررات‌زدایی مورد بحث و

تبادل نظر اعضای هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار قرار گرفت.

از آنجا که به استناد تبصره ۲ ماده ۶۲ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری

اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، تنفیذی در تبصره ۵ ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید

رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی،

خدمات نهادهای وابسته به قوه قضاییه منوط به موافقت رئیس آن قوه، مشمول رسیدگی

هیأت می‌گیرد، هیأت به جهت عدم وجود اذن رئیس محترم آن قوه یاد شده، مصوبه‌ای

در خصوص مجوز مورد اشاره صادر نکرده است. بنابراین وضع قاعده آمره و دخالت در حرفه

سردفتری برای شاغلین این حرفه و در نهایت الزام و التزامی برای شغل سردفتری ایجاد

نشده است. از این رو مصوبه مورد ادعای شاکي، ویژگی حقوقی و قانونی بودن مصوبه

در بردارنده حق و تکلیف و الزام حقوقی و قانونی را ندارد، بر همین اساس مشمول

صلاحیت‌های مقرر در بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

قرار نمی‌گیرد و برابر ماده ۸۵ قانون پیش گفته رسیدگی به درخواست ابطال، موضوعاً

منتفی می‌باشد و درخواست صدور قرار رد درخواست شاکي را دارد.

ب) ایراد ماهوی: مطابق ماده ۴۳ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم

قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی: «تمامی اشخاص حقیقی

و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی مشمول مواد این فصل (فصل نهم -

مبحث تسهیل رقابت و منع انحصار) هستند» و قانون برای هیچ شخصی استثناء قائل

نشده است. هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار بایستی کلیه مجوزها را

اعم از آن که در فضای رقابتی و غیررقابتی صادر گردند، در راستای ایجاد شفافیت و اطلاع‌رسانی

به متقاضیان در پایگاه، جهت استفاده عموم قرار دهد. یادآوری این نکته به شاکي لازم است

که صلاحیت هیأت مقررات‌زدایی برای بند ۳ مصوبه مورد شکایت، ناشی از تکلیف مقرر

در قسمت انتهایی تبصره ۵ ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی

ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب: در مورد بند دوم مصوبه مورد شکایت، مطابق بند ۴-۱ و ۵-۱ ماده ۳ قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب سال ۱۳۸۹ تهیه پیشنهاد جهت نسخ قوانینی که نسخ ضمنی شده و شناسایی موارد نسخ صریح از جمله وظایف معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی است، از این رو غیرنافذ اعلام کردن (حکم) ماده ۵ قانون دفاتر اسناد رسمی با ادعای نسخ به این دلیل که احراز و یا اعمال نسخ قانون صرفاً در صلاحیت مرجع قضایی و یا قانونگذار است (اعلام نسخ صریح و یا ضمنی) مخالف قانون و خارج از حدود اختیارات هیأت مقررات‌زدایی است، بنابراین بند دوم مصوبه مورد شکایت، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۲۶۷۳

۱۳۹۹/۱۲/۱۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ مورخ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۷۱ با موضوع: «ابطال قسمت اول جزء ۵ ردیف ۱۱ بخش یازدهم بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۹/۵ - ۱۰۰۰/۹۶/۹۶۱۵ سازمان تأمین اجتماعی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شماره دادنامه: ۱۷۷۱ شماره پرونده: ۹۸۰۲۶۷۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محب روحانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت اول جزء ۵ ردیف ۱۱ بخش یازدهم بخشنامه

شماره ۱۳۹۶/۹/۵ - ۱۰۰۰/۹۶/۹۶۱۵ سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه دریافت اعتراض جهت طرح پرونده در هیأت‌های تجدیدنظر تشخیص مطالبات

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال قسمت اول جزء ۵ ردیف ۱۱ بخش یازدهم بخشنامه شماره ۱۳۹۶/۹/۵ - ۱۰۰۰/۹۶/۹۶۱۵ سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه دریافت اعتراض جهت طرح پرونده در هیأت‌های تجدیدنظر تشخیص مطالبات را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«سازمان تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۵ دستورالعمل جدید اجرایی آیین‌نامه هیأت‌های تشخیص مطالبات را تدوین و جهت اجرا به واحدهای اجرایی سازمان ارسال نموده است. استحضار دارند که این اقدام سازمان تأمین اجتماعی در تقابل با ماده ۶۳ قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ بوده که مقرر می‌دارد: در صورت ایراد شکلی یا ماهوی رأی صادره، شعبه دیوان مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آنها پرونده را به منظور رسیدگی و صدور رأی مقتضی و در راستای ماده ۱۱ قانون دیوان و تبصره ذیل آن به مرجع مربوط اعاده نماید. آنچه که قابل تامل است این است که کلیه پرونده‌ها در سطح کشور که در اجرای ماده ۶۳ قانون دیوان در نوبت رسیدگی در هیأت تجدیدنظر تشخیص مطالبات قرار می‌گیرند کارفرما و یا نماینده قانونی آنان در زمان رسیدگی می‌بایست در جلسات هیأت حضور داشته باشد در غیر این صورت پرونده آنان رسیدگی نخواهد شد. در حالی که در دعوت‌نامه ارسالی جهت کارفرما صراحتاً اعلام شده است چنانچه کارفرما و یا نماینده قانونی او در وقت تعیین شده نتواند در جلسه هیأت شرکت نماید می‌تواند لایحه دفاعیه را تهیه و به نحوی به هیأت ارسال نماید که قبل از تشکیل جلسه به هیأت برسد و یا عدم حضور کارفرما یا نماینده او مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود با پیوست... فقره لایحه دفاعیه مربوط به... نفر از کارفرمایان که نتوانسته اند در جلسه حضور فیزیکی داشته باشند مبادرت به ارسال لایحه دفاعیه به هیأت نموده و قبل از تشکیل جلسه هیأت لایحه در اختیار هیأت قرار گرفته است ولی مسئول هیأت برابر گواهی مامور پست از دریافت لایحه خودداری و به دلیل عدم حضور کارفرما رأی نیز صادر نگردیده است که این عمل سازمان تأمین اجتماعی دقیقاً در جهت ایجاد سرگردانی کارفرمایان و اطلاع دادرسی صورت گرفته است. لذا با عنایت به موارد مطروحه و مدارک و مستندات پیوست استدعای رسیدگی و صدور دادنامه مقتضی با ابطال قسمت اول جزء ۵ ردیف ۱۱ بخش یازدهم با موضوع نحوه دریافت اعتراض جهت طرح پرونده در هیأت‌های تجدیدنظر تشخیص مطالبات دستورالعمل اجرایی به شماره ۱۳۹۶/۹/۵ - ۱۰۰۰/۹۶/۹۶۱۵

کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی مبنی بر اینکه «در صورتی که تحقق این اهداف به اصلاح قوانین نیاز داشته باشد، هیأت مذکور موظف است پیشنهادهای لازم را برای اصلاح قوانین تهیه و به مراجع مربوطه ارائه نماید» می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایند هیأت مقررات‌زدای به وظیفه قانونی خود عمل نموده است و تقاضای ابطال این بند از مصوبه نیز محل تأمل می‌باشد. رأی شماره ۲۷۵۰ الی ۲۷۵۴ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، صرفاً در خصوص بند ۳ مورد شکایت می‌باشد که به منظور بررسی پروانه وکالت در جلسه آتی هیأت، از سوی دبیرخانه هیأت به کانون‌های وکلای دادگستری و مرکز امور مشاوران قوه قضاییه مهلت داده شده بود تا اطلاعات پروانه وکالت را در پایگاه اطلاع‌رسانی مجوزهای کسب و کار بارگذاری نمایند. حال آن که مخاطب اصلی و عمده بند اول مصوبات هشتاد و سومین نشست کمیته تخصصی هیأت مقررات‌زدایی سازمان اسناد و املاک کشور می‌باشد، که با توجه به تبصره ۲ ماده ۶۲ قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران تنفیذی در تبصره ۵ ماده ۵۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مفاد حکم ماده ۶۲ شامل سازمان‌های ثبت اسناد و املاک کشور نیز می‌باشد. لذا رد شکایت شاکی مورد تقاضاست.»

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی اداری و امور عمومی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۷۸۳ - ۱۳۹۹/۵/۲۶ بند ۳ مصوبه جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به بندهای ۱ و ۲ مصوبه جلسه سی و سوم مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲ هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - نخست: اینکه غرض قانونگذار از تصویب قانون اصلاح مواد یک، شش و هفت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۹۳/۴/۱ تسهیل سرمایه‌گذاری از طریق ساده کردن و تسهیل شرایط و فرآیندهای صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار است. دوم: اینکه اگرچه فعالیت در کسب و کارهای موضوع این قانون، مستلزم صدور مجوز، موافقت‌نامه، پروانه یا عناوین مشابه است اما هر شغل و فعالیتی که به مجوز نیاز داشته باشد لزوماً از قبیل کسب و کارهای موضوع ماده سه قانون مذکور نیست. به کارگیری عبارت «بنگاه‌های اقتصادی» و «بازار» و استفاده از کلماتی همچون، احتکار، قیمت‌های تهاجمی، تبعیض در شرایط برابر، محدود کردن یا تحت کنترل در آوردن قیمت، مشخص کردن قیمت‌های خرید و ... در بسیاری از مواد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون اصلاح مواد یک، شش و هفت قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، دلالت بر خروج موضوعی مقوله سردفتری از شمول قوانین مورد اشاره دارد.

سوم: اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۲۷۵۰ الی ۲۷۵۳ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۹ با موضوع ابطال بند ۳ مصوبه ۸۰/۴۳۲ - ۱۳۹۷/۲/۱۵ هیأت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوز کسب و کار (از جمله در خصوص پروانه وکالت) تصریح کرده است «در مواردی که مقنن در قوانین عادی شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار را تعیین کرده هیأت مذکور صلاحیت اقدام ندارد...» و بر همین اساس امور مربوط به وکالت و مشاوره حقوقی را از مصادیق تسهیل سرمایه‌گذاری به شمار نیاورده و وظیفه این هیأت را صرفاً تسهیل صدور مجوز کسب و کار در مقررات مادون قانون اعلام کرده و بر همین اساس مقرر متضمن لزوم بارگذاری اطلاعات صدور پروانه وکالت در سامانه اطلاع‌رسانی را ابطال کرده است. از سوی دیگر ماهیت و نوع خدمات ارائه شده از قبیل مصادیق تسهیل سرمایه‌گذاری نیست بلکه از جنس خدمات حاکمیتی و مرتبط با امر قضا شمرده می‌شود مخصوصاً اینکه مطابق ماده ۵ قانون دفاتر اسناد رسمی، اقدام به افزایش این دفاتر با پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تصویب وزارت دادگستری (در حال حاضر رئیس قوه قضاییه) امکان‌پذیر است؛ بنابراین بند یک مصوبه مورد اعتراض مبنی بر تکلیف سازمان ثبت اسناد و املاک به تعیین شرایط احراز صلاحیت برای دریافت مجوز و بارگذاری اطلاعات صدور این مجوز به دلیل خروج عنوان سردفتری از کسب و کارهای قانون یاد شده برخلاف قوانین یاد شده و خارج از حدود اختیارات این هیأت است و مستند به بند ۱

به سبب تشخیص به وجود نقایص یا ایراداتی در رسیدگی هیأت باید توسط همان هیأت ضمن رفع نواقص مجدداً رسیدگی شود.

۴- رویه معمول و جاری این سازمان نیز حکایت از این دارد که در مواردی که شعبه رسیدگی کننده به موضوع در دیوان عدالت اداری ضمن نقض رأی پرونده را جهت رسیدگی مجدد به همان شعبه رسیدگی کننده تشخیص مطالبات اعاده می نماید. مطابق با نظر دیوان عدالت اداری دوباره به موضوع رسیدگی می کند. بدیهی است چنانچه این سازمان برخلاف ماده ۶۳ قانون یاد شده در موردی که شعبه رسیدگی کننده به موضوع در دیوان عدالت اداری رأی به رسیدگی مجدد هیأت تشخیص مطالبات صادر نموده و برخلاف نظر شعبه مزبور این سازمان رسیدگی به موضوع را به هیأت دیگری یا هیأتی از هیأت های ستاد مرکزی ارجاع نموده باشد حق اعتراض به این روند برای ذینفع محفوظ می باشد و می تواند یکی از دلایل نقض رأی هیأت تشخیص مطالبات توسط دیوان عدالت اداری باشد.

۵- وقتی به موجب بخش پانزدهم دستورالعمل اجرایی هیأت های تشخیص مقرر شده در مواردی که در تنظیم رأی اشتباه در حساب یا سهو قلم رخ داده باشد یا در موارد ابهام، رأی به همراه پرونده مربوط به هیأت صادرکننده آن ارسال شود، تا نسبت به تصحیح آن اقدام نماید، بنابراین چگونه ممکن است هنگامی که مرجع قضایی رسیدگی به موضوع آن را دارای ایرادات یا نقایص بداند که باید برطرف شود و پرونده را اعاده می نماید، این سازمان آن را به هیأت دیگری ارجاع کند تا ایرادات و نقایص مذکور را برطرف سازد؟

۶- دادنامه شماره ۱۶۹۰ - ۱۳۹۷/۸/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تفسیر ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و تصریح به اینکه در موارد تشخیص ایراد یا نقض در آراء مراجع موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، به وضوح اشاره نموده که در این موارد پرونده به همان مرجع رسیدگی کننده اعاده می شود تا مجدداً موضوع را مورد رسیدگی قرار داده و نسبت به رفع نقایص و ایرادات آن اقدام کند. لذا دلیلی بر ارجاع پرونده به هیأت همعرض وجود ندارد و از دستورالعمل مورد اعتراض نیز چنین بر نمی آید که در این موارد باید پرونده به ستاد مرکز ارجاع شود. در ضمن با توجه به دادنامه صادره اصلاح دستورالعمل اجرایی در دستور کار این سازمان قرار گرفته است که نتیجه آن متعاقباً به استحضار خواهد رسید.

با توجه به جمیع جهات معنونه، به خصوص صراحت بند ۵- ۱۱ دستورالعمل اجرایی در ذیل بخش ۱۱ آن که تحت عنوان نحوه دریافت اعتراض جهت طرح در هیأت های تجدیدنظر تشخیص مطالبات، در اینکه موارد مصرح در ذیل آن مانند مواردی که به موجب دادنامه صادره ضمن نقض رأی رسیدگی مجدد به هیأت همعرض ارجاع می شود و نه مواردی که شعبه رسیدگی کننده به موضوع رأی به رسیدگی مجدد به موضوع توسط همان هیأت اصدار می کند. همچنین ابتدای این بند از دستورالعمل به مصوبه ۱۱۰۰/۵۲۲۴ - ۱۳۷۸/۵/۶ هیأت مدیره سازمان که تصریح به ضوابط سطح بندی هیأت های تجدیدنظر و زمان بندی تشکیل هیأت ها در مراکز استان ها نموده دستورالعمل اجرایی هیأت های تشخیص مطالبات از جمله بند ۵- ۱۱ معترض عنه مغایرتی با قوانین و مقررات و یا ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ندارد بر این پایه صدور رأی بر رد دادخواست و شکایت مطروحه مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: براساس دادنامه شماره ۱۶۹۰ - ۱۳۹۷/۸/۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، حکم ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مبنی بر اینکه «هرگاه شعبه رسیدگی کننده دیوان، آراء و تصمیمات مرجع مذکور در بند ۲ ماده ۱۰ این قانون را واجد ایراد شکلی یا ماهوی موثر تشخیص دهد، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آنها پرونده را به مرجع مربوط اعاده کند» مفید این معنی است که پرونده باید به همان مرجع رسیدگی کننده برای رفع نقض یا تبعیت ماهیتی اعاده شود نه هیأت هم عرض. ثانیاً: به موجب اصلاح صدر ماده ۴۴ قانون تأمین اجتماعی در تاریخ ۱۳۷۶/۷/۲۷ عبارت «در تهران» به عبارت «در مراکز استان ها» تغییر نموده که این امر حاکی از قصد قانونگذار مبنی بر جلوگیری از تمرکز امور در ستاد مرکزی و واگذاری رسیدگی به پرونده های مطروحه در هیأت های تشخیص مطالبات در مراکز استان های مربوطه می باشد. لذا با عنایت به مفاد دادنامه مذکور، قسمت اول جزء ۵ ردیف ۱۱ بخش یازدهم بخشنامه معترض عنه که متضمن رسیدگی به آرای هیأت های تجدیدنظر تشخیص مطالبات که در شعب دیوان عدالت اداری نقض شده اند، در هیأت های تجدیدنظر تشخیص مطالبات ستاد مرکزی به عنوان شعبه همعرض می باشد، مغایر ماده ۶۳ قانون فوق الذکر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

به دلیل مغایرت با ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و خارج از حدود وظایف سازمان تأمین اجتماعی در وضع مقررات دولتی را دارم.»

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«بخش یازدهم: نحوه دریافت اعتراض جهت طرح پرونده در هیأت های تجدیدنظر تشخیص مطالبات

۵- ۱۱) با توجه به مصوبه شماره ۱۱۰۰/۵۲۲۴ - ۱۳۷۸/۵/۶ هیأت مدیره سازمان، استان هایی که هیأت تجدیدنظر تشخیص مطالبات در آن مستقر شده باید در موارد ذیل پرونده را جهت رسیدگی به هیأت های تجدیدنظر تشخیص مطالبات ستاد مرکزی ارسال نمایند:

- پرونده هایی که آراء هیأت تجدیدنظر تشخیص مطالبات آن، توسط دیوان عدالت اداری نقض و دستور رسیدگی مجدد صادر شده است.»

در پاسخ به شکایت مذکور مدیرکل امور حقوقی و قوانین سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۷۱۰۰/۹۸/۶۷۶۰ - ۱۳۹۸/۱۱/۸ توضیح داده است که:

۱- بند ۱۱- ۵ معترض عنه، در ذیل بخش یازدهم دستورالعمل اجرایی هیأت های تشخیص مطالبات سازمان تأمین اجتماعی تحت عنوان «نحوه دریافت اعتراض جهت طرح پرونده در هیأت های تجدیدنظر تشخیص مطالبات» آمده است و موضوع آن با مواردی که نسبت به رأی صادره از یکی از هیأت های تشخیص مطالبات در نزد دیوان عدالت اداری اعتراض و تقاضای نقض رأی صادره را نموده و شعبه دیوان آن را به همان هیأت اعاده می کند، کاملاً متفاوت است. توضیح اینکه مطابق بند ۵- ۱۱ معترض عنه مقرر شده پرونده هایی که آراء هیأت تجدیدنظر تشخیص مطالبات آن توسط دیوان عدالت اداری نقض و دستور رسیدگی مجدد صادر شده به ستاد مرکز ارسال شود و نه پرونده هایی که به موجب دادنامه صادره با توجه به نقایص و ایراداتی که داشته مقرر شده که به همان هیأت تشخیص اعاده شود. ۲- این بخش از دستورالعمل اجرایی معترض عنه بر مبنای مصوبه شماره ۱۱۰۰/۵۲۲۴ - ۱۳۷۸/۵/۶ هیأت مدیره سازمان در مورد ضوابط سطح بندی پرونده های ارجاعی به هیأت های تجدیدنظر و زمان بندی تشکیل هیأت های مذکور در مراکز استان ها پیش بینی و اشاره دارد به اینکه در صورتی که حجم پرونده های ارجاعی به هیأت های تجدیدنظر استانی افزایش یافته و متضمن انتظاری بیش از سه ماه جهت طرح در هیأت تجدیدنظر استان باشد، حسب تشخیص معاونت فنی و درآمد رسیدگی مراتب به هیأت های تجدیدنظر ستاد مرکزی احاله شود و هیچ اشاره ای نموده که پرونده هایی به هیأت تشخیص ستاد مرکز ارسال شود که در اجرای ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، جهت رسیدگی به همان هیأت اعاده می شود.

۳- مضاف بر آن، بند ۵- ۱۱ دستورالعمل مورد اعتراض، با توجه به این موضوع پیش بینی شده که به علت وجود نوعی رقابت بین هیأت های تشخیص استان های همجوار بیم تعلقات اداری و یا اعمال سلاقی می رفت لذا این سازمان بنا به مصالح اداری، فقد مانع قانونی و اختیار ناشی از قوانین و مقررات حاکم، تصمیم بر این گرفت که پرونده هایی که به موجب آراء شعب رسیدگی کننده در دیوان عدالت اداری ضمن نقض رأی هیأت برای رسیدگی به هیأت همعرض ارجاع می شود را در هیأت های تشخیص مطالبات ستاد مرکزی به عنوان هیأت همعرض مورد رسیدگی قرار دهد. موضوعی که با ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و هیچ قانون دیگری مغایرت ندارد. به منظور تبیین بیشتر موضوع عین متن بند ۵- ۱۱ در ذیل می آید: ۵- ۱۱) با توجه به مصوبه شماره ۱۱۰۰/۵۲۲۴ - ۱۳۷۸/۵/۶ هیأت مدیره سازمان، استان هایی که هیأت تجدیدنظر تشخیص مطالبات در آن مستقر شده باید در موارد ذیل پرونده را جهت رسیدگی به هیأت های تجدیدنظر تشخیص مطالبات ستاد مرکزی ارسال نمایند. - پرونده هایی که آراء هیأت تجدیدنظر تشخیص مطالبات آن توسط دیوان عدالت اداری نقض و دستور رسیدگی مجدد صادر شده است. - پرونده هایی که آراء هیأت بدوی تشخیص مطالبات آن مورد اعتراض شعبه یا اداره کل استان ذیربط قرار می گیرد. - پرونده هایی که به دلیل عدم وجود تشکلهای کارفرمایی (اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، مجامع امور صنفی تولیدی یا توزیعی) امکان معرفی نماینده مربوطه وجود ندارد. - پرونده هایی که اداره کل وصول حق بیمه یا اداره کل استان تشخیص دهد.

بنابراین چنان که ملاحظه می فرمایند این بند از دستورالعمل به آن دست از آراء دیوان عدالت اداری اشاره دارد که ضمن نقض رأی هیأت تشخیص دستور رسیدگی مجدد به موضوع صادر شده (نه آراء هیأت ها که دیوان آن را دارای ایراد و یا نقایصی دیده و از این رو به همان هیأت اعاده نموده است). به سخن بهتر با عنایت به این مهم که در مواردی که مرجع قضایی رسیدگی کننده به موضوع پرونده را به همان هیأت اعاده می کند، تا ضمن برطرف کردن نقایص مجدداً رسیدگی نماید. از شدت وضوح ضرورت اجرای رأی قضایی صادره عیناً توسط اداره مربوط، نیازی به توضیح و اباحت نبوده و ارجاع پرونده هایی که ضمن نقض رأی هیأت تشخیص، نظر بر رسیدگی به موضوع توسط هیأت همعرض دارد، منصرف از مواردی است که پرونده ای که قبلاً توسط یکی از هیأت ها رسیدگی شده

شماره ۹۹۰۰۴۰۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ مورخ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۷۳ با موضوع: «ابطال نامه شماره ۲۲۲/۹۰/۶۵۱۰ - ۱۳۹۸/۹/۷ سازمان اداری و استخدامی کشور و بخشنامه شماره ۱۷۹۰۸۹ - ۱۳۹۸/۹/۷ معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ شماره دادنامه: ۱۷۷۳ شماره پرونده: ۹۹۰۰۴۰۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سجاد کریمی پاشاکی

موضوع شکایت و خواسته: ۱- ابطال نامه شماره ۲۲۲/۹۰/۶۵۱۰ - ۱۳۹۸/۹/۷ سازمان اداری و استخدامی کشور ۲- ابطال بخشنامه شماره ۱۷۹۰۸۹ - ۱۳۹۸/۹/۷ معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت کشور

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال نامه شماره ۲۲۲/۹۰/۶۵۱۰ - ۱۳۹۸/۹/۷ سازمان اداری و استخدامی کشور و ابطال بخشنامه شماره ۱۷۹۰۸۹ - ۱۳۹۸/۹/۷ معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «با سلام و احترام، مقنن در فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری، مبنای قانونی حقوق و مزایا و پرداخت آن به کارکنان مشمول در این قانون را مشخص نموده است و بر اساس ماده ۷۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، هرگونه پرداخت به این کارکنان حصر در این فصل گردیده و به جز مستثنیات تصریح شده هرگونه پرداختی که در قوانین سابق تصریح عنوان داشته است نسخ ضمنی نموده است. از جمله پرداختی‌های قانونی مصرح در قانون مدیریت خدمات کشوری بند ۱ ماده ۶۸ یعنی فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته و بدی آب و هوا است که بنا به شرایط مصرح و وفق فهرست تعیینی این مناطق توسط هیأت وزیران به مشمولین پرداخت می‌شود. طرفین شکایت طی مکاتبات معترض عنه با خلط و امتزاج موضوع فهرست مناطق مرزی با فهرست مناطق کمتر توسعه یافته، عملاً مزایای موضوع بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری را برای کلیه مناطق مرزی اعلامی، تسری داده و به عبارتی برخی از مناطق مرزی که وفق تصویب‌نامه هیأت وزیران کمتر توسعه یافته محسوب نمی‌شدند و در فهرست مناطق کمتر توسعه یافته تصریح نشده‌اند را از مزایای مناطق کمتر توسعه یافته بهره‌مند ساخته‌اند و طی مکاتبات معترض عنه دستور به پرداخت فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته به کارمندان لیست مناطق مرزی داده‌اند. این در حالی است که الزاماً هر منطقه مرزی کمتر توسعه یافته محسوب نمی‌شود و مبنای پرداخت این بند می‌بایست لیست مصوب هیأت وزیران با موضوع مناطق کمتر توسعه یافته باشد و نه لیست مناطق مرزی. زیرا در فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری پرداخت حقوق و مزایایی چون حق مرزی پیش‌بینی نشده است و امتزاج آن با مناطق کمتر توسعه یافته نیز برخلاف قانون و در عین تبعیض ناروا موضوع بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی محسوب می‌گردد. علی‌الوجه ابطال دو مکاتبه مذکور را به دلایل مطروحه و مغایرت آنها با بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی از محضر قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خواستار است.»

متن مقرره‌های مورد شکایت به شرح زیر است:

«الف) نامه شماره ۲۲۲/۹۰/۶۵۱۰ - ۱۳۹۸/۹/۷ سازمان اداری و استخدامی کشور: احتراماً بازگشت به نامه شماره ۲۸۰/۴۸۱۹ - ۱۳۹۰/۳/۷ اعلام می‌دارد: فهرست مناطق مرزی طی مصوبه شماره ۲۰۲۷۲/ت/۵۱۵ هـ - ۱۳۷۴/۱/۱۴ هیأت وزیران تعیین گردیده است بنابراین کارمندان شاغل در فهرست مناطق مرزی در مصوبه مذکور می‌توانند از تسهیلات بند ۵ مصوبه شماره ۱۲۰۵۶۹/ت/۴۴۸۰۹ - ۱۳۸۹/۵/۳۱ کارگروه انتقال، معادل فوق‌العاده مناطق محروم و کمتر توسعه یافته با رعایت سایر مقررات بهره‌مند گردند. (ب) بخشنامه شماره ۱۷۹۰۸۹ - ۱۳۹۸/۹/۷:

در ارتباط با دستورالعمل شماره ۱۳۰۹۸۸ - ۱۳۹۸/۷/۲ وزارت متبوع، موضوع آیین‌نامه اجرایی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۶۳ و تعیین نقاط مرزی کشور و با استناد به مصوبه شماره ۴۸۰۹۳/ت/۶۵۶۴۷ - ۱۳۹۱/۴/۷ هیأت وزیران از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱ فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته موضوع مصوبه‌های شماره ۵۱۵/ت/۲۰۲۷۲ - ۱۳۷۴/۱/۱۴ و شماره ۳۶۰۹۵/ت/۷۶۲۹۴ - ۱۳۸۸/۴/۱۰ هیأت وزیران و دستورالعمل تعیین نقاط مرزی وزارت متبوع پیوست نامه صدرالاشاره، به منظور ایجاد وحدت رویه در شیوه اجرا و پرداخت

توسط دستگاه‌های اجرایی کلیه سازمان‌ها و ادارات دولتی مستقر در مناطق مرزی کشور در استان‌های گروه (الف) بخش مرزی و برای گروه (ب) شهرستان مرزی بر اساس مفاد بخشنامه شماره ۲۰۰/۴۱۷۲۲ - ۱۳۸۹/۸/۱۱ سازمان اداری و استخدامی کشور مبنای پرداخت فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته می‌باشد. ضمن اینکه بر اساس تبصره ۱ همین دستورالعمل در استان گیلان کلیه نقاط شهری و روستای تابع شهرستان آستارا نقطه مرزی تعیین شده است.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس مرکز مدیریت عملکرد، بازرسی و امور حقوقی وزارت کشور به موجب لایحه شماره ۶۲۰۶۶ - ۱۳۹۹/۵/۱ نامه شماره ۵۹۶۱۰ - ۱۳۹۹/۴/۲۹ مدیرکل توسعه مدیریت و منابع انسانی وزارت کشور را ارسال کرده است که متن آن به قرار زیر است:

«براساس بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته و بدی آب و هوا برای مشاغل تخصصی که شاغلین آنها دارای مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند تا به میزان ۲۵٪ امتیاز حقوق ثابت و برای سایر مشاغل تا ۲۰٪ حقوق ثابت هر کدام از کارمندان واجد شرایط پرداخت خواهد شد. فهرست این مناطق در هر دوره برنامه پنجساله با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. برابر بند ۱ مصوبه شماره ۷۶۲۹۴/ت/۳۶۰۹۵ هـ - ۱۳۸۸/۴/۱۰ هیأت وزیران، دهستان‌ها و روستاهای موضوع فهرست پیوست این تصویب‌نامه ملاک پرداخت فوق‌العاده کمتر توسعه یافته موضوع بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ می‌باشد و تغییرات آتی تقسیمات کشوری و محدوده آنها تأثیری در تداوم برقراری فوق‌العاده نخواهد داشت و مستند به همان حکم بازنگری و اصلاح در تعیین مناطق بر اساس فرایند پیش‌بینی شده پس از تصویب و ابلاغ قوانین برنامه‌های پنجساله از سوی دولت ابلاغ می‌گردد و پس از ابلاغ قانون برنامه ششم مصوبه مذکور در طول اجرای برنامه ششم تنفیذ شده است. به استناد بند (الف) و (ب) ماده ۱۱۲ قانون برنامه ششم توسعه که مقرر می‌دارد: ستاد کل نیروهای مسلح موظف است محدوده مناطق عملیاتی دفاع مقدس را تا پایان سال اول قانون برنامه به سازمان اعلام نماید که ستاد کل طی نامه شماره ۱۰۱۳۳۳/۲۸ - ۳۶۱۰ - ۱۳۹۶/۹/۲۸ مناطق جنگی را به سازمان برنامه بودجه اعلام نموده است. همچنین برابر مفاد بند (ب) ماده قانونی یاد شده سازمان برنامه بودجه و سازمان اداری مدیریت خدمات کشوری را برای کارکنان شاغل در مناطق از سال اول اجرای قانون برنامه تأمین و اعمال نماید. لذا کارکنان شاغل در مرکز استان‌های آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، ایلام، خوزستان و بوشهر نیز از سقف فوق‌العاده موضوع بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری به موجب ماده قانونی مذکور در قانون برنامه ششم توسعه بهره‌مند می‌گردند. به استناد تبصره ذیل ماده ۵ تصمیم نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور به شماره ۱۲۰۵۶۹/ت/۴۴۸۰۹ - ۱۳۸۹/۵/۳۱ به کارمندان رسمی و پیمانی متقاضی انتقال و همچنین کارمندان مستقر در مناطق مرزی و جزایر ... صددرصد امتیازات موضوع بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری (فوق‌العاده منطقه کمتر توسعه یافته و بدی آب و هوا) پرداخت خواهد شد. لازم به ذکر است مصوبه مورد اشاره تاکنون نسخ ضمنی و صریح و مورد ایراد مراجع قانونی قرار نگرفته است و برای کلیه دستگاه‌های اجرایی لازم‌الاجرا می‌باشد.

با توجه به اینکه در فصل دهم و به خصوص ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری کلیه فوق‌العاده‌های قابل پرداخت به کارکنان و مبنای پرداخت مشخص شده است و خارج از مفاد فصل دهم قانون یاد شده هرگونه پرداختی میسر نیست و وجاهت قانونی ندارد. شاکي در دادخواست ارائه شده به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اذعان نموده که فوق‌العاده مرزی پرداخت شده است. ادعای شاکي مقرون به صحت نبوده و از آنجایی که احتمالاً از صدور احکام کارگزینی اطلاع کافی ندارند. لذا به منظور اثبات ادعای خود یک مورد احکام کارگزینی که فوق‌العاده‌ای تحت عنوان فوق‌العاده مرزی در آن درج شده باشد ارائه نماید. با عنایت به دستورالعمل تعیین شهرها و روستاهای مرزی مستند به ماده ۳۶ آیین‌نامه اجرایی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و قانون اصلاح ماده ۸ قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مبنی بر ابلاغ نقاط جغرافیایی مرزی از سوی وزارت کشور تدوین و ابلاغ شده است. ضمن اینکه از اختیارات این وزارتخانه است که به موجب قانون یاد شده برای وزارت متبوع پیش‌بینی شده است. از آنجایی که نقاط مرزی با توجه به اهمیت آن بر اساس شاخص‌هایی نظیر سطوح مرزی تقسیمات کشوری، کمتر توسعه یافته‌گی، تأثیرپذیری از مرز و مسائل امنیتی در نظر گرفته می‌شود. لذا در راستای نگهداشت نیروی انسانی در نوار مرز کشور به استناد مستندات یاد شده از جمله بند ۱ مستقر در نوار مرزی موضوع مصوبه‌های شماره ۲۰۲۷۲/ت/۵۱۵ هـ - ۱۳۷۴/۱/۱۴ و شماره ۷۶۲۹۴/ت/۳۶۰۹۵ هـ - ۱۳۸۸/۴/۱۰ هیأت وزیران و دستورالعمل تعیین نقاط مرزی وزارت متبوع در نظر گرفته شده است و در قانون مدیریت خدمات کشوری فوق‌العاده‌ای تحت عنوان مرزی پیش‌بینی

نشده است و در احکام کارکنان نیز چنین فوق‌العاده‌ای وجود ندارد و صرفاً فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته در احکام کارگزینی درج و پرداخت می‌گردد. با عنایت به مراتب فوق و عدم صحت ادعای مورد شکایت، رد دادخواست شاکی مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه اولاً: بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۱۳۸۶ مربوط به فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته و بدی آب و هوا می‌باشد که فهرست آن به موجب تصویب‌نامه شماره ۷۶۲۹۴/ت/۳۶۰۹۵ هـ - ۱۳۸۸/۴/۱۰ هیأت وزیران تعیین شده است و متفاوت از فهرست مناطق مرزی موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۲۷۲/ت/۵۱۵ - ۱۳۷۴/۱/۱۴ هیأت وزیران است. ثانیاً: به موجب ماده ۷۸ قانون مذکور کلیه میانی پرداخت خارج از ضوابط و مقررات فصل دهم آن قانون لغو گردیده است و فوق‌العاده‌ای جهت خدمت در مناطق مرزی در حال حاضر در قوانین وجود ندارد (هر چند ممکن است برخی از مناطق مرزی به علت کمتر توسعه یافته بودن مشمول بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری باشند). ثالثاً: تبصره بند ۵ مصوبه ۱۲۰۵۶۹/ت/۳۶۰۹۵ - ۱۳۸۹/۵/۳۱ نمایندگان ویژه رییس‌جمهور در کارگروه انتقال کارکنان دولت از شهر تهران که مقرر داشته ۱۰۰ درصد پرداخت فوق‌العاده مناطق کمتر توسعه یافته و بدی آب و هوا را به کارکنان متقاضی انتقال و همچنین کارمندان مستقر در مناطق مرزی پرداخت شود، مستند به اصل ۱۷۰ قانون اساسی به جهت مغایرت با قانون قابل ترتیب اثر دادن نمی‌باشد، بنابراین مقرره‌های مورد شکایت به جهت اینکه مناطق مرزی را صرف نظر از اینکه جزء فهرست مناطق کمتر توسعه یافته و بدی آب و هوا باشند یا خیر، مشمول دریافت حداکثر فوق‌العاده مذکور در بند ۱ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری دانسته‌اند، مغایر با قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۳۶۳۴

۱۳۹۹/۱۲/۱۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ مورخ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۷۷۶ با موضوع: «ابطال مصوبه شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۶۵۴۰ هـ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت وزیران و ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - حوزه معاونت بیمه سازمان تأمین اجتماعی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ شماره دادنامه: ۱۷۷۶ شماره پرونده: ۹۸۰۳۶۳۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۶۵۴۰ هـ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت وزیران (در خصوص اصلاح ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم) و ابطال بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - حوزه معاونت بیمه سازمان تأمین اجتماعی موضوع بخشودگی جرایم کارفرمایان خوش حساب

گرددش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۳۰۰/۲۳۷۸۶۵ - ۱۳۹۸/۹/۲۷ اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند در «بررسی عملکرد واحدهای اجرائیات شعب شهرستان‌های ساری، قائم‌شهر، سوادکوه شمالی و سوادکوه تأمین اجتماعی استان مازندران طی ۳ سال اخیر» ملاحظه شده است: هیأت وزیران اصلاحیه‌ای به شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۶۵۴۰ هـ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ (موضوع ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم و تصویب‌نامه شماره ۳۲۹۹۲/ت/۵۳۱۹۱ هـ - ۱۳۹۵/۳/۲۲ و اصلاحات

بعدی آن) تصویب نموده است. با تطبیق این اصلاحیه با قانون مشخص شده است که مصوبه مورد بحث مغایر با مفاد مصرحه در ماده ۱۳ قانون مذکور می‌باشد. به این توضیح که هیأت وزیران طی اصلاحیه شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۶۵۴۰ هـ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم و تصویب‌نامه شماره ۳۲۹۹۲/ت/۵۳۱۹۱ هـ - ۱۳۹۵/۳/۲۲ و اصلاحات بعدی آن را به شرح ذیل مصوب نموده است: «کارفرمایان کارگاه‌های مشمول با تأیید ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن در صورتی که «جرایم» متعلقه آنها ... از بخشودگی جرایم متعلقه موضوع این آیین‌نامه برخوردار خواهند شد.»

در این راستا سازمان تأمین اجتماعی در بند ۳ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ موضوع بخشودگی جرایم کارفرمایان خوش حساب اشعار داشته است: «اخذ تأییدیه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن علاوه بر دیگر دلایل ارزی جهت برخورداری از بخشودگی مقرر در این مصوبه الزامی است». از این رو به واسطه ایجاد محدودیت و تکلیف مضاعف برای کارفرمایان مبنی بر اخذ تأییدیه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن، مغایر با نص صریح قانون مذکور می‌باشد. بنابراین الزام کارفرما به اخذ تأییدیه از نهاد دیگر (ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن) خارج از صلاحیت و اختیارات تصویب‌کنندگان آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون مذکور می‌باشد. به عبارتی با توجه به بخشنامه جدید سازمان تأمین اجتماعی:

اولاً: به درخواست کارفرما همراه با دلایل ارزی از سوی کارفرما جهت برخورداری از مقرره مندرج در ماده ۱۳ قانون مورد بحث، بدون اخذ تأییدیه موصوف در سازمان تأمین اجتماعی ترتیب اثری داده نمی‌شود.

ثانیاً: با توجه به تعدد موضوعات ارجاعی (دلایل ارزی وقوع بحران اقتصادی برای کارفرمایان) به کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان مازندران که به عنوان مثال مستنداً به بند ۸ مصوبه شماره ۷۰۱/۴۰۴۷۴ - ۱۳۹۸/۵/۲۲ آن کارگروه تعداد ۸۰۲ فقره قرائت و مورد تأیید قرار گرفت. امکان رسیدگی و احراز دلایل بحران خارج از اختیار کارفرما محل تردید می‌باشد.

ثالثاً: با توجه به تعدد موضوعات ارجاعی، کارگروه استانی نسبت به تفویض اختیار ناشی از مقرره مزبور به کارگروه متناظر شهرستانی نموده است، تا نهاد اخیرالذکر نسبت به صدور تأییدیه دلایل ارزی جهت برخورداری از بخشودگی مقرر اقدام نماید. در حالی که وفق تصویب‌نامه شماره ۱۸۱۵۱/ت/۵۵۰۷۲۰ هـ - ۱۳۹۴/۲/۱۹ تاسیس نهاد اخیرالذکر مبنای قانونی ندارد.

بنا به مراتب اصلاحیه شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۶۵۴۰ هـ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت وزیران و بند ۳ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ موضوع بخشودگی جرایم کارفرمایان خوش حساب مبنی بر لزوم اخذ تأییدیه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن با نص صریح ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور در تغایر بوده و ابطال آنها (به صورت فوق‌العاده و خارج از نوبت) در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورد درخواست می‌باشد. مزید امتنان است دستور فرمایید از نتیجه اقدام و تصمیمات متخذه این سازمان را مطلع نمایند.»

متن مقرره مورد شکایت به شرح زیر است:

«الف: مصوبه شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۶۵۴۰ هـ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت وزیران (درخصوص اصلاح ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین

نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم): ماده ۴ - کارفرمایان کارگاه‌های مشمول با تأیید ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن، در صورتی که جرایم متعلقه آنها مربوط به قبل از تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ باشد، چنانچه حداکثر تا سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این تصویب‌نامه در مورد پرداخت و یا تقسیط اصل بدهی قطعی شده براساس مدارک و مستندات ارزی، با سازمان تأمین اجتماعی توافق نمایند، از بخشودگی جرایم متعلقه موضوع این آیین‌نامه برخوردار خواهند شد. در خصوص آن دسته از کارگاه‌های مشمول که بعد از تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ به علت بروز یکی از موضوعات دلایل ارزی مشمول شده‌اند، مهلت ارایه مدارک به سازمان یاد شده تا سه ماه پس از وقوع دلایل مزبور خواهد بود. - معاون اول رئیس‌جمهور

ب: بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ حوزه معاونت بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی موضوع بخشودگی جرایم کارفرمایان خوش حساب (تمدید آیین‌نامه):

۲- اخذ تأییدیه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن علاوه بر دیگر دلایل ارزی جهت برخورداری از بخشودگی مقرر در این مصوبه الزامی است. - سرپرست سازمان تأمین اجتماعی»

اجرائی آن بعد از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸/۲/۱۵ وجاهت ندارد و کارفرمایان مشمول حکم قانون نسخ شده نیز مستندی برای ارائه مدارک و مستندات مربوط به سازمان تأمین اجتماعی به منظور برخورداری از امتیاز یاد شده ندارند.

۵ - بر اساس بخش دوم نظریه یاد شده نیز مقرر گردیده «با توجه به اینکه مطابق ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و ... مصوب ۱۳۹۵/۳/۲۲ مقرر شده «کارفرمایان کارگاه‌های مشمول که دارای بدهی حق بیمه و بیمه بیکاری در دوره موضوع دلایل ارزی می‌باشند در صورتی که برابر ماده ۴ این آیین‌نامه با سازمان تأمین اجتماعی توافق نمایند می‌توانند از بخشودگی ... برخوردار شوند» و در ماده ۴ اصلاحی این آیین‌نامه نیز شرط نهایی برخورداری از معافیت یاد شده توافق کارفرما با سازمان تأمین اجتماعی اعلام شده، بنابراین در صورتی که تا قبل از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و ... مصوب ۱۳۹۸/۲/۱۵ توافقی بین طرفین حاصل شده باشد هر چند هنوز عملاً بخشودگی انجام نشده باشد، این توافق معتبر و اجرایی است». به استناد ماده ۲۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸/۲/۱۵ مبنی بر نسخ صریح ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم و به تبع آن نسخ آیین‌نامه اجرایی ماده مذکور و توجه به نظریه امور هماهنگی و رفع اختلافات حقوقی دستگاه‌های اجرایی معاونت حقوقی ریاست جمهوری، سازمان تأمین اجتماعی مبادرت به تنظیم بخشنامه موضوع بخشودگی جرایم حق بیمه کارفرمایان خوش حساب طی شماره ۱۰۰۰/۹۸/۱۲۶۴۳ - ۱۳۹۸/۱۰/۱۷ نموده است بنابراین با عنایت به ماده ۲۴ قانون اخیرالتصویب و اینکه ماده ۱۳ آن که ناظر بر قابلیت بخشودگی تمام یا قسمتی از جریمه‌های مقرر در قانون تأمین اجتماعی است، نسخ صریح شده است و با صدور بخشنامه یاد شده بند ۳ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ (بخشنامه معترض عنه) لغو و بی‌اثر شده است لذا مطابق ماده ۸۵ قانون دیوان عدالت اداری موجبی جهت رسیدگی به مصوبه و بخشنامه منسوخه وجود ندارد و از این حیث شکایت مطروحه محکوم به رد می‌باشد.

۶ - سازمان بازرسی کل کشور در شکایت مطروحه اظهار داشته که اصلاحیه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ - ۵۵۶۵۴۰ هیأت وزیران و بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ موضوع بخشودگی جرایم کارفرمایان خوش حساب مبنی بر لزوم اخذ تأییدیه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن با نص صریح ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور درتغایر بوده و تقاضای ابطال آنها را دارد. در این ارتباط لازم به توضیح است که استنباط شاکی از ماده ۱۳ قانون مذکور به دلایل ذیل صحیح نمی‌باشد. ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و ... مصوب ۱۳۹۱/۵/۱ مقرر داشته «تمام یا قسمتی از جریمه‌های مقرر در قانون تأمین اجتماعی بنا به درخواست کارفرما و با توجه به دلایل ارزی مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و با در نظر گرفتن سوابق گذشته و خوش حسابی واحد تولیدی، صنعتی و معدنی و به تشخیص و موافقت سازمان تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۷/۴/۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قابل بخشودگی است، آیین‌نامه اجرایی این ماده به وسیله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و دو ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

با عنایت به مفاد ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر و اینکه بخشودگی جرایم کارفرمایان خوش حساب بنا به درخواست کارفرما و با توجه به دلایل ارزی مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و با در نظر گرفتن سوابق گذشته و خوش حسابی واحد تولیدی، صنعتی و معدنی و به تشخیص موافقت سازمان تأمین اجتماعی، قابل بخشودگی است بنابراین ملاحظه می‌فرمایید که کارگاه‌های مشمول در ماده یاد شده، واحدهای فعال تولیدی، صنعتی و معدنی است که تشخیص شمول فعالیت تولیدی و صنعتی و معدنی بر اساس مجوزهای صادره از سوی مراجع ذیربط و عمده فعالیت عملی واحد به تشخیص و موافقت سازمان خواهد بود و همچنین دلایل ارزی کارفرما با ارائه مدارک و مستندات مبنی بر خارج از اختیار بودن و بروز حوادث غیرمترقبه خارج از اراده که مانع انجام تکالیف مقرر شده است از قبیل: سیل، برف، تگرگ، سرمازدگی، آتش‌سوزی غیرعمدی، زلزله و نظایر آن و آثار مالی تحریم‌های اقتصادی ظالمانه و نوسانات ارزی که تأثیر مستقیم در فعالیت‌ها و تولیدات کارگاه‌های مشمول داشته که تهیه بخش عمده مواد اولیه و قطعات و لوازم مورد استفاده آنان بر اساس ارز خارجی صورت گرفته باشد و طی دوره مشخص منجر به تعطیلی

در پاسخ به شکایت مذکور مدیرکل امور حقوقی و قوانین سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۷۱۰۰/۹۸/۷۶۹۶ - ۱۳۹۸/۱۲/۱۲ توضیح داده است که:

۱- بر اساس ماده ۱۳ قانون استفاده از حداکثر توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۱/۵/۱ مقرر گردید، تمام یا قسمتی از جریمه‌های مقرر در قانون تأمین اجتماعی بنا به درخواست کارفرما و با توجه به دلایل ارزی مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و با در نظر گرفتن سوابق گذشته و خوش حسابی واحد تولیدی، صنعتی و معدنی و به تشخیص و موافقت سازمان تأمین اجتماعی بر اساس بندهای ذیل ماده ۲ قانون اصلاح قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۷/۴/۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام قابل بخشودگی است. آیین‌نامه اجرایی این ماده به وسیله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و دو ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. با عنایت به مفاد ماده یاد شده و اینکه تمام یا قسمتی از جریمه‌های مقرر در قانون تأمین اجتماعی را بنا به درخواست کارفرما و با توجه به دلایل ارزی مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف و با در نظر گرفتن سوابق گذشته و خوش حسابی واحد تولیدی، صنعتی و معدنی مشمول بخشودگی جرایم قرار خواهد گرفت در ادامه آیین‌نامه اجرایی ماده یاد شده توسط هیأت وزیران به شماره ۳۲۹۹۲/ت/۵۵۳۱۹۱ - ۱۳۹۵/۳/۱۲ به تصویب رسیده و بر اساس آن شرایط اعمال بخشودگی و مهلت استفاده از مزایای قانون مذکور تعیین شده است پس از تمدید مهلت اجرای قانون مذکور در سنوات گذشته، هیأت وزیران مبادرت به تصویب مصوبه شماره ۲۰/۱۹۱ - ۵۵۶۵۴۰/ت/۲۴ - ۱۳۹۸/۴/۲۴ نمود.

۲- هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۸/۲/۲۲ به پیشنهاد شماره ۶۰/۴۷۲۷۳ - ۱۳۹۸/۲/۱۵ و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبادرت به تصویب مصوبه ۲۰/۱۹۱ - ۵۵۶۵۴۰/ت/۲۴ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ نمود که بر اساس آن ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون، مالیات مستقیم موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۳۹۹۲/ت/۵۳۱۹۱ - ۱۳۹۵/۲/۲۲ و اصلاحات بعدی آن به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

ماده ۴- کارفرمایان کارگاه‌های مشمول با تأیید ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن، در صورتی که جرایم متعلقه آنها مربوط به قبل از تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ باشد چنانچه حداکثر تا سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این تصویب‌نامه در مورد پرداخت و یا تقسیط اصل بدهی قطعی شده بر اساس مدارک و مستندات ارزی، با سازمان تأمین اجتماعی توافق نمایند از بخشودگی جرایم متعلقه موضوع این آیین‌نامه برخوردار خواهند شد. در خصوص آن دسته از کارگاه‌های مشمول که بعد از تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ به علت بروز یکی از موضوعات دلایل ارزی مشمول شده‌اند، مهلت ارائه مدارک به سازمان یاد شده تا ۳ ماه پس از وقوع دلایل مزبور خواهد بود. با عنایت به مصوبه یاد شده و اینکه ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون یاد شده را اصلاح و مهلت درخواست بخشودگی جرایم حق بیمه مربوط به قبل از ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ را حداکثر تا سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن مصوبه ۱۳۹۸/۶/۱۳ تعیین نموده است.

۳- در ادامه پیرو صدور این مصوبه سازمان تأمین اجتماعی مراتب را طی بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ به ادارات کل استان‌ها ابلاغ نموده است که از تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۶ اجرایی شده است و در بند ۳ بخشنامه مذکور (معترض عنه) مقرر گردیده زمان اجرای این مصوبه از تاریخ ۱۳۹۸/۳/۱۳ به مدت ۳ ماه خواهد بود که این بند عیناً و مطابق ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون یاد شده تنظیم و به مرحله اجرا درآمده است.

۴- پس از اجرای آیین‌نامه مذکور قانون حداکثر توان تولیدی و خدماتی ... در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۴ اصلاح گردید که به موجب ماده ۲۴ آن مقرر گردیده از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون کلیه مواد قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۱/۵/۱» به جز ماده ۱۲ آن نسخ می‌شود. مطابق ماده ۲۴ قانون یاد شده کلیه مواد قانون قبلی به جز ماده ۱۲ آن نسخ صریح شده است در این راستا موضوع از معاون امور حقوقی معاونت حقوقی رئیس‌جمهور اعلام گردید که در نهایت امور هماهنگی و رفع اختلاف حقوقی دستگاه‌های اجرایی معاونت حقوقی ریاست جمهوری طی نامه شماره ۴۰۸۲۷/۱۱۴۴۶۶ - ۱۳۹۸/۹/۱۰ اعلام نموده «به طور مسلم با تصویب قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸/۲/۱۵ به ویژه با توجه به ماده ۲۴ آن کلیه مواد قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و ... مصوب سال ۱۳۹۱ (به جز ماده ۱۲ آن) و از جمله ماده ۱۳ آن که ناظر بر قابلیت بخشودگی تمام یا قسمتی از جریمه‌های مقرر در قانون تأمین اجتماعی است، نسخ صریح شده است. لذا هرگونه تصمیم‌گیری جدید بر مبنای ماده یاد شده و آیین‌نامه

راه اندازی طرح‌های نیمه تمام، تأمین مالی، تعیین تکلیف بدهی‌های معوق و همچنین رفع مشکلات مرتبط با محیط زیست، منابع طبیعی و معادن و رفع موانع صادرات، به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به ایجاد (ستاد تسهیل و رفع موانع تولید) به ریاست وزیر صنعت، معدن و تجارت اقدام کند. وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، آیین‌نامه اجرایی لازم را با مشورت شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی در چارچوب اختیارات قانونی تهیه کرده و به تصویب هیأت وزیران برساند. تبصره - در راستای وظایف ستاد، در هر استان (کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید) به ریاست استاندار و تحت نظارت و سازماندهی ستاد تسهیل و رفع موانع تولید انجام وظیفه می‌کند... بنابراین چنان که ملاحظه می‌شود «ستاد تسهیل و رفع موانع تولید» و «کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید» به تجویز و بلکه با تکلیف مقرر از سوی قانونگذار ایجاد شده و به عنوان ساختارهایی قانونی، عهده‌دار وظایف حاکمیتی مقرر در قانون شده‌اند. بر این اساس تصمیم هیأت وزیران در اصلاح ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون یاد شده و اناطه تصمیم‌گیری در خصوص بخشودگی جرایم کارفرمایان کارگاه‌های مشمول به «تأیید ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن» کاملاً مبتنی بر حکم قانونگذار در ماده ۶۱ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور بوده و به بیان دقیق‌تر در مقام تصویب‌نامه مورد شکایت به هیچ وجه مغایرتی با قوانین موضوعه نداشته بلکه در راستای امتثال حکم قانونگذار و درعمل به تکلیف قانونی مندرج در قانون یاد شده وضع و مقرر گردیده است، لذا اتخاذتصمیم شایسته دایر بر رد شکایت مطروحه مورد تقاضاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به این که اولاً: تصویب‌نامه و بخشنامه مورد اعتراض در دوران لازم‌الاجرا بودن و پیش از نسخ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور مصوب ۱۳۹۱ صادر شده است. ثانیاً: «ستاد تسهیل و رفع موانع تولید» مطابق قانون الحاق موادی به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۷/۲/۳۰ ایجاد شده است، لذا الزام به اخذ تأییدیه از این ستاد جهت بهره‌مندی از مزایای ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور به ویژه برای دوره ماقبل تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ که اساساً ستاد وجود نداشته است شرطی اضافه بر شروط مورد نظر قانونگذار در ماده مذکور بوده و تصویب آن از شئون مقنن محسوب می‌شود و درج آن در تصویب‌نامه هیأت وزیران مغایر قانون است. ثالثاً: محدود ساختن مهلت استفاده از مزیت مندرج در ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور به سه ماه، با توجه به عدم ذکر این مدت در قانون مذکور، از شئون مقنن تلقی می‌شود و درج آن در مقررات مورد اعتراض تضییق دامنه قانون و مغایر آن قلمداد می‌شود. بنا به مراتب مذکور مصوبه شماره ۱۳۹۹/۲/۲۴ - ۵۵۶۵۴۰/ت/۲۰۱۹۱ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت وزیران و بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ حوزه معاونت بیمه سازمان تأمین اجتماعی مغایر قانون و خارج از حدود اختیار وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

۱۳۹۹/۱۲/۱۹

شماره ۹۸۰۳۹۷۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۳۹۷۰-۹۹۷۰-۹۹۷۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ با موضوع: «ابطال ردیف ۴ الی ۹ از جدول بند یک، مصوبه شماره ۱۸-۵/۳/۵/۹۸/۱۰-۱۳۹۸/۵/۶ - شورای اسلامی شهر کرج از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۲ شماره دادنامه: ۱۸۰۸ شماره پرونده: ۹۸۰۳۹۷۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای ایمان قوامی فرد

موقت یا رکود فعالیت یا نیمه فعال شدن آنها شده است که پذیرش دلایل غیرارادی از سوی کمیته‌های ذیربط سازمان در خصوص حوادث غیرمترقبه و بلایای طبیعی با ارائه مدارک از سوی مدیریت بحران کشور و استانداری‌ها و سایر مراجع قانونی ذیصلاح صورت می‌پذیرد و همچنین تشخیص آثار تحریم‌های اقتصادی واحدهای مشمول بر اساس مستندات ارائه شده از سوی بانک مرکزی وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر مراجع ذیربط و کمیته‌های ذیربط سازمان می‌باشد لذا مراتب فوق و ماده ۱۳ قانون یاد شده می‌بایستی دلایل ابرازی کارفرما مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر مستلزم بررسی مدارک و مستندات می‌باشد که این امر طی فرایند فوق بررسی و در صورت انطباق با ماده یاد شده درخواست مذکور قابل بخشودگی است.

با عنایت به مراتب فوق ملاحظه می‌فرمایید که اصلاحیه شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۵۶۵۴۰ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت وزیران و بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۸/۴۱۸۱ - ۱۳۹۸/۳/۲۶ موضوع بخشودگی جرایم کارفرمایان خوش حساب مبنی بر لزوم اخذ تأییدیه ستاد تسهیل و رفع موانع و کارگروه‌های استانی آن در راستای ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور بوده و هیچ مغایرتی با آن ندارد و از این حیث خواسته شاکي قابل رد می‌باشد. لذا با عنایت به مراتب فوق و اینکه با استناد ماده ۲۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸/۲/۱۵ و با توجه به ماده ۲۴ آن کلیه مواد قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و ... مصوب سال ۱۳۹۱ به جز ماده ۱۲ آن و از جمله ماده ۱۳ آن نسخ صریح شده است و نیز سازمان با صدور بخشنامه ۱۳۹۸/۱۰/۱۷ - ۱۰۰۰/۹۸/۱۲۶۴۳ بند ۳ بخشنامه معترض عنه لغو و بی‌اثر شده است لذا مطابق ماده ۸۵ قانون دیوان عدالت اداری موجبی جهت رسیدگی به مصوبه و بخشنامه منسوخه وجود ندارد. تقاضای رسیدگی و رد شکایت مطروحه مورد استدعاست ضمناً با عنایت به اینکه بر اساس تشریح به عمل آمده در بند ۶ دفاعیات ماهوی اصلاحیه شماره ۲۰۱۹۱/ت/۵۵۶۵۴۰ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ هیأت وزیران و بند ۲ بخشنامه معترض عنه موضوع بخشودگی جرایم کارفرمایان خوش حساب مبنی بر لزوم اخذ تأییدیه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن در راستای ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور بوده و هیچ مغایرتی با آن ندارد، لذا تقاضای رسیدگی و رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.»

همچنین معاون امور حقوقی دولت (حوزه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور) به موجب لایحه شماره ۱۳۱۱/م/۹۹/۴۲۰۷۰ - ۱۳۹۹/۳/۳ در پاسخ به شکایت مذکور توضیح داده است که: «۱- تصویب‌نامه مورد شکایت در مقام اصلاح ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأسیس نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم (موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۲۹۹۲/ت/۵۳۱۹۱ - ۱۳۹۵/۳/۲۲) به تصویب هیأت وزیران رسیده است. سازمان بازرسی کل کشور در شرح درخواست خود با بیان اینکه قید «تأیید ستاد تسهیل و رفع موانع تولید و کارگروه‌های استانی آن» که در اصلاحیه ماده ۴ آیین‌نامه یاد شده افزوده شده است، در تغایر با ماده ۱۳ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد، خواستار ابطال تصویب‌نامه مورد شکایت شده است. این در حالی است که به موجب ماده ۲۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» مصوب ۱۳۹۸/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی چنین مقرر گردیده است: «ماده ۲۴- از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون کلیه مواد قانون (حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۱/۵/۱) به جز ماده ۱۲ آن نسخ می‌شود.» بنابراین سازمان بازرسی کل کشور ادعای مغایرت تصویب‌نامه هیأت وزیران با قانونی را مطرح می‌کند که اساساً نسخ صریح شده و فاقد حیات حقوقی و اعتبار در نظام حقوقی کشور است. در نتیجه با عنایت به عدم حصول مراتب واقعی مغایرت در حال حاضر ادعای مطروح منتفی بوده و قابلیت رسیدگی و اتخاذ تصمیم را ندارد.

۲- به فرض اینکه منظور از درخواست ابطال تصویب‌نامه هیأت وزیران اعلام بی‌اعتباری آن در بازه زمانی تصویب ۱۳۹۸/۲/۲۴ تا زمان لازم‌الاجرا شدن قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی (که با توجه به انتشار آن در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۳۱ در روزنامه رسمی و با لحاظ موعد ۱۵ روزه مقرر در ماده ۲ قانون مدنی ۱۳۹۸/۴/۱۵) است، باز هم تصمیم هیأت وزیران مطابق با موازین قانونی موجود در کشور در هنگام تصویب بوده و خدشهای بدان وارد نیست. چرا که به موجب ماده ۶۱ قانون الحاق موادی به قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۷/۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی مقرر شده است: «ماده ۶۱ - به منظور بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص حل و فصل مشکلات واحدهای تولیدی به ویژه در موارد مربوط به تکمیل و

قانون برنامه پنجم توسعه، اخذ هرگونه وجه، کالا و خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی منوط به تجویز قانونگذار گردیده است لذا اخذ مبالغ مندرج در مصوبه معترض به خارج از موازین و مقررات قانونی می‌باشد.

ب- ردیف‌های ۲ بندهای ۲ و ۳ مصوبه معترض به: حسب بندهای ۲ و ۳ مصوبه معترض به تحت عنوان پذیرش و دفن پسماندهای عادی در مرکز دفن دره حلقه و پذیرش در ایستگاه انتقال، انتقال و دفن پسماندهای عادی در مرکز دفن دره حلقه که به تصویب نهایی رسیده است، در قالب جدولی تحت نوع خدمات که در ردیف ۲ آن هزینه توزین مقرر گردیده است به ازای هر سرویس مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال تعیین گردیده است که بنا به دلایل ذیل‌الذکر شایسته ابطال است.

۱- مغایرت با قانون مدیریت پسماندها: حسب شق (ج) بند ۵ ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها، مدیریت اجرایی پسماند را که طبق ماده ۸ مناط و ملاک اخذ هزینه تلقی گردیده است، شامل برنامه‌ریزی، ساماندهی، مراقبت و عملیات اجرایی مربوط به تولید، جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، جداسازی، حمل و نقل، بازیافت، پردازش و دفع پسماند و آموزش و اطلاع‌رسانی تعریف نموده است و توزین در آن به عنوان خدمتی مستقل، بیان نگردیده است. کما اینکه کلیه عملیات فوق مشمول یک خدمت بوده و تحت عنوان مدیریت اجرایی پسماند تلقی می‌گردند و توزین پسماند جزئی از فرایند مدیریت پسماند بوده که هزینه آن یک بار قابل وصول است و طبق اصل منع دریافت عوارض مضاعف یا مجدد به واسطه ارائه یک خدمت معین، نایستی هزینه امری را که جزء فرایند مدیریت پسماند است مجدداً محاسبه و دریافت نمود.

۲- مغایرت با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: توجهاً به دادنامه‌های صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۱۲۹۹ - ۱۳۸۶/۱۱/۹ و ۲۱۰ - ۱۳۹۵/۳/۱۸ که دلالت بر منع دریافت عوارض مضاعف یا مجدد به واسطه ارائه یک خدمت معین دارند، چه تحت عنوان عوارض یا با تغییر عنوان آن به بهای خدمات جایز نیست چرا که خدمت معین است و نمی‌تواند از دو جهت ملاک اخذ وجوه قرار گیرد. مضافاً اینکه طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه، اخذ هرگونه وجه کالا و خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی منوط به تجویز قانونگذار گردیده است و طبق اصل عدم زیاده اصل بر عدم دریافت وجوه مازاد می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد نمی‌توان یک بار برای خدمات نهایی ارائه شده و یک بار برای اموری که در فرایند و چرخه تمامیت و کل آن خدمات نقش زمینه‌ای یا واسطه‌ای دارند وجوه را اخذ نمود چرا که خدمت معین قابل تفکیک به اجزای مختلفی که هر یک ملاک اخذ وجوه به صورت مستقل قرار گیرند نمی‌باشد.

ج - تبصره ۸ مصوبه معترض به: حسب تصره ۸ مصوبه معترض به مقرر گردیده است «به شهرداری کرج اجازه داده می‌شود با انتخاب کارگزار واجد صلاحیت و با استفاده از نیروهای انسانی سازمان مدیریت پسماند به جهت اخذ بهای خدمات مدیریت پسماند با رعایت تشریفات و تعرفه‌های قانونی تا سقف ۵ درصد از بهای وصول شده را بابت تشویق و پاداش به کارکنان و کارگزار ذریبط (به صورت آزمایشی) به مدت یک سال هزینه نماید.»

۱- مغایرت با قانون مدیریت پسماندها: طبق ماده ۸ قانون مدیریت پسماندها که پیشتر به آن اشاره شد مدیریت اجرایی می‌تواند هزینه‌های مدیریت پسماند را از تولیدکننده پسماند با تعرفه‌ای که طبق دستورالعمل وزارت کشور توسط شوراهای اسلامی بر حسب نوع پسماند تعیین می‌شود دریافت نموده و فقط صرف هزینه‌های مدیریت پسماند نماید. توجهاً به قید قانونگذار پیرامون صرف وجوه در خصوص هزینه‌های مدیریت پسماند و نیز نظر به اینکه شق (ج) بند ۵ ماده ۲ قانون مدیریت پسماندها، مدیریت اجرایی پسماند را شامل برنامه‌ریزی، ساماندهی، مراقبت و عملیات اجرایی مربوط به تولید، جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، جداسازی، حمل و نقل، بازیافت، پردازش و دفع پسماند و آموزش و اطلاع‌رسانی تعریف نموده است و تشویق و پاداش مقرر جزء هیچ یک از موارد و چرخه مدیریت پسماند تلقی نمی‌شود و نیز عطف عنایت به قید کلمه «فقط» توسط قانونگذار که دلالت بر حصر دارد و مفهوم آن حجت است. لذا هزینه کرد وجوه ماخوذه در مورد هزینه‌های مدیریت پسماند جایز نمی‌باشد.

۲- مغایرت با قانون اساسی: نظر به اینکه وضع قاعده در خصوص پرداخت پاداش و تشویقی خارج از صلاحیت شورای شهر مصرح در ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و اصل ۱۳۷۵ می‌باشد و همچنین طبق اصل ۱۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصمیمات شوراها نباید مخالف قوانین کشور باشد و از طرف دیگر بر اساس اصل ۵۲ قانون اساسی کلیه پرداخت‌ها می‌باید مطابق قانون باشد که در قوانین نیز اجازه‌ای در خصوص پرداخت پاداش به کارگزار و نیروی انسانی پسماند وجود ندارد. لذا از این نظر برخلاف قانون و خارج از صلاحیت شورای اسلامی شهر می‌باشد.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ردیف‌های ۴ الی ۹ از جدول بند یک، مصوبه شماره ۱۳۹۸/۵/۶ - ۵/۳/۵/۹۸/۱۰۱۸ شورای اسلامی شهر کرج تحت عنوان هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز پسماندها

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال ردیف‌های ۴ الی ۹ از جدول بند یک و بندهای ۲ و ۳ از ردیف دوم و همچنین تبصره ۸ مصوبه شماره ۱۳۹۸/۵/۶ - ۵/۳/۵/۹۸/۱۰۱۸ شورای اسلامی شهر کرج را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «احتراماً به استحضار می‌رساند نظر به اینکه قسمت‌هایی از مصوبه شورای اسلامی شهر کرج به شماره مندرج در ستون موضوع شکایت برخلاف قانون و خارج از حدود اختیار تصویب گردیده است بدین وسیله تقاضای ابطال آن را مشروحاً به تفصیل مرقوم ذیل‌الذکر می‌نمایم.

الف - ردیف‌های ۴ الی ۹ بند ۱ مصوبه معترض به: حسب بند ۱ مصوبه معترض به تحت عنوان مصوبات پیشنهادی پسماند عمرانی و ساختمانی که به تصویب نهایی رسیده است، در قالب جدولی تحت عنوان خسارت، ردیف‌های ۴ الی ۹ را در خصوص هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز پسماندها و استفاده از خودروی غیرمجاز جهت انتقال پسماندها و نیز عدم اخذ مجوز حمل پسماندهای عمرانی و ساختمانی با لحاظ افزایش دو و سه برابری در صورت تکرار به صورت جریمه به وسیله پرداخت‌کننده پیمانکار تصویب نموده است که به دلایل ذیل واجد ایراد بوده و شایسته ابطال می‌باشد:

۱- مغایرت با قانون مدیریت پسماندها:

۱-۱- طبق ماده ۸ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۳/۹ مدیریت اجرایی می‌تواند هزینه‌های مدیریت پسماند را از تولیدکننده پسماند با تعرفه‌ای که طبق دستورالعمل وزارت کشور توسط شوراهای اسلامی بر حسب نوع پسماند تعیین می‌شود دریافت نموده و فقط صرف هزینه‌های مدیریت پسماند نماید. همان گونه که مشهود است قانون فوق‌الاشاره جواز اخذ هزینه‌های مدیریت پسماند را از تولیدکننده پسماند تجویز نموده در حالی که در ردیف‌های معترض به، آن را متوجه پیمانکار نموده است که مسلماً فرد تولیدکننده نمی‌باشد و خود دارای قرارداد با شهرداری است و حدود مسئولیت وی در قرارداد معین شده و مشمول ضمانت اجرای قراردادی است. همچنین با توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت و تفاوت شخصیت مودی و نیز نظر به اینکه اصل برائت از تکلیف می‌باشد و در قانون، مسئولیتی برای پیمانکار در این خصوص تعیین نگردیده است لذا ایجاد مسئولیت برای پیمانکار خلاف قانون و خارج از اختیار شورا می‌باشد.

۱-۲- طبق ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماند جهت تخلف از مفاد قانون جزای نقدی تعیین گردیده است که علاوه بر آن وفق ماده ۱۹ قانون مزبور در تمام جرایم ارتكابی مذور مرجع قضایی مرتکبین راعلاوه بر پرداخت جریمه به نفع صندوق دولت به پرداخت خسارت به اشخاص با جبران خسارت وارده یا به درخواست دستگاه مسئول محکوم خواهد نمود. همچنین وفق ماده ۲۰ قانون مال‌الذکر خودروهای تخلیه‌کننده پسماند در اماکن غیرمجاز به یک تا ده هفته توقیف محکوم می‌شوند. نظر به اینکه طبق مواد مرقوم در خصوص تخلف از قانون جزای نقدی مقرر گردیده و ایضاً در خصوص پرداخت خسارت نیز تعیین تکلیف گردیده است وضع هزینه جبران خسارت با قید جریمه در صورت تکرار، با توجه به مواد قانونی و منع مطالبه عوارض مضاعف فاقد توجیه می‌باشد. توجهاً به اینکه طبق ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان‌دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت وارده محکوم می‌نماید و چنانچه عمل واردکننده زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خسارتی که وارد نموده محکوم می‌کند. همچنین طبق ماده ۳ قانون مال‌الاشاره دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه معین خواهد کرد. لذا تعیین خسارت از اختیارات دادگاه بوده و خارج از اختیارات شورای اسلامی شهر می‌باشد.

۲- مغایرت با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: توجهاً به دادنامه‌های صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۵۷۸ - ۱۳۹۶/۶/۲۱، ۶۱۲ - ۱۳۹۶/۶/۲۸ و ۶۱۳ - ۱۳۹۶/۶/۲۸ مشعر بر اینکه با عنایت به وظایف شوراهای اسلامی شهر به شرح مقرر در بندهای ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی و اینکه مطابق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اختیار وضع مقرر در خصوص مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی منحصرأ در اختیار مجلس شورای اسلامی و به موجب قانون می‌باشد و برای شوراهای اسلامی چنین صلاحیت و اختیار پیش‌بینی نشده است و نیز نظر به اینکه در قانون مدیریت پسماند جریمه پیش‌بینی شده و پیش‌بینی جریمه مجدد که ماهیاً مجازات می‌باشد فاقد توجیه حقوقی می‌باشد و از طرفی طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲

۳- بر اساس ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران اخذ عوارض به عنوان بهای خدمات و نیز اخذ آن را قانونی و مطابق مقررات اعلام نموده است.

۴- ذکر این نکته در ماده ۸ قانون مدیریت پسماند که هزینه‌های مربوط توسط مدیریت پسماند از تولیدکننده وصول خواهد شد مانع از اختیارات شورای اسلامی شهر برای اخذ خسارت از عوامل تخلیه غیرمجاز پسماند نیست. این افراد نیز با اقدامات خود مشکلات بهداشتی و زیست محیطی فراوانی را برای شهر و شهروندان ایجاد می‌کند و وضع هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز منافاتی با ماده ۸ قانون پیش گفته ندارد زیرا که در ماده ۸ بهای خدمات ناشی از یک اقدام قانونی مطالبه می‌شود و در بندهای ۴ الی ۹ ردیف ۱ مصوبه ۱۰۱۸ برای تخلیه کنندگان غیرمجاز هزینه جبران خسارت منظور شده است که این امر در حدود صلاحیت و وظایف شوراهای اسلامی شهر بوده و برای مدیریت موضوع پسماند که ارتباط تنگاتنگی با موضوع سلامت شهروندان دارد ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و نمی‌توان تخلیه کنندگان غیرمجاز را به حال خود رها کرد و خسارات ناشی از اقدامات غیرقانونی ایشان را مطالبه نمود.

۵- هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری در امور مشابه مکرراً دریافت این مبالغ را برخلاف قوانین و مقررات تشخیص نداده‌اند. شکایت حاضر نیز در مقام بیان موضوع جدیدی نیست. علیهذا نظر به موارد پیش گفته رد ادعای شاکی به دلایل یاد شده استدعا می‌گردد.

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی

دیوان عدالت اداری تشخیص شد.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۱۸ - ۱۳۹۹/۸/۱۱ ردیف یک تحت عنوان پذیرش دفن پسماندهای عادی در مرکز دفن حلقه دره و ردیف یک بند ۳ تحت عنوان پذیرش در ایستگاه انتقال و دفن پسماندهای عادی در مرکز دفن حلقه دره و تبصره ۸ از مصوبه شماره ۱۰۱۸/۵/۳/۵ - ۱۳۹۸/۵/۶ مصوب شورای اسلامی شهر کرج را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به ردیف‌های ۴ الی ۹ از بند ۱ جدول تحت عنوان هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز پسماندها از مصوبه ۱۰۱۸/۵/۳/۵ - ۱۳۹۸/۵/۶ شورای اسلامی شهر کرج در دستورکار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

طبق ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۲۰ نگهداری، مخلوط کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماندها در محیط بر طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن خواهد بود. در غیراین صورت اشخاص متخلف به حکم مراجع قضایی به جزای نقدی در بار اول برای پسماندهای عادی از پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و برای سایر پسماندها از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال و در صورت تکرار، هر بار دو برابر مجازات قبلی در این ماده محکوم می‌شوند. بر اساس ماده ۱۹ قانون مذکور در تمام جرایم ارتكابی مذکور، مرجع قضایی مرتکبین را علاوه بر پرداخت جریمه به نفع صندوق دولت، به پرداخت خسارت به اشخاص و یا جبران خسارت وارده بنا به درخواست دستگاه مسئول محکوم خواهد کرد و در ماده ۲۰ همان قانون مقرر شده است که خودروهای تخلیه‌کننده پسماند در اماکن غیرمجاز، علاوه بر مجازات‌های مذکور، به یک تا ده هفته توقیف محکوم خواهند شد. بنابراین ردیف‌های ۴ الی ۹ از جدول بند ۱ تحت عنوان هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز پسماندها از مصوبه ۱۰۱۸ - ۱۳۹۸/۵/۶ شورای اسلامی شهر کرج مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

۳- مغایرت با رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: توجهاً به دادنامه صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۲۱۷ - ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ که تصویب پرداخت پاداش ابطال گردیده است و وفق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۲/۲۵ رعایت مفاد آن در مصوبات بعدی الزامی است، متأسفانه نهاد واضع مصوبه معترض به توجهی به آن ننموده است. علیهذا بنا به مطالب معنونه و معروضه فوق تقاضای رسیدگی و مالا ابطال مصوبه معترض به را از تاریخ تصویب حضورتان تقدیم می‌نمایم.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

با عنایت به ابلاغ شیوه‌نامه اجرایی ساماندهی پسماندهای عمرانی و ساختمانی توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور بهای خدمات سال ۱۳۹۸ به شرح زیر می‌باشد:				
ردیف	شرح	واحد	پیشنهاد مصوبات سال ۱۳۹۸	پرداخت‌کننده
	خسارت	مرتبۀ ۱	مرتبۀ ۲	مرتبۀ ۳
۴	هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز یک سرویس پسماندهای عمرانی و ساختمانی توسط کامیون کمپرسی ده چرخ و مشابه	۵/۰۰۰/۰۰۰	دو برابر مرحله اول	پیمانکار
۵	هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز پسماندهای یک سرویس پسماندهای عمرانی و ساختمانی توسط کامیون کمپرسی ده تن (تک) و مشابه	۴/۰۰۰/۰۰۰	سه برابر مرحله اول	پیمانکار
۶	هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز پسماندهای یک سرویس پسماندهای عمرانی و ساختمانی توسط کامیون کمپرسی خاور و مشابه	۳/۰۰۰/۰۰۰	سه برابر مرحله اول	پیمانکار
۷	هزینه جبران خسارت ناشی از تخلیه غیرمجاز پسماندهای یک سرویس پسماندهای عمرانی و ساختمانی توسط کامیون کمپرسی نیسان و مشابه	۲/۰۰۰/۰۰۰	سه برابر مرحله اول	پیمانکار
۸	استفاده از خودرو غیرمجاز جهت انتقال پسماندهای عمرانی و ساختمانی	۱/۰۰۰/۰۰۰	سه برابر مرحله اول	پیمانکار
۹	هزینه جبران خسارت ناشی از عدم اخذ مجوز حمل پسماندهای عمرانی و ساختمانی	۵/۰۰۰/۰۰۰	سه برابر مرحله اول	پیمانکار

که در کمیسیون بررسی و موافقت گردید مطرح و مصوبه کمیسیون با اکثریت آراء به تصویب رسید.»

در پاسخ به شکایت مذکور رئیس شورای اسلامی شهر کرج به موجب لایحه شماره ۱۳۹۹/۳/۱۸ - ۵/۷/۹۹/۳۸۵ توضیح داده است که:

«۱- همان طور که در مصوبه شماره ۱۰۱۸/۵/۳/۵ - ۱۳۹۸/۵/۶ به سهولت قابل ملاحظه است تبصره ۸ پیشنهادی مبنی بر صدور مجوز سازمان پسماند نسبت به انتخاب کارگزار به جهت اخذ بهای خدمات مدیریت پسماند تا سقف ۵ درصد از بهای وصول شده پس از بررسی و یا اصلاح متن به صورت صدور مجوز برای شهرداری جهت انتخاب کارگزار واجد صلاحیت و با استفاده از نیروهای انسانی سازمان مدیریت پسماند جهت اخذ بهای خدمات مدیریت پسماند با رعایت تشریفات و تعرفه‌های قانونی تا سقف ۵ درصد از بهای وصول شده بابت پاداش و تشویق به کارکنان و کارگزار در جلسه شورا مطرح و به اتفاق آراء مقرر گردید که جهت بررسی بیشتر به کمیسیون برنامه و بودجه ارجاع گردد. به عبارت دیگر در این مصوبه شورا این موضوع صرفاً به کمیسیون ارجاع شده تا بررسی بیشتری صورت پذیرد لذا در این خصوص اساساً مصوبه‌ای وجود ندارد تا قابلیت ابطال معنا پیدا کند.

۲- به موجب نامه شماره ۱۵۷۲۳/۱۰۲/۹۸ - ۱۳۹۸/۴/۱۹ قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان در فرضی که شورای اسلامی شهر، مجوز قانونی تصویب مصوبه در خصوص اخذ عوارض را داشته باشد این امر خلاف شرع نیست.

شماره ۹۸۰۴۱۶۹

۱۳۹۹/۱۲/۱۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ مورخ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۸۱۰ با موضوع: «ابطال بند ۴ ردیف ۳ شیوهنامه دسترسی به پایان نامه های دانشگاه شهید بهشتی مصوب هجدهمین جلسه هیأت رئیسه دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۶» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۲ شماره دادنامه: ۱۸۱۰ شماره پرونده: ۹۸۰۴۱۶۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای مزدک نصوری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۴ ردیف ۳ شیوهنامه دسترسی به پایان نامه های دانشگاه شهید بهشتی مصوب هجدهمین جلسه هیأت رئیسه دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۶

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۴ ردیف ۳ شیوهنامه دسترسی به پایان نامه های دانشگاه شهید بهشتی مصوب هجدهمین جلسه هیأت رئیسه دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۶ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«با سلام و احترام به استحضار می رساند هیأت رئیسه دانشگاه شهید بهشتی در راستای اتخاذ تصمیم اداری مبادرت به تصویب شیوهنامه دسترسی به پایان نامه های دانشگاه شهید بهشتی طی هجدهمین جلسه هیأت رئیسه در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۲۶ نموده اند. بر اساس بند ۴ ردیف ۳ این شیوهنامه مصوب شماره ۹۵۱۸/۱۱۱ در خصوص پایان نامه ها مقرر گردیده تا در کتابخانه اینترنتی دانشگاه شهید بهشتی موسوم به سامانه کتابیار پند و طبق فاکتور شماره ۳۱۶۴۱ - ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ هزینه های بابت دریافت الکترونیکی (با عنوان دیجیتال سازی) هر صفحه پایان نامه طبق تصمیم و تعرفه هیأت رئیسه از دانشجویان دوره های روزانه، شبانه و پردیس دانشگاه شهید بهشتی دریافت شود. این در صورتی است که به موجب بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله وظایف اصلی جمهوری اسلامی ایران آموزش رایگان در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی است. همچنین مطابق بندهای (ح)، (ط) و (ی) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ مقرر شده تحصیل دانشجویان روزانه در دانشگاه های دولتی رایگان می باشد و این حکم مطلق بیان شده و دلیلی بر انصراف آن از ارائه خدمات اینترنتی اسنادی و کتابخانه های دانشگاهی ملاحظه نمی شود. از طرفی طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ و نیز ماده ۶۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت موسوم به الحاق ۲ دریافت هرگونه وجهی توسط دستگاه های اجرایی نیاز به حکم یا اذن قانونگذار دارد. بنابراین بند ۴ ردیف ۳ شیوهنامه دسترسی به پایان نامه های دانشگاه شهید بهشتی مصوب ۱۳۹۵/۵/۲۶ هجدهمین جلسه هیأت رئیسه دانشگاه شهید بهشتی در تعارض با قوانین مارالذکر قرار دارد و نایستی از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی برای ارائه خدمات کتابخانه ای علی الخصوص خدمات اینترنتی کتابخانه ای، هزینه ای اخذ گردد. در نهایت صدور حکم بر ورود شکایت به شرح خواسته مورد استدعاست.»

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

«شیوهنامه دسترسی به پایان نامه های دانشگاه شهید بهشتی

۳- مفاد شیوهنامه

۴- هزینه دریافت پایان نامه برای کاربران بیرونی مبلغ هر صفحه ۲۰۰۰ ریال (دو هزار ریال) برای کاربران مجاز دانشگاه شهید بهشتی مبلغ ۵۰۰ ریال (پانصد ریال)»

در پاسخ به شکایت مذکور مشاور رئیس و مدیر امور حقوقی دانشگاه شهید بهشتی به موجب لایحه شماره ۳۴۰/۲۶۱/ص - ۱۳۹۹/۱/۲۵ توضیح داده است که:

«بخش (ج) ماده ۱۰ آیین نامه جامع مدیریت دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری مصوب جلسه ۶۸۴ - ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی که به تصریح وظایف و اختیارات هیأت رئیسه دانشگاه ها پرداخته است، در بند ۶ خود تنوع بخشی به منابع مالی موسسه از طریق جذب کمک های مردمی و افزایش درآمدهای اختصاصی از طریق ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، فناوری، فرهنگی و سایر منابع دیگر را از جمله اختیارات هیأت رئیسه عنوان کرده است. بر این اساس تصویب شیوهنامه دسترسی به پایان نامه های دانشگاه توسط هیأت رئیسه که در جهت ارائه خدمات آموزشی به دانشجویان و دانشگاہیان و

ایجاد درآمد از این طریق برای دانشگاه می باشد، اقدامی کاملاً قانونی و در چارچوب ضوابط، مقررات و اختیارات آن هیأت بوده است.

نکته قابل ذکر دیگر آن است که با عنایت به اینکه دانشگاه شهید بهشتی دارای ضوابط مالکیت فکری خاص و مشخصی بوده و تضمین اجرای این ضوابط مستلزم تدوین ساز و کارهای مناسب جهت بهره برداری از تولیدات علمی دانشگاه در تمامی سطوح می باشد و عدم رعایت این امر و بدون ضابطه ماندن این حوزه منجر به نقض مالکیت های فکری دانشگاه شده و آثار و تبعات حقوقی بسیاری را برای دانشگاه به همراه خواهد داشت. لذا لازم و واجب است که هر یک از ارکان دانشگاه در حوزه اختیارات و وظایف خود اقدام به تدوین شیوه ها و ساز و کارهای مناسب نموده تا از آن طریق اجرای ضوابط مالکیت فکری و حفظ منافع دانشگاه در این زمینه تضمین گردد. بر این اساس می توان گفت تصویب شیوهنامه دسترسی به پایان نامه ها اقدامی سنجیده و به جا در این راستا بوده است. همچنین با عنایت به اینکه شاکي در دادخواست خود مغایرت مصوبه دانشگاه را با هیچ یک از مواد قانونی به طور مشخص تعیین نکرده است، اساساً دادخواست مطروحه فاقد شرایط مقرر برای شکایت از مصوبه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری می باشد. با توجه به توضیحات ارائه شده و با عنایت به اینکه اقدامات هیأت رئیسه این دانشگاه در تصویب و اجرای شیوهنامه دسترسی به پایان نامه ها کاملاً قانونی و در حیطه اختیارات آن هیأت بوده است. صدور رأی مقتضی مبنی بر رد شکایت آقای نصوری از آن مرجع مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

قاعده گذاری در امور مالی دانشگاه ها و مراکز آموزشی عالی وفق بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور در صلاحیت هیأت امنای این موسسات است و بند ۶ قسمت (ج) از ماده ۱۰ آیین نامه جامع مدیریت دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری مصوب جلسه ۶۸۴ - ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در مقام بیان صلاحیت هیأت رئیسه، لزوم اخذ مجوزهای لازم از هیأت امناء یا سایر مراجع ذیصلاح را مورد تأکید قرار داده است و در خصوص مقرر مورد شکایت دلیلی مبنی بر اخذ مجوز هیأت امناء ملاحظه نمی شود. نظر به اینکه بنا به مراتب فوق مقرر مورد اعتراض خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب کننده و مغایر با ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ و ماده ۶۰ الحاقی به آن وضع شده است، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۳۷۶۶

۱۳۹۹/۱۲/۱۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ مورخ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۸۱۱ با موضوع: «ابطال مصوبه مورد شکایت تحت عنوان عوارض عرصه غیرمسکونی تک واحدی در سال ۱۳۹۸ تحت عنوان وصول عوارض ساختمان های نیمه کاره، گواهی اتمام عملیات ساختمانی و تبصره تعرفه دستورالعمل تمدید پروانه ساختمانی مصوب شورای اسلامی شهر امیدیه از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۲ شماره دادنامه: ۱۸۱۱ شماره پرونده: ۹۸۰۳۷۶۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: شرکت خدمات عمومی بهداشت و درمان صنعت نفت با وکالت آقای

علی اصغر نجفی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- عوارض عرصه غیرمسکونی تک واحدی مربوط

به سال ۱۳۹۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر امیدیه

۲- تبصره دستورالعمل تمدید پروانه ساختمانی مربوط به سال ۱۳۹۸ تعرفه عوارض محلی

شورای اسلامی شهر امیدیه

۳- عوارض ساختمان‌های نیمه‌کاره مربوط به سال ۱۳۹۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر امیدیه

۴- عوارض گواهی اتمام عملیات ساختمانی مربوط به سال ۱۳۹۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر امیدیه

گردش کار: ۱- وکیل شاکی به موجب دادخواستی ابطال عوارض مربوط به عرصه غیرمسکونی تک واحدی، دستورالعمل تمدید پروانه ساختمانی، عوارض ساختمان‌های نیمه‌کاره و عوارض گواهی اتمام عملیات ساختمانی همگی مربوط به سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر امیدیه را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«شورای اسلامی شهر امیدیه طی مصوباتی تحت عنوان:

اول - عوارض عرصه

دوم - عوارض تمدید پروانه

سوم - عوارض تطویل یا ساختمان‌های نیمه‌کاره

چهارم - عوارض پایان کار یا گواهی اتمام عملیات ساختمانی

مبادرت به اعطای مجوز به شهرداری امیدیه جهت اخذ وجوه غیرقانونی از شهروندان می‌نماید.

۱- متأسفانه شورای اسلامی شهر امیدیه طی مصوبات فوق‌الاشعار تحت عناوین و اسامی جدید شامل عوارض اتمام عملیات ساختمانی، عوارض عرصه غیرمسکونی و ... با تغییر الفاظ مبادرت به اخذ جواز به شهرداری امیدیه جهت اخذ وجوه غیرقانونی و غیرشرعی از شهروندان شهر امیدیه نموده و این در حالی است که این عوارض همان عوارض حق تفکیک، تمدید و تطویل می‌باشند که سابقاً به دلیل مغایرت با قوانین و مقررات و شرع اسلام از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است. لازم به توضیح است که بهانه اخذ این عوارض غیرقانونی از سوی شهرداری امیدیه، عدم اجرای قانون نوسازی و عمران شهری در این منطقه شهری و اخذ عوارض بر مبنای قوانین سابق بر سطح شهر می‌باشد و به نظر می‌رسد این موضوع یعنی عدم اجرای قانون نوسازی و عمران شهری نیز از جمله تخلفات و اقدامات غیرقانونی این شهرداری در طول این سنوات محسوب گردد.

۲- مغایرت با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ارتباط با عوارض تفکیک عرصه سابقاً بر اساس دادنامه‌های شماره ۲۱۸ - ۱۳۸۷/۴/۹ و شماره ۴۵۹ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۰ و شماره ۴۹۲ - ۱۳۸۹/۱۱/۴ و شماره ۲۷۵ - ۱۳۹۱/۵/۱۶ و شماره ۳۰۸ - ۱۳۹۷/۲/۱۷ تعیین تکلیف گردیده به نحوی که تاکنون در بیش از ۵۷ شهر و مراکز استان‌ها به شرح ضمیمه آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هرگونه دریافت عوارض تفکیک عرصه از مردم و اشخاص بر خلاف قانون کشور و شرع اسلام تشخیص داده و خارج از حدود اختیارات شوراهای اسلامی شهرها اعلام شده است. نظر به اینکه مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده است که چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شود رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند ریاست دیوان موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید و با عنایت به آراء ذکر شده مبنی بر غیرقانونی بودن اخذ عوارض تفکیک عرصه و در نظر گرفتن اینکه اخذ وجوه مذکور بر خلاف مفاد صریح ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ بوده و بر اساس قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز اخذ هرگونه وجوهی می‌بایست با اذن و اجازه مقنن و قانونگذار باشد. ضمن اینکه برابر استدلال شورای نگهبان هر مصوبه‌ای بر خلاف قانون باشد بر خلاف شرع نیز هست. لذا از آن مقام استدعا دارد بنا به مراتب صدرالذکر و به ویژه مفاد ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها، ماده ۱۵۴ قانون ثبت و نظریه فقهای شورای نگهبان و آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که به برخی از آنها اشاره گردید و توجهاً به اینکه شهرداری امیدیه تفسیری موسع از این مصوبه داشته و حتی در خصوص موضوع بیمارستان مورد بحث که وابسته به سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت می‌باشد و هیچگونه تفکیکی انجام نداده و دارای سند ثبتی تحت پلاک شماره ۵۹۷۸ شهرستان امیدیه می‌باشد و صرفاً با اخذ پروانه از شهرداری نسبت به احداث اعیانی جدید اقدام گردیده لیکن اکنون شهرداری قصد اجازه عوارض عرصه یا تفکیک از این بیمارستان را دارد و همانگونه که بیان گردید با قانون و مقررات و شرع به شرح تبیین شده مغایرت آشکار دارد و خارج از حدود اختیارات شورای شهر امیدیه می‌باشد. لذا مستنداً به مواد ۱۳، بند ۱ ماده ۱۲، ۸۸، ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ استدعای رسیدگی و ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر امیدیه در این خصوص و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری امیدیه را از زمان تصویب آن و خارج از نوبت دارم.

ضمناً لازم به ذکر است که مصوبات مورد شکایت مغایر با مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و ماده ۴۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات دولتی و ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷ می‌باشد.»

۲- وکیل شاکی به موجب لایحه تکمیلی که با شماره ۳-۳۷۶۶-۹۸ در دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ثبت گردیده اینگونه اعلام کرده است که:

«به دلیل تسریع در رسیدگی با نظر موکل در شکایت مطروحه از ابطال مصوبات و مغایرت آنها با موازین و احکام شرعی و اسلامی صرف نظر می‌گردد و از محضر شما استدعا دارم از نظر بعد شرعی این مصوبات بررسی و اعلام نظر نگردد و لیکن در راستای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری با قید فوریت و تسریع در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و اتخاذ تصمیم گردد.»

۳- متن تعرفه‌های مورد شکایت به شرح زیر است:

«الف: عوارض عرصه غیرمسکونی تک واحدی مربوط به سال ۱۳۹۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر امیدیه

- عوارض عرصه غیرمسکونی تک واحدی (جهت اجرا در سال ۱۳۹۸):

۱- چنانچه واحد یا واحدهای فوق در خیابان با عرض تا زیر ۱۶ متر احداث گردند: الف) اگر ۱ بر باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $1/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

ب) اگر ۲ بر باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $2/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

ج) اگر ۳ بر و یا بیشتر باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $3/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

د) عرصه سایت‌های کارگاهی ps

۲) چنانچه واحد مذکور در خیابان با عرض از ۱۶ تا ۲۰ متر باشد:

الف) اگر ۱ بر باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $2/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

ب) اگر ۲ بر باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $3/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

ج) اگر ۳ بر و یا پیش باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $4/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

د) عرصه سایت‌های کارگاهی $1/5ps$

۳) چنانچه واحد مذکور در خیابان با عرض بیشتر از ۲۰ متر باشد:

الف) اگر ۱ بر باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $2/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

ب) اگر ۲ بر باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $4/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

ج) اگر ۳ بر و یا پیش باشد ضریب فرمول عرصه برابر است با $5/5ps$ که p ارزش منطقه‌ای و S مساحت عرصه می‌باشد.

د) فرمول عرصه سایت‌های کارگاهی $2ps$

و) عرصه کاربری اداری و صنعتی اگر ۲ بر باشد $6/5ps$ و اگر ۳ بر و یا پیش باشد $7/5ps$ می‌باشد.

ب: تبصره دستورالعمل تمدید پروانه ساختمانی مربوط به سال ۱۳۹۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر امیدیه

تبصره: واحدهای غیرمسکونی شامل بند فوق نمی‌باشند و در صورت درخواست حتی در زمان قبل از اتمام پروانه ساختمانی می‌بایست پس از محاسبه عوارض به تاریخ روز و کسر مبلغ واریزی قبلی و واریز آن و تأییدیه گواهی ساختمانی تمدیدی دریافت نمایند.

ج: عوارض ساختمان‌های نیمه‌کاره مربوط به سال ۱۳۹۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر امیدیه

وصول عوارض ساختمان‌های نیمه‌کاره:

این گونه عوارض به ساختمان‌هایی که دارای پروانه ساخت بوده و پس از گذشت ۳ سال اقدام به تکمیل ساختمان خود ننموده‌اند به صورت سالانه به شرح ذیل تعلق می‌گیرد:

مسکونی	$20\% \times ps =$ عوارض تطویل	p : ارزش منطقه‌ای	S : مساحت زیربنا
تجاری	$20\% \times 2ps =$ عوارض تطویل	p : ارزش منطقه‌ای	S : مساحت زیربنا
سایر کاربریها	$20\% \times 4ps =$ عوارض تطویل	p : ارزش منطقه‌ای	S : مساحت زیربنا

و متعاقباً ۳- در بند سوم عوارض ساختمان‌های نیمه‌کاره و ۴- در صفحه چهارم بند چهارم گواهی اتمام عملیات ساختمانی را عیناً آورده است و دلایل اعتراض به مصوبات مذکور را با تخلف شورای شهر امیدیه به این صورت که با تغییر اسامی، عناوین علیحده‌ای در مصوبات مذکور با استعمال الفاظ جدید مبادرت به تصویب آن نموده است دلیل دیگر را وجود آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۲۱۸- ۱۳۸۷/۴/۹ و شماره ۴۵۹- ۱۳۸۹/۱۰/۲۰ و شماره ۴۹۲- ۱۳۸۹/۱۱/۴ و شماره ۲۷۵- ۱۳۹۱/۵/۱۶ و ... بر شمرده است که با مذاقه در مفاد و مندرجات آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و تطبیق آن با مصوبات مذکور خروج موضوعی دارد. زیرا وکیل از مفاد آراء صادره مصادر به مطلوب نموده است. زیرا برخی از آراء فوق‌الاشاره مربوط به ما به التفاوت مرخصی مناطق محروم، امور اداری، تعیین سرانه خدماتی، ارزش افزوده، مطالبات حقوق جانبازان، اخذ عوارض از دکل‌های برق و غیره می‌باشد که به لحاظ عدم ارتباط با موضوع مصوبات مورد اعتراض و عدم انطباق قابلیت استماع را نداشته و محکوم به رد است.

ضمناً وکیل مکلف به ارائه دلیل محکمه پسند مبنی بر اخذ عوارض غیرقانونی و یا مضاعف می‌باشد. در حالیکه طبق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران تصویب لویح، برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌گردد می‌باشد. مع الوصف موضوعات مذکور در صلاحیت شورای اسلامی شهرها و طبق تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون عمران و نوسازی شهری که روش خاصی برای تعیین و اخذ عوارض و تمدید پروانه‌ها ساختمانی پیش‌بینی شده است اقدام گردیده است و همچنین مطابق ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مواردی که شوراهای اسلامی حق تعیین عوارض را ندارند دقیقاً مشخص شده است. فلذا مصوبات مطروحه با لحاظ تمامی موارد و رعایت ضوابط و مقررات مربوط به تصویب رسیده است.

علیهذا با عنایت به مراتب معنونه و با تأکید مجدد بر اینکه مصوبه مورد اعتراض صرفاً در مقام وضع عوارض و به تجویز اختیارات حاصله از قانون بوده و تشریفات مقرر قانونی نیز کاملاً رعایت گردیده است و شاکه نیز دلیلی بر مغایرت آن با قانون ارائه نموده است و مطالب مورد استناد وکیل شاکه اساساً ارتباطی با مصوبه مورد اعتراض نداشته و مفروغ عنه است لذا صدور حکم شایسته مبنی بر رد شکایت شاکه از عالیجنابان مورد استدعاست.»

۵- رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری تشخیص نشد و پرونده در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۱۳۲- ۱۳۹۹/۸/۲۰ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ مصوب شورای اسلامی شهر امیدیه تحت عنوان دستورالعمل تمدید پروانه ساختمانی به استثناء تبصره تعرفه مذکور را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به عوارض عرصه غیرمسکونی تک واحدی، تبصره دستورالعمل تمدید پروانه ساختمانی، عوارض ساختمان‌های نیمه‌کاره و عوارض گواهی اتمام عملیات ساختمانی همگی مربوط به سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر امیدیه در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.» هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

۱- طبق قانون عمران و نوسازی شهری مصوب سال ۱۳۴۷، عوارض نوسازی از ساختمان‌های احداث شده و زمین‌های واقع در محدوده شهر اخذ می‌شود. مطالبه عوارض دیگری مثل عوارض عرصه غیرمسکونی تک واحدی از جمله عوارض مضاعف بوده و در آراء هیأت عمومی وضع عوارض برای عرصه‌های محصور و غیرمحصور مثل رأی شماره ۲۷۸- ۱۳۹۶/۹/۲۸ در مصوبات شوراهای اسلامی مغایر قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص شده است. بنابراین مصوبه مورد شکایت تحت عنوان عوارض عرصه غیرمسکونی تک واحدی در سال ۱۳۹۸ مصوب شورای اسلامی شهر امیدیه مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۲- قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب سال ۱۳۴۷، روش خاصی برای تعیین و اخذ عوارض تمدید پروانه ساختمان‌های نیمه تمام پیش‌بینی کرده است و در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض تمدید پروانه ساختمان برای ساختمان‌های نیمه تمام در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و

تبصره ۱: عوارض تطویل صرفاً جهت عدم تکمیل در مهلت قانونی بوده و مالک جهت ادامه کار باید مجدداً کلیه مراحل تمدید یا صدور پروانه را طی و وجوهات قانونی را پرداخت نمایند.

تبصره ۲: اشخاصی که از مهلت قانونی پروانه ساختمان‌شان گذشته باشد و ساختمان خود را نیز به پایان رسانیده باشند، اما اقدام به اخذ پایانکار ننموده باشند مشمول عوارض فوق (به جهت تأخیر در اخذ پایانکار در مهلت قانونی تعیین شده) می‌گردند.

تبصره ۳: اشخاص حقیقی و حقوقی که بدون پروانه ساختمان اقدام به ساخت و ساز نموده‌اند مشمول عوارض فوق می‌گردند.

د: عوارض گواهی اتمام عملیات ساختمانی مربوط به سال ۱۳۹۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر امیدیه

- گواهی اتمام عملیات ساختمانی:

چنانچه مالک و مالکین ساختمان‌های مسکونی و تجاری جهت دریافت گواهی اتمام عملیات ساختمانی و گواهی بهره‌برداری به شهرداری مراجعه نمایند مشمول پرداخت ۱/۳ عوارض پروانه ساخت به تاریخ روز خواهد شد و ضمناً ساختمان‌های اداری و صنعتی که جهت گواهی مذکور به شهرداری مراجعه می‌کنند مشمول ۷۰ درصد عوارض پروانه به تاریخ روز می‌شوند.

- کلیه اشخاص حقیقی، حقوقی، ادارات دولتی و غیردولتی که املاک و مستحقات آنان در کمیسیون ماده صد و تجدیدنظر مطرح و حکم صادر گردیده است به غیر از پرداخت جریمه فوق مشمول پرداخت عوارض شهرداری اعم از صدور پروانه ساخت و گواهی بهره‌برداری انجام عملیات ساختمانی می‌باشد.»

۴- در پاسخ به شکایت مذکور، وکیل شورای اسلامی شهر امیدیه به موجب لایحه جوابیه که با شماره ۳۷۶۶-۹۸ در دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ثبت رسیده اینگونه توضیح داده است که:

«۱- مطابق ماده ۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت شرکت شاکه (سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت) صد در صد متعلق به شرکت نفت می‌باشد. زیرا تمام سرمایه آن متعلق به شرکت نفت است و از شرکت‌های تابعه شرکت نفت محسوب می‌گردد و مطابق قواعد حاکم بر شرکت‌های قانون تجارت صرف سهامی خاص بودن دلیلی بر خصوصی بودن آن نمی‌باشد و با توجه به مطالب مذکور از مصادیق شرکت دولتی می‌باشد فلذا شکایت دولت علیه دولت در دیوان عدالت اداری قابلیت استماع را ندارد.

۲- وکیل شاکه طی لایحه مشبوه به شماره ۳۷۶۶-۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۱ (مضبوط در صفحه ۵۶ پرونده) ادعای غیرشرعی بودن مصوبات را مسترد نموده است. پس مصوبات مطروحه به لحاظ شرعی صحیح می‌باشند. فلذا آنچه که به لحاظ شرعی صحیح است قطعاً به لحاظ قانونی هم صحیح هست. زیرا مطابق قاعده کلما حکم به الشرع حکم به العقل ... مصوبات مباحث عنه مطابق موازین شرعی و در خور تأیید و لازم‌الاجراست.

۳- مطابق بند (ث) ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری شاکه مکلف به اعلام دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب‌کننده می‌باشد همانگونه که در سطور پیش آمده است وکیل شاکه مغایرت مصوبات با شرع را مسترد نموده است و در لایحه اعتراضیه مدعی خروج از اختیارات شورای شهر امیدیه در تصویب مصوبات شده است. علیرغم اخطاریه صادره هیچ دلیلی مبنی بر خروج از اختیارات ارائه نداده است فلذا مطابق ضوابط حاکم درخواست نامبرده قابلیت استماع را نداشته تقاضای رد درخواست مطروحه را دارد.

۴- وکیل شاکه در صفحه چهارم لایحه تکمیلی اعتراضیه در سطر بیستم صراحتاً قید نموده‌اند که شهرداری قصد اخذ عوارض عرصه یا تفکیک از این بیمارستان را دارد و تقاضای ابطال مصوبه را از زمان تصویب نموده‌اند. در پاسخ به استحضار می‌رساند صرف قصد داشتن دلیل بر اخذ عوارض نمی‌باشد. مضافاً اینکه عوارض تصویبی مطابق قانون و دقیقاً با رعایت تمامی ضوابط حاکم تصویب و حتی با لحاظ ماده ۸۰ و ۷۹ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شهرداری شهر پس از مضمی مهلت مقرر و عدم وصول هرگونه اعتراضی لازم‌الاجرا گردیده است. فلذا انتساب عنوان عوارض غیرقانونی ترجیحی بلا مرجع است و قابلیت استماع را ارائه دلیل و در توجیه اقدام غیرقانونی موکل خود سعی در القاء خروج از اختیارات شورای شهر در مصوبات معترض عنه نسبت به تعیین عوارض را نموده است در حالیکه علت اصلی اعتراض به مصوبات شورای شهر امیدیه اجرای رأی کمیسیون ماده ۷۷ و مراتب معنونه می‌باشد. اینک در رد ادعای وکیل مبنی بر مصوبات شورای شهر امیدیه معروض می‌دارد:

وکیل شاکه در لایحه اعتراضیه با احصاء عوارضات به ترتیب: ۱- در صفحه اول بند اول در عوارض عرصه غیرمسکونی و ۲- در صفحه دوم بند دو عوارض تمدید پروانه ساختمانی

تعیین می‌شود و این عوارض به حساب ویژه سازمان پارک‌ها جهت توسعه فضای سبز واریز خواهد شد و سازمان‌های مذکور نیز می‌بایست مبالغ فوق را جهت توسعه و نگهداری فضای سبز به صورت بهینه و مناسب در سطح شهر هزینه نماید. بدیهی است تخطی از این موضوع تخلف محسوب می‌شود.

ب: تبصره ۱ بند ۱۰-۳-۱۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز تأمین پارکینگ در موقع صدور پروانه ساختمانی در داخل اعیانی الزامی است و اقدام بر خلاف آن تخلف محسوب می‌شود و در مورد آن دسته از واحدهای مسکونی و غیرمسکونی که مصادیق آن در صفحات ۴۰-۷۶-۵۹-۴۱-۸۴-۸۳ دفترچه ضوابط طرح تفصیلی ذکر شده است و قادر به تأمین پارکینگ نیستند برابر بخشنامه شماره ۴۷۸۸۱-۱۳۹۷/۹/۲۸ وزارت کشور (موارد شش‌گانه) و هزینه تأمین پارکینگ آن به میزان $25 \times 20 \times \text{pd}$ محاسبه و وصول خواهد نمود و مبالغ دریافتی از هزینه تأمین پارکینگ را در حساب ویژه واریز و نگهداری و برای احداث پارکینگ‌های عمومی محله‌ای در سطح شهر هزینه خواهد شد.

ج: بند ۱۰-۱-۱۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز شهرداری مجاز به صدور پروانه ساختمانی بدون تأمین فضای باز و پارکینگ نیست ولی در صورت تصویب در مراجع ذیربط، هزینه تأمین پارکینگ در کاربری مسکونی در بافت فرسوده و حاشیه‌نشینی 60×25 و در کاربری مسکونی در سایر محل‌ها 90×25 و در کاربری غیرمسکونی 120×25 به ازای هر مترمربع و همچنین هزینه تأمین سرانه فضای باز شهری آن به ازاء هر مترمربع، فضای از بین رفته معادل $300 \times P_a$ محاسبه و وصول خواهد شد.

بدیهی است مبالغ هزینه تأمین پارکینگ و هزینه تأمین سرانه فضای باز در حساب‌های جداگانه‌ای واریز و نگهداری و برای احداث پارکینگ‌های عمومی و احداث پارک‌های محلی در سطح شهر هزینه خواهد شد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر تبریز به موجب لایحه شماره ۶۰۸۵-۵/ش-۱۳۹۹/۱/۱۰ توضیح داده است که:

«اولاً: مبنای قانونی مصوباتی که مورد شکایت شاکیان قرار گرفته و درخواست ابطال آنها را کرده‌اند، بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی کشور می‌باشد که به موجب آن، تصویب لوایح، برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور تعیین می‌شود از وظایف شورای اسلامی شهر است و شورای اسلامی شهر می‌تواند نسبت به وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی، به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر طبق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران اقدام نماید و ایضاً به موجب تبصره یک ماده ۵۰ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه، موسوم به قانون تجمیع عوارض مصوب سال ۱۳۸۱ وضع عوارض محلی جدید و افزایش هر یک از عوارض محلی با رعایت مقررات مربوطه تجویز گردیده است.

ثانیاً: مصوبات مورد درخواست ابطال، قطع نظر از اینکه به موجب آرای متعدد صادره از هیأت تخصصی و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، عدم مغایرت آنها با قانون مورد حکم قرار گرفته است که توضیح آن عرض خواهد شد، در اصل به منظور ایجاد محدودیت در احداث بناهای خلاف و با هدف پیشگیری از تخلفاتی که تصویب رسیده است که مالکین سودجو، با این پیش فرض که با صدور رأی کمیسیون ماده صد قانون شهرداری به پرداخت جریمه و بقای احداثی‌های خلاف، وضعیت موجود بنا حفظ خواهد شد، مرتکب آن می‌شوند. مصوبات مورد شکایت در پرونده حاضر، ناظر به آن دسته از تخلفات ساختمانی است که مالک با تخلف از مفاد پروانه ساختمان، از طریق احداث اضافه بنا و اشغال سطح فضای باز مقرر در پروانه و همچنین عدم تأمین پارکینگ که مکلف به تأمین آن بوده و نیز با تغییر کاربری، موجب بروز ناهنجاری در بناهای شهری و محرومیت ساکنین بنا از امکانات استاندارد در یک ساختمان می‌شوند. نظر به اینکه فضای باز مسکونی که بخشی از عرصه ملک مسکونی و دارای نقش اجتماعی است و با هدف ایجاد فضای سبز و باغچه در آن تخصیص می‌یابد، لذا هر گونه احداثی در واحد مسکونی که منجر به کاهش سطح تخصیص یافته به آن گردد مغایر هدف مزبور می‌باشد و ایضاً حذف توقف‌گاه خودرو، بعضاً یا کلاً که موجب محرومیت استفاده‌کننده از امکانات استاندارد پیش‌بینی شده در پروانه ساختمان می‌شود و همچنین تغییر کاربری بر خلاف پروانه ساختمان، چنانچه به صرف پرداخت جریمه در کمیسیون‌های ماده صد قانون شهرداری مجاز تلقی شود (که این وضعیت مورد توقف شاکیان پرونده حاضر می‌باشد) موجب تجری مالکین متخلف و سودجو خواهد شد. در مورد ماده ۲۴ مورد تقاضای ابطال موضوع تغییر کاربری، این نکته قابل ذکر است که بر اساس بند ۲۴-۴ ماده مذکور (اگر مالک از پرداخت عوارض این ماده خودداری نموده و درخواست تبدیل به کاربری قبلی را داشته باشد با تسلیم تقاضای کتبی مراتب از سوی شهرداری به کمیسیون

خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است. بنابراین تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ تحت عنوان وصول عوارض ساختمان‌های نیمه‌کاره، گواهی اتمام عملیات ساختمانی و تبصره تعرفه دستورالعمل تمدید پروانه ساختمانی مصوب شورای اسلامی شهر امیدیه به دلایل مندرج در دادنامه‌های شماره ۴۷۱-۱۳۹۵/۷/۱۳ و شماره ۳۰۸-۱۳۹۷/۲/۱۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۳۸۲۷

۱۳۹۹/۱۲/۱۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۸۱۲ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ با موضوع: «ابطال ماده ۸ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر تبریز و تبصره یک بند ۱۰-۳-۱۰ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر تبریز مربوط به سال ۱۳۹۸» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۲ شماره دادنامه: ۱۸۱۲ شماره پرونده: ۹۸۰۳۸۲۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقایان محرم زارع‌پور، ابوالفضل زارع‌پور، علی زارع‌پور و خانم‌ها بتول زارع‌پور، زهرا زارع‌پور، زینب زارع‌پور، زینت مهری‌زاد، سکینه زارع‌پور، ظریفه زارع‌پور همگی با وکالت آقای بهرام صفی‌زاده

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- ماده ۸ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی

شهر تبریز

۲- تبصره یک بند ۱۰-۳-۱۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز

۳- بند ۱۰-۱-۱۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست واحدی ابطال مواد ۸، ۱۲، ۲۴ و بند ۱۰-۱-۱۰ ماده ۸ و ۱۰-۳-۱۰ و ردیف ۱ بند ۱۰-۴-۱۰ همگی مربوط به سال ۱۳۹۸ از تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر تبریز را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده‌اند که:

«مصوبات موضوع شکایت مغایر با اصول ۵۱ و ۳۶ قانون اساسی و ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه و بند (الف) ماده ۱۷۴ قانون مذکور و مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و آراء هیأت عمومی به شماره‌های ۲۱۵۵-۱۳۹۷/۱۲/۲۱ و ۳۱۵-۱۳۹۶/۴/۱۳ و ... می‌باشد. لذا تقاضای ابطال مصوبات مورد اعتراض را دارم.»

وکیل شاکیان در جواب اخطار رفع نقص به موجب لایحه مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۶ که با شماره ۲۳۸۲۷-۹۸ در دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ثبت رسیده اعلام کرده است که:

«در خصوص اینکه مصوبه مورد شکایت مغایر با کدام قانون است به استحضار می‌رساند: اقدام شورای اسلامی شهر تبریز در تصویب و وضع عوارض با عنوان عوارض هزینه تأمین پارکینگ، عوارض فضای سبز شهری، عوارض قطار شهری، عوارض تغییر کاربری، عوارض بر تفکیک مغازه، عوارض ارزش روز نوع استفاده در کل مغایر با اصول قانون اساسی منجمله اصل ۵۱ و ۳۶ قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه کشوری از جمله ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و بند (الف) ماده ۱۷۴ قانون مذکور و ماده ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده و تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری می‌باشد. لازم به ذکر است که برابر آراء متعدد صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبات شورای اسلامی سایر شهرها در خصوص وضع عوارض مورد ابطال قرار گرفته است.»

متن تعرفه‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

«الف: ماده ۸ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز

ماده ۸: بهای خدمات تأمین سرانه‌های فضای سبز شهری معادل ۵ درصد عوارض پروانه ساختمانی

بهای خدمات تأمین سرانه‌های فضای سبز شهری معادل ۵ درصد عوارض پروانه ساختمانی (۵ درصد عوارض پروانه ساختمانی غیرمسکونی‌ها بر اساس عوارض پذیره مندرج در بند ۲۰-۱ و ۱۰-۳-۱۰ محاسبه خواهد شد) و ۲ درصد از عوارض پرونده‌های تخلف ساختمانی

شماره ۹۹۰۱۰۶۴ ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ مورخ ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۸۱۳ با موضوع: «در رسیدگی به دعوی، به طرفیت شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و با لحاظ ماهیت شرکت مذکور قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی صحیح است» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۲ شماره دادنامه: ۱۸۱۳ شماره پرونده: ۹۹۰۱۰۶۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: مدیرکل دبیرخانه مرکزی و دفاتر استانی دیوان عدالت اداری

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: در خصوص رسیدگی به دعوی، به طرفیت شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس و با لحاظ ماهیت شرکت مذکور شعب دیوان عدالت اداری آراء متفاوت صادر کرده‌اند.

بدین نحو که شعبه ۳۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۲۳۰۴۱۱۱۰ - ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

که در مرحله بدوی قطعی شده با پذیرش صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعوی به طرفیت شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس در ماهیت امر وارد رسیدگی شده و تصمیم مقتضی اتخاذ کرده است. در مورد مشابه دیگر شعبه ۴۵ بدوی دیوان عدالت اداری نیز به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۴۲۰۰۷۵۵ - ۱۳۹۸/۳/۲۰ در ماهیت امر وارد رسیدگی شده ولی شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری در مقام رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از رأی شعبه ۴۵، به موجب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۳۱۱۹ - ۱۳۹۸/۱۰/۲۱ و با این استدلال که بیش از ۸۰٪ سهام شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس غیردولتی است شرکت مذکور را از عداد واحدهای موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تلقی نکرده و ضمن نقض رأی شعبه ۴۵ بدوی دیوان عدالت اداری، قرار عدم صلاحیت به شایستگی رسیدگی دادگاه‌های عمومی صادر کرده است.

رئیس دیوان عدالت اداری برای رفع تعارض و صدور رأی وحدت رویه موضوع را به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ارجاع کرده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض محرز است.

ب - براساس ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها و همچنین تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در امور راجع به وظایف آنها، در صلاحیت شعب دیوان عدالت اداری قرار دارد. نظر به اینکه مدیرکل دفتر شرکت‌ها و آماده‌سازی بنگاه‌های سازمان خصوصی به موجب نامه شماره ۲۵۴۵۷ - ۱۳۹۹/۱۰/۹ اعلام کرده است که میزان ۱۸/۷۴ درصد از سهام شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس متعلق به دولت و در نتیجه شرکت مذکور غیردولتی است، لذا دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۰۹۵۵۹۰۳۱۱۹ - ۱۳۹۸/۱۰/۲۱ صادره از شعبه ۲۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری که بر مبنای همین استدلال و به واسطه ماهیت غیردولتی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس در رسیدگی به دعوی مطروحه به طرفیت شرکت مزبور قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی صادر کرده، صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

ماده ۵ برای اعاده به کاربری قبلی ارجاع خواهد شد) نتیجتاً مالک لزوماً مکلف به پرداخت عوارض نمی‌باشد.

ثالثاً همان طور که در دادنامه‌های شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و شماره ۱۹۹ - ۱۳۹۰/۵/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تصریح گردیده است (جرائم مندرج در تبصره‌های ماده صد قانون شهرداری را در واقع و نفس الامر به منزله مجازات تخلفات ساختمانی مورد نظر مقنن دانسته و انواع مختلف عوارض قانونی در حقیقت از نوع دیوانی ناشی از اعمال مجاز محسوب می‌شود. بنابراین به لحاظ تفاوت و تمایز وجوه عناوین مذکور از یکدیگر، مصوبه مورد شکایت از جهت اینکه مفید استیفای عوارض قانونی مربوط است مغایرتی با قانون ندارد) متعاقباً آرای متعددی در خصوص عدم مغایرت مصوبات شوراهای اسلامی شهر در موارد مشابه، با قانون از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صادر یافته است و طی آرای شماره ۲۸۲ الی ۲۸۴ - ۱۳۹۸/۲/۲۴ آرای سابق‌الصدور به شماره‌های ۱۳۵۶ الی ۱۳۵۹ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ که مورد استناد شاکیان پرونده حاضر می‌باشد با اعمال ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی به جهت تعارض آن با رأی ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ نقض شده و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای مذکور تصریح کرده است (مصوباتی که در آرای ۱۳۵۶ الی ۱۳۵۹ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ ناظر بر تجویز اخذ عوارض احداث بنا برای تخلفات ساختمانی بعد از جریمه کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در آرای مزبور ابطال شده بود، منطبق با قانون است و موجبی برای ابطال آنها وجود نداشته و در نهایت مصوبات مذکور از اعتبار لازم در بازه زمانی مربوطه برخوردار بوده است). نظر به مدافعات معروضه به شرح فوق تقاضای رد شکایت را دارد.»

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۸۲۱ - ۱۳۹۹/۶/۱۶ مواد ۱۲ و ۲۴ و بند ۱۰-۳-۱۰ به استثنای تبصره یک بند مذکور و ردیف ۱ بند ۱۰-۴-۱۰ همگی مربوط به سال ۱۳۹۸ از تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر تبریز را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به ماده ۸، تبصره ۱ بند ۱۰-۳-۱۰ و بند ۱۰-۱-۱۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

۱- هرچند در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شوراهای اسلامی ذکر شده است، لیکن در قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه‌های بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش‌بینی نشده است. بنابراین ماده ۸ بهای خدمات تأمین سرانه‌های فضای سبز شهری تعرفه سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۲- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین تبصره یک بند ۱۰-۳-۱۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز به دلایل مندرج در رأی شماره ۹۷ الی ۱۰۰ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ و رأی شماره ۵۷۳ - ۱۳۹۶/۶/۱۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۳- بند ۱۰-۱-۸ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر تبریز سابقاً به موجب دادنامه شماره ۱۳۸۰ - ۱۳۹۹/۱۰/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است، بنابراین موجبی برای رسیدگی دوباره به تقاضای ابطال آن وجود ندارد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۳۹۲۱

۱۳۹۹/۱۲/۱۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۱۸۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۲ با موضوع: «ابطال فصل ۱۵، ۱۷، ۱۹ و ۲۳ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸ از تاریخ تصویب» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۹/۱۲/۲ شماره دادنامه: ۱۸۱۴ شماره پرونده: ۹۸۰۳۹۲۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقای علی اصغر روشنفکر

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- فصل ۱۵ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی

شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸

۲- فصل ۱۷ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸
 ۳- فصل ۱۹ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸
 ۴- فصل ۳۲ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸

گردش کار: ۱- شاکلی به موجب دادخواستی ابطال فصول ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۹، ۳۲ و ۳۵ از تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً اینجانب در خصوص بخشی از مصوبات شورای اسلامی شهر کهریزک راجع به عوارض بهای خدمات صدور استعلام و مازاد تراکم و ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری پارکینگ و آیین‌نامه ارزش معاملاتی ساختمان به استناد تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها و بهای ارائه خدمات ایمنی و آتش‌نشانی و ایجاد و نگهداری فضای سبز و ایجاد درب اضافه و آیین‌نامه نحوه نصب تابلو و عوارض آنها و بهای خدمات آماده‌سازی برای سال ۱۳۹۸ به علت خروج شورا از حدود اختیارات خود و تصویب مقررات که برخلاف مقررات و قانون می‌باشد درخواست ابطال فصل‌های ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۳۲ و ۳۵ مصوب مذکور در سال ۱۳۹۸ را به شرح ذیل به استحضار آن عالی مقام معروض می‌دارد. مصوبات یاد شده علاوه بر اینکه با ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنج ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ و ماده ۳۰ قانون مدنی و ماده ۴ تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ مغایرت دارد با آراء متعدد صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی شماره ۱۰۱۸ - ۱۳۹۳/۶/۱۷ و ۷۴۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ در تعارض است. بنابراین مصوبات شورای اسلامی شهر کهریزک در تعیین برقراری عوارض در موارد مذکور خلاف قانون می‌باشد و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر کهریزک است. به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال موارد فوق‌الذکر از آیین‌نامه تعرفه عوارض شورای اسلامی شهر کهریزک و جلوگیری از اخذ عوارض غیر قانونی شهرداری کهریزک از زمان تصویب را دارم.»

۲- شاکلی در پاسخ به اخطاریه رفع نقص به موجب لایحه مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۱ که با شماره ۹۸-۳۹۲۱-۴ در دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ثبت رسیده اینگونه اعلام کرده است که:

«در خصوص اعلام خواسته مقام قضایی مبنی بر تعیین دقیق عناوین فصول مورد شکایت در متن مصوبه ۱۳۹۸ که فصول مورد شکایت اینجانب به شرح هفتگانه ذیل می‌باشد. فصل ۱۵: مصوبه اخذ عوارض بابت بهای خدمات استعلام (عرصه و عیان) اعم از مسکونی و تجاری و اداری و سایر کاربری‌ها مغایر با رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۰۱۸ - مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۷ می‌باشد. فصل ۲۳: مصوبه عوارض ارائه خدمات ایمنی آتش‌نشانی که خلاف ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه می‌باشد.

فصل ۱۹: با عنوان تجهیز فضای سبز (عوارض ارائه خدمات حفظ و ایجاد فضای سبز) که خلاف ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه می‌باشد و همچنین مغایر با رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۱۰۱ - ۱۳۹۸/۲/۳ و ۱۹۱۳ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ و ۱۱۵۳ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ و ۷۴۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ می‌باشد.

فصل ۲۹: مصوبه عوارض ایجاد درب اضافه که خلاف ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه می‌باشد.

فصل ۳۲: مصوبه اخذ عوارض بهای خدمات و آماده‌سازی می‌باشد که مغایر رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۳۱ - ۱۳۹۷/۱/۲۱ و ۶۶۷ - ۱۳۹۶/۷/۱۸ می‌باشد.

فصل ۳۵: مصوبه آیین‌نامه نحوه نصب تابلو در سطح شهر و چگونگی محاسبه عوارض آنها می‌باشد که مغایر رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۸۵۰ - ۱۳۹۴/۷/۲۵ و ۴۴۹ - ۱۳۸۴/۹/۶ می‌باشد.

فصل ۱۷: مصوبه تعرفه ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری پارکینگ برای واحدهای مسکونی و تجاری و اداری و غیره، خلاف تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری می‌باشد.

۳- متن تعرفه‌های مورد اعتراض به شرح زیر است:

الف: فصل ۱۵ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸
 «بهای خدمات صدور استعلام (عرصه و عیان) اعم از مسکونی، تجاری، اداری و سایر کاربری‌ها»

الف) بهای خدمات صدور استعلام:

{(S1*P*K*۱.۵%)+(S2*A*K*۱%)}
 S1: مساحت عرصه
 S2: مساحت اعیان
 P: قیمت منطقه‌بندی
 A: ارزش معاملاتی اعیان

ردیف	کاربری	بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده
۱	مسکونی	K
۲	تجاری	۸
۳	اداری	۱۰
۴	صنعتی و کارگاهی	۹
۵	سایر کاربری	۸
۶	فاقد کاربری	۶
		۵
S1: مساحت عرصه		
S2: مساحت اعیان		
P: قیمت منطقه‌بندی		
A: ارزش معاملاتی اعیان		

تبصره یک:

در ازاء هر بار انجام معامله و نقل و انتقال املاک و اراضی مسکونی و تجاری و... اعم از قولنامه‌ای و یا دارای سند مالکیت عوارض مزبور اخذ می‌گردد.

تبصره دو:

این عوارض به هنگام صدور گواهی نقل و انتقال ملک اخذ می‌گردد و به هنگام قرار دادن ملک در رهن بانک و یا انتقال ملک به شهرداری تعلق نمی‌گیرد. در مورد افرادی که به منظور امور خیریه و عام‌المنفعه املاک خود را به صورت بلاعوض واگذار می‌نمایند با معرفی مراجع مربوطه از پرداخت عوارض معاف می‌باشند.

تبصره سه:

نقل و انتقال ملک بدون اخذ مفاصاحساب از شهرداری موجب تعلق کلیه بدهیهای معوقه ملک و همچنین عوارض نقل و انتقال، به عهده خریدار جدید (انتقال‌گیرنده) می‌باشد. ب) بهای خدمات صدور استعلام ارزش سرقفلی:

در هنگام نقل و انتقال حق سرقفلی املاک تجاری به مآخذ ۱۰٪ بر اساس قیمت اعیانی ارزش معاملاتی دفترچه دارایی محاسبه و وصول می‌گردد. بدیهی است هر زمان شهرداری از انتقال و واگذاری ارزش سرقفلی آگاه شود عوارض فوق می‌بایست وصول گردد. ماده واحده:

با عنایت به اینکه به موجب ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۸۵/۵/۲۴ متعاملین در زمان معامله موظف به اخذ مفاصاحساب از شهرداری نمی‌باشند و ایشان تنها ضمن سند تنظیمی متعهد می‌گردند بدهیهای ملک مورد نظر را پرداخت نمایند و مسئولیت نامبردگان نسبت به این بدهیها تضامنی خواهد بود. لذا به منظور وصول عوارض قانونی شهرداری بدینوسیله به شهرداری اجازه داده می‌شود مطالبات خود را از مالک یا مالکین فعلی املاک مذکور بر اساس آخرین نرخ و مصوبات قانونی صادر شده به روز محاسبه و وصول نمایند.

تبصره یک:

جرائم و عوارض موضوع آراء کمیسیون ماده ۱۰۰ و کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری شامل این ماده واحده نمی‌باشد.

تبصره دو:

با توجه به اینکه شهرداری بر اساس قوانین و مصوبات جاری در هر نقل و انتقال املاک اعم از ملکی و یا سرقفلی عوارضی را تحت عنوان عوارض نقل و انتقال بر اساس آخرین ارزش تعیین شده از سوی اداره امور اقتصادی و دارایی از متعاملین اخذ می نماید، بنابراین چنانچه ملکی از تاریخ تصویب این ماده واحده بدون اخذ مفاصاحساب شهرداری طی یک یا چند مرحله، نقل و انتقال شده باشد در زمان مراجعه به شهرداری کلیه عوارض نقل و انتقال به تعداد معاملات انجام شده به نرخ زمان مراجعه محاسبه و اخذ می گردد. همچنین عوارض نقل و انتقال املاکی که قبل از تاریخ تصویب این مصوبه منتقل شده اند بر مبنای نرخ زمان تنظیم سند وصول خواهد شد.

ب: فصل ۱۷ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸ «عوارض ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری پارکینگ برای واحدهای مسکونی، تجاری، اداری و غیره»

منشأ قانونی	بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده
ردیف	نوع عوارض
۱	عوارض جبران کمبود پارکینگ
S = مساحت ۲۵ مترمربع، مترآژ یک واحد پارکینگ	
N = تعداد پارکینگها	
K = برای واحدهای مسکونی ۳۰، واحدهای تجاری ۲۵، واحدهای اداری و صنعتی ۳۰ و سایر کاربریها ۲۰	
A = عدد ثابت ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	

تبصره یک:

در صورتی که بر اساس ضوابط، احداث پارکینگ در یک ساختمان ضرورت داشته باشد شهرداری حق دریافت عوارض حذف پارکینگ را ندارد. بنابراین چنانچه در نقشه ساختمانی تعداد پارکینگ مورد نیاز طبق ضوابط شهرسازی، پارکینگ در نظر گرفته نشود، صدور پروانه ساختمانی ممنوع می باشد مگر در شرایط خاص که شامل ۶ بند ذیل می باشد:

۱- ساختمان در بر خیابانهای سریع‌السير به عرض ۴۵ متر و بیشتر قرار داشته و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

۲- ساختمان در محلی قرار گرفته باشد که ورود به پارکینگ مستلزم قطع درختان کهن باشد که شهرداری اجازه قطع آن را نداده است.

۳- ساختمان در بر کوچه‌هایی قرار گرفته باشد که به علت عرض کم کوچه، امکان عبور اتومبیل نباشد.

۴- ساختمان در بر معبری قرار گرفته باشد که به علت شیب زیاد، احداث پارکینگ در آن از نظر فنی مقدور نباشد.

۵- در صورتیکه وضع و فرم زمین زیر ساختمان به صورتی باشد که از نظر فنی نتوان در سطح طبقات احداث پارکینگ نمود.

۶- ساختمان در فاصله یکصد متری تقاطع خیابانهای به عرض ۲۰ متر و بیشتر واقع شده و دسترسی به محل اتومبیل رو نداشته باشد.

تبصره دو:

شیب مقرر در بند ۴ بر اساس ضوابط طرح تفصیلی تعیین می گردد.

تبصره سه:

شهرداری موظف است درآمد حاصل از این تعرفه را به حساب جداگانه‌ای واریز و صرفاً در امر احداث پارکینگ عمومی هزینه نماید.

تبصره چهار:

بر اساس رأی قطعی شماره ۱۴۸۱ - ۱۴۷۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نظر به اینکه قانونگذار به شرح تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری تکلیف عدم رعایت پارکینگ و یا کسری آن را معین و متخلف را بر اساس رأی کمیسیونهای مقرر در آن ماده به پرداخت جریمه محکوم نموده، وصول عوارض در مورد عدم رعایت پارکینگ و یا کسری آن، خلاف هدف و حکم مقنن است.

تبصره پنج:

احداث پارکینگ عمومی در کاربری مربوطه توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی و در راستای ایجاد و توسعه پارکینگ عمومی شهر مشمول پرداخت عوارض نمی گردد. در صورتیکه مؤدیان پس از احداث بر خلاف مندرجات پروانه ساختمانی صادر بهره‌برداري غیر مرتبط نمایند بر اساس بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری اقدام خواهد شد.

ج: فصل ۱۹ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸

«تجهیز فضای سبز»

S*P*۰/۰۵

الف) بهای تجهیز فضای سبز:

منشأ قانونی	بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده
ردیف	نوع عوارض
۱	بهای ارائه خدمات حفظ و ایجاد فضای سبز
A = مترآژ کل بنای صادره (بنای مفید و غیر مفید)	
B = عدد ثابت ۲۰ مترمربع عنوان متوسط سرانه مسکونی برای شهرهای استان تهران	
D = سرانه پیش‌بینی شده فضای سبز در طرح مصوب توسعه شهری (طرح هادی) برای شهر کهریزک عدد ثابت ۳ می باشد.	
F = حداقل هزینه ایجاد یک مترمربع فضای سبز در شهرها برای واحدهای مسکونی ۳۰۰/۰۰۰ ریال، برای واحدهای تجاری و اداری و کاربریهای مشابه ۴۰۰/۰۰۰ ریال و برای کاربریهای صنعتی - انبارها حمل و نقل و موارد مشابه ۵۰۰/۰۰۰ ریال، برای فاقد کاربری و حریم ۳۰/۰۰۰ ریال در نظر گرفته شود.	

تبصره یک: مقرر گردید بناهایی که قبل از دستورالعمل شماره ۵۳۲۱۴ - ۶۱ مورخ ۱۳۸۲/۹/۱۵ دفتر فنی استانداری تهران احداث گردیده‌اند و دارای آرای کمیسیونهای ماده ۱۰۰ و ماده ۵ و ... بوده‌اند از پرداخت عوارض حفظ و گسترش و ایجاد فضای سبز معاف گردیده و بعد از آن تاریخ عوارض اخذ گردد.

تبصره دو: مقرر گردید طبقه محاسبه عوارض فضای سبز با کاربریهای ورزشی خصوصی و دولتی همانند کاربریهای مسکونی (اخذ عوارض فضای سبز و ۱۰٪ عرصه) محاسبه و اخذ گردد. کاربریهای مذهبی، آموزشی، فرهنگی و درمانی معادل مسکونی می باشند.

تبصره سه: مقرر گردید در خصوص کاربریهای دامپرووری؛ گاوداری و مرغداری ملاک عمل اجرای ۲۵٪ از کل عرصه و غرس درخت و درختان موجود باشد.

تبصره چهار: مقرر گردید در کاربریهای مسکونی انبوه‌ساز تا پنج طبقه ۱۰٪ عرصه کل و بیش از آن ۱۵٪ عرصه کل به فضای سبز اختصاص داده شود.

تبصره پنج: مقرر گردید در کاربریهای تجاری و پاساژها تا پنج طبقه ۱۵٪ از عرصه کل و بیش از آن ۲۵٪ عرصه کل به فضای سبز اختصاص داده شود.

تبصره شش: نرخ پیشنهادی برای اراضی غیر مسکونی که در اثر رأی کمیسیونهای مختلف از قبیل مغایرت‌های اساسی، غیر اساسی و ماده ۵ که به کاربری مسکونی تغییر یافته و یا بر اثر ساخت و ساز غیر مجاز طی کمیسیون ماده صد منجر به صدور رأی جریمه گردیده است در موارد فوق در فرمول به جای پارامتر D عدد ۱۵ که سرانه پیش‌بینی شده برای شهرهای استان می باشد جایگزین می گردد. برای نمونه در شهری که در طرح هادی مصوب شهر سرانه فضای سبز پیش‌بینی شده ۳ مترمربع باشد به جای پارامتر D عدد ۳ جایگزین می گردد، ولی در صورتیکه موضوع شامل رأی تأیید شده کمیسیونهای اعلامی در بند فوق باشد به جای پارامتر D عدد ثابت ۱۵ در نظر گرفته می شود.

تبصره هفت: در مواردی که با صدور پروانه احداث بناهای تجاری، صنعتی، کارگاهی و انبار از طرف شهرداری موافقت می گردد با توجه به معضلات این واحدها حداکثر مترآژ سرانه ۱۵ مترمربع به عنوان پارامتر D در فرمول اعلام شده در نظر گرفته می شود.

تبصره هشت: بناهای دارای گواهی پایانکار و یا گواهی عدم خلاف تا پایان سال ۱۳۸۶ از پرداخت عوارض حفظ و ایجاد فضای سبز معاف بوده و چنانچه تقاضای توسعه بنا را داشته باشند میزان بنای جدید ملاک عمل می باشد و اگر به صورت غیر مجاز توسعه بنا داشته باشند پس از طرح در کمیسیون ماده صد در صورت ابقاء بر اساس تبصره فوق اقدام خواهد شد.

ب) عوارض عدم تأمین فضای سبز:

۱- عوارض عدم تأمین ۱۰٪ فضای سبز در کاربریهای مسکونی و تجاری

منشأ قانونی	بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده
ردیف	نوع عوارض
۱	عوارض عدم تأمین فضای سبز
A = مبلغ قابل وصول می باشد.	
S = مساحت عرصه کل پلاک می باشد	
M = عدد ثابت هزینه اجرای فضای سبز در یک مترمربع، که برای کلیه شهرها استان تهران ۸۰/۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.	
N = عدد ثابت هزینه نگهداری ۲ سال یک متر فضای سبز، که برای کلیه شهرها استان تهران ۸۰/۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.	
P = ارزش منطقه ای آن شهر می باشد.	

محل جدید که تکلیف آنها در قانون مشخص نشده باشد تجویز شده است. بر همین اساس ضمن تأکید بر عدم ارتباط عوارض اعلامی در دادخواست به پرونده ملکی شاکی، قانونی بودن عوارض مصوب مرتبط و مذکور در فیش درآمدی شهرداری را اعلام، رد شکایت شاکی را خواستار است.»

۵ - در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۱۱۰ - ۱۳۹۹/۸/۷ - فصول ۲۳، ۲۹ و ۳۵ از تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸ را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

«رسیدگی به فصول ۱۵، ۱۷، ۱۹ و ۳۲ از تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸ در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای نقل و انتقال املاک و اراضی با کاربری مسکونی تجاری سرقفلی و غیره در تمام اشکال آن در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی تشخیص و ابطال شده اند، و تغییر عنوان عوارض نقل و انتقال به بهای خدمات صدور استعلام ماهیت موضوع را تغییر نمی دهد، بنابراین فصل پانزدهم تحت عنوان بهای خدمات صدور استعلام مصوب شورای اسلامی شهر کهریزک به دلایل مندرج در رأی شماره ۲۴۳ - ۱۳۹۵/۴/۱ - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می شود.

ب: هرچند در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شوراهای اسلامی ذکر شده است، لیکن در قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه های بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش بینی نشده است. بنابراین فصل نوزدهم تحت عنوان تجهیز فضای سبز مصوب شورای اسلامی شهر کهریزک مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می شود.

ج: طبق بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری، ایجاد خیابان ها، کوچه ها، میدان ها، باغ های عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود مقررات موضوع از وظایف شهرداری ها است و در قوانین موضوعه فقط در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت اراضی و املاک واقع در طرح های دولتی و شهرداری ها، در هنگام تقاضای ورود به محدوده و استفاده از امکانات شهری، هزینه آماده سازی به عهده مالکین گذاشته شده است، بنابراین اطلاق فصل سی و دوم تحت عنوان بهای خدمات آماده سازی به دلایل مندرج در دادنامه شماره ۵۵۶ - ۱۳۹۹/۴/۱۷ - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که اخذ وجه در سطح شهر تحت عنوان هزینه آماده سازی معابر و شوارع را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر دانسته، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می شود.

د: با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین فصل هفدهم تحت عنوان عوارض ارزش افزوده حاصل از تبدیل کاربری پارکینگ برای واحدهای مسکونی، تجاری، اداری و غیره به دلایل مندرج در رأی شماره ۹۷ الی ۱۰۰ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ و رأی شماره ۵۷۳ - ۱۳۹۶/۶/۱۴ - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

تبصره: عوارض مزبور در خصوص بناهای سال ۱۳۸۲ به بعد می باشد و بناهای قبل از این سال صرفاً عوارض حفظ و ایجاد فضای سبز قابل وصول می باشد. ضمناً بناهای دارای گواهی پایانکار و عدم خلاف تا پایان سال ۱۳۸۷ بر اساس جدول بناهای مندرج در گواهی معاف می باشند.

۲- عوارض عدم تأمین ۲۵٪ فضای سبز در کاربری های صنعتی و انبار:

منشأ قانونی	بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده
ردیف	نوع عوارض
۱	عوارض عدم تأمین فضای سبز
$A = 25\% \cdot S \cdot (M+N+1 \cdot P)$	
<p>A = مبلغ قابل وصول می باشد. S = مساحت عرصه کل پلاک می باشد M = عدد ثابت هزینه اجرای فضای سبز در یک مترمربع، که برای کلیه شهرها استان تهران ۸۰/۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است. N = عدد ثابت هزینه نگهداری ۲ سال یک متر فضای سبز، که برای کلیه شهرها استان تهران ۸۰/۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است. P = ارزش منطقی املک صنعتی و کارگاهی و انبار</p>	

لازم به توضیح است پارامتر $D = 15$ در خصوص بناهای کارگاهی و تجاری از مجموع کلیه سرانه کاربری های (تجاری، آموزشی، فرهنگی، مذهبی، درمانی و بهداشتی، اداری و نظامی، تفریحی و ورزشی، کارگاهی، حمل و نقل و انبار) بر اساس دفترچه هادی استخراج گردیده است. د: فصل ۳۲ تعرفه عوارض محلی شورای اسلامی شهر کهریزک مربوط به سال ۱۳۹۸ «بهای خدمات آماده سازی»

منشأ قانونی	بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده
ردیف	نوع عوارض
۱	بهای خدمات آماده سازی
<p>بر اساس فهرست بهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی به علاوه ۱۵٪ هزینه های بالادستی</p>	

تبصره یک:

در اراضی که تقاضای تفکیک دارند عملیات آماده سازی معابر مربوطه می بایست توسط مالک یا ذینفع (اشخاص حقیقی یا حقوقی) صورت پذیرد.

تبصره دو:

در املاکی که اقدامات آماده سازی آنها توسط تعاونی های مسکن و یا مالکین مربوطه صورت گرفته باشد مشمول پرداخت هزینه آماده سازی نمی باشند. مشروط به اینکه مراحل آماده سازی به صورت کامل توسط آنها انجام شده باشد. چنانچه قسمتی از مراحل انجام و قسمتی باقی مانده باشد بابت سایر مراحل که توسط شهرداری انجام پذیرفته یا خواهد پذیرفت هزینه های مربوطه بر مبنای فهرست بهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی به علاوه پانزده درصد هزینه های بالادستی توسط واحد عمران برآورد و قابل ایصال است.»

۴- در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر کهریزک به موجب لایحه شماره ۶۲۱/۲۹۲۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۷ توضیح داده است که:

«به استحضار می رساند تنها مورد مطروحه در دادخواست شاکی که منطبق با مدارک موجود در پرونده شهرسازی ملک شاکی می باشد اعتراض به عوارض مزاد بر تراکم است که به اتکاء دادنامه شماره ۴۶ و دادنامه شماره ۴۰۵ هیأت تخصصی عمران، شهرسازی و اسناد دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶، دادنامه های شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵، ۲۵۵ - ۱۳۹۶/۱۱/۲، بند (ب) رأی شماره ۷۹ - ۱۳۹۵/۲/۲۱، ۷۸۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ و ۱۰۱ - ۱۳۹۸/۲/۳ - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، جرائم مندرج در تبصره های ماده صد در واقع نفس الامر به منزله مجازات تخلفات ساختمانی مورد نظر مقنن بوده و انواع عوارض قانونی در حقیقت از نوع حقوق دیوانی ناشی از اعمال مجاز محسوب می شود و اخذ عوارض بر مزاد تراکم را غیر قانونی تشخیص نداده و در موارد مشابه حکم به رد دادخواست خواهان صادر نموده اند. لذا اخذ عوارض مزاد بر تراکم و عوارضی همچون بهای خدمات و آتش نشانی طبق بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵ تأکید بر صلاحیت شورای شهر بر تصویب لوائح برقراری یا لغو عوارض شهر دارد و به موجب تبصره یک ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ وضع عوارض